

زوندون



Ketabton.com

رئیس دولت و صدراعظم هنگامیکه دوکتور هنری کیسنجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکا را پذیرفتند

امرویکارا پذیرفتند. کیسنجر گفت:

به استقلال دوستی مستحکم افغانستان احترام داریم



بنغالی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم هنگامیکه دوکتور هنری کیسنجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکا را پذیرفتند.

**بنغالی امهاي تبر يكيم خا به
شده است**

مديريت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف بنغالی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم به مناسبت روز ملی ترکیه تیلگرام تبریکیه عنوانی بنغالی فخری کورو توکا رئیس جمهور آنکشور به انقره مخابره شده است.

بنغالی رئیس دولت طی این تیلگرام تمنیات نیک خوش دایرای سعادت و موفقیت های هزید مردم دوست و برادر هاتر کیه ابراز کرده اند.

مدیريت اطلاعات وزارت امور خارجه اطلاع داد که از طرف بنغالی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم به مناسبت جشن ملی اجزایر تیلگرام تبریکیه عنوانی بنغالی هواری بودند رئیس دولت آنکشور به الجزیره مخابره شده است.

زعیم ملی ما بنغالی محمد داؤد رئیس از کابل خطاب به جمهوری گفت: با استقلال افغانستان که خصوصیت تاریخ موصوف گفت: طی مذاکرات خود با هم بران دولت و صدراعظم ساعت ۱۱ و ۴۰ دقیقه قبل از ظهر ۱۰ عقرب دکتور هنری کیسنجر وزیر امور خارجه امریکا را برای ملاقات دد قصر این کشور است احترام داریم. این کشور ایشان است. و روابط نیک ایشان را با وی علاوه کرد آنچه در جهان آرزوی ما کشور ایشان است. همه کشورها استقبال منایم و تا جاییکه به است وجود یک ملت و یک جامعه مرکب از ملل مستقل می باشد که بر آزادی واستقلال خود بقیه در صفحه ۵۴

ابلاغیه مشترک

ساعت یک بعد از ظهر ۱۰ عقرب ابلاغیه مشترکی از جانب افغانستان و ایالات متحده امریکا صادر شد که متن آن از این ترتیب است.

وزیر امور خارجه امریکا دکتور هنری کیسنجر بنا به دعوت حکومت افغانستان بتاریخ دهم عقرب دوستانه ای که مهیزه روابط بین افغانستان و امریکاست مذاکرات صریح بعمل آوردند. این ۱۳۵۳ مسافرتی رسمی به جمهوریت افغانستان مسائل شامل روابط بنغالی محمد داؤد بعمل آورد و طی آن از طرف بنغالی محمد داؤد در شرق هیانه و جنوب آسیا پیشرفت در دیانت رئیس دولت و صدراعظم پذیرفته شده بنغالی بین المللی و علاقمندی مقابل هردو طرف برای محمد نعیم بنغالی و حیدر عبدالله معین سیاسی و زارت امور خارجه افغانستان ملاقات نمود. تأمین صلح استقرار و همکاری در جهان بود. طرف افغانی نظر و موقف خود را روی یک بنغالی کیسنجر نهاد حضور بنغالی محمد داؤدر رئیس دولت و صدراعظم صرف کرد. سلسله موضوعات عده بین المللی بشمول

بنغالی کیسنجر نهاد حضور بنغالی محمد داؤدر رئیس دولت و صدراعظم صرف کرد. سلسله موضوعات عده بین المللی بشمول

بنغالی کیسنجر قبل از عزیمت

در مذاکرات از جانب افغانستان دکتور محمد حسن شرق معاون صدارت علمی، دکتور عبدالجید وزیر عدلیه بنغالی و حیدر علامین سیاسی و بنغالی عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی وزارت امور خارجه واژ جانب ایالات متحده بنغالی الفرد اترین معاون وزیر خارجه امریکا در امور شرق میانه و بنغالی تدویرایلیون سفیر کبیر آنکشور مقیم کابل اشتراک داشتند قرار یک خبر دیگر وزیر خارجه امریکا متعاقب مذاکرات، نهاد را بنغالی رئیس دولت و صدراعظم در قصر ریاست جمهوری صرف ننمود.

بناغلی رئیس دولت گفتند: هدف دولت جزر فاہ و آرامی هموطنان پیشافت واعتلای کشور در پرتو این نظام چیز دیگری نیست



بناغلی رئیس دولت و صدراعظم روز ۱۳ عقرب خطاب به روسا واعظای تیم های بزرگتر صفحات شمالی کشور گفتند: هدف دولت جمهوری ایران رفاه و آزادی هموطنان و پیش از آن فتح واعتلای کشور در پرتو این نظام جزء دیگری نیست.

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم روز ۱۳ عقرب خطاب به روسا واعظای تیم های بزرگتر صفحات شمالی کشور گفتند: هدف دولت جمهوری ایران رفاه و آزادی هموطنان و پیش از آن فتح واعتلای کشور در پرتو این نظام جزء دیگری نیست.

زیارت دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ساعت ۱۰ قبیل از ظهر روز ۱۳ عقرب روسا معاونین نیمی از تیم های لکن اسبابها و چابهار اندازان تیم های بنگشت ولايات شمالی کشور را در چمن قصر زیارت جمهوری پندیر فتح کردند. زیارت رضایت شانرا نسبت به پیشافت وانکه این وزرای مملو باستانی کشور به آنها ابرار زفره داشتند.

بناغلی رئیس دولت و صدراعظم روز ۱۳ عقرب خطاب به روسا واعظای تیم های بزرگتر صفحات شمالی کشور گفتند: هدف دولت جمهوری ایران رفاه و آزادی هموطنان و پیش از آن فتح واعتلای کشور در پرتو این نظام جزء دیگری نیست.

باقی در صفحه ۵۴

بناغلی محمد نعیم روی روابط واجبه و مسائل مهم جهانی و اوضاع منطقه بادوکتور کسینجر مذاکره نمود

دکتور هنری کیسنجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکا ساعت ۲۰.۵۰ دقیقه قبل از ظهر عقرب با بناغلی محمد نعیم در وزارت امور خارجه ملاقات نمود.

معجنان وزیر خارجه امریکا ساعت ۱۰.۵۰ دقیقه با بناغلی محمد نعیم در وزارت امور خارجه ملاقات کرد.

هنگام ملاقات وزیر خارجه امریکا با بناغلی محمد نعیم بناغلوبهین سیاسی و مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه افغانستان، بناغلی اترین معاون وزارت خارجه امریکا در امور شرقیانه و سفیر کبیر امریکا مقیم کابل نیز حاضر بودند.

ظریف این ملاقات که تا ساعت ۱۱ و نیم دوام کرد روایت روابط واجبه و مسائل مهم جهانی بشمول اوضاع این منطقه مذاکره بعمل آمد.



بناغلی محمد نعیم هنگام مذاکره با دکتور هنری کیسنجر وزیر خارجه امریکا در وزارت امور خارجه

رئیس دولت و صدراعظم سفرای ایران و سویس را پذیرفته است

بنغلی محمد داد رئیس دولت و صدراعظم ساعت سه بعد از ظهر روز ۱۴ اکتوبر بنغلی جاتکی تفصیلی سفر کبیر ایران را که دوره ماموریت در افغانستان به پایان رسیده است برای ملاقات تودیع پذیرفتند. ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع‌داد که بنغلی رئیس دولت و صدراعظم ساعت ۱۲ ظهر ۱۴ اکتوبر غرب بنغلی دانیل جاج نی‌بین سفیر کبیر غیر مقیم سویس و آنیز در قصر ریاست جمهوری برای وداع پذیرفتند. دوره ماموریت بنغلی نی‌بین هم در افغانستان خاتمه یافته است.

از مناظر سفر بنغلی رئیس دولت و صدراعظم در اتحاد شوروی



از بنغلی محمد داد رئیس دولت و صدراعظم فمن سفر اخیر شان با اتحاد شوروی شهر یان ماسکو با حرارت و محیمیت خاص استقبال نمودند. در عکس شخص دوم از طرف جنگلی کورنی صدر هیات رئیسه سورای عالی اتحاد جماهیر شوروی نیز دیده می‌شوند.



نیکولای پودگورنی صدر هیات رئیسه اتحاد شوروی
ولادیمیر ایلیچ لینین بنیان گذار اتحاد شوروی

ادعای پاکستان را یک نطاق وزارت خارجه رد کرد

نهاد وزارت امور خارجه به جواب سوال دیگر آزادی را می‌داند. بیانات اخیر ذللقار علی یوتوصیر اعظم پاکستان در پایان تکریه طی آن ادعا کرد که زیادی از خراب کاران که به اتهام پرتاب یمدد سراسر پاکستان بالمنبع وزارت اطلاعات و کلتور گفت که دستگیر گردیده اعتراف کرده اند که در از طرف پوهاند دوکتور نوبن وزیر اطلاعات و افغانستان برای استعمال مواد منفجره توبیه کلتور به مناسب وفات میرزا کاترنا فرستیو شده اند. گفت چنین اتهامات بی اساس که معرف ناتوانی حکومت پاکستان در حل مغفلات انتکشور عیاشد سابقاً تیز چندین بار از طرف وزیر کلتور اتحاد شوروی بتاریخ سوم مرداده و افغانستان آنها را رد نموده بود، یکبار غرب درگذشته است. دیگر آنرا عاری از حقیقت خوانده جدآرد می‌گند.

از طرف بنی‌اعلمی رئیس دولت تیلکرام تبریکیه به مسکو مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه روز ۱۵ اکتوبر خبر داد بنغلی محمد داد رئیس دولت و صدراعظم علی پیام که عنوانی بنگلولیونید بریزند سر مشی حزب کمونیست، نیکولای پودگورنی صدر هیات رئیسه شورا بعالی والکسی کاسیگین صدر اعظم اتحاد جماهیر شوروی نیز دیده می‌شوند.

متن پیام تبریکیه شاغلی محمد داد رئیس دولت و صدراعظم

مسرت دارم تبریکات و تمیمات صمیمانه خود، مردم و حکومت افغانستان را به شما و مردم دوست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ابراز نمایم.

باندگار از علایق دوستی و مودت دیرینه که خواستگارانه بین مردمان مایه قرار است و همواره نشانه حسن همچواری و تلاحم احترام متقابل و همکاری نزدیک و متمثمر بین هر دو کشور می‌باشد. های مسرت است که این متأسف دوستانه علی همین سال بار دیگر در ارتباط دارم که این روابط حسنه و همکاری بیان جایه به نفع مردمان هر دو کشور ما و برای تشییع مزید علایق دوستی بین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و برای صلح جهانی و امنیتی بیش از پیش مؤثر واقع شود.

به افتخار بهترین فرصت نیک مسروق بهترین آرزوی خود را برای صحت و سلامت شما و برای ترقی و رفاه روز افزون ملت دوست و همسایه ما اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ابراز نمایم.

محمد داد مقرریها جدید در وزارت اطلاعات و کلتور

بنغلی غلام حضرت کوشان بعیث رئیس و منظوري مقامات صلاحت دار مقری های اداری آن در مربوطات آن وزارت صورت گرفته است. بنغلی فیض محمد خیرزاده بعیث رئیس دوکتور محمد قاهر صدیق بعیث و رئیس کلتور و هنر . بنغلی عبدالمحمد آملی بعیث و رئیس نشرات .

بنغلی محمد کاظم آهنج بعیث و رئیس افغان فلم . بنغلی محمد حسن فیضی در بست دیگر آنرا عاری از حقیقت خوانده جدآرد می‌گند. دوم بعیث عضو انجمن کلتور و هنر .

رابور حريق شب ۱۲ عقرب سرای عطاری

بیش از شصت ساعت در میان آتش

**سه هزار نفر برای مهار کردن آتش
مبارزه کردند**

**حريق سرای عطاری را کاملاً در کام
شعله های خود فروبر داد**

مواد روغنی و قرطاسیه محتویات سرای عطاری را تشکیل میداد از زیر و آتش برای چندین ساعت همچنان زبانه میکشید پس از بک مبارزه طولانی بالاخره آتش تحت کنترول در آمد

هیات های برای بررسی اموال سرای و تحقیق در زمینه آتش سوزی موظف گشته اند.

آن شب شعله های آتش از فاصله های دور خود را منع نمودند تا بطور یکه درین حادثه چندان در فضای زیانه میکشند. در آن محدوده همچنان در عمله اطفاییه براحت برداشت. درین میانه قوای امنیتی برای حفظ اطمینان از آتش سوزی در میانه سرای اینکه تمام اموال مخصوص که اعلام خطر میکرد با بلندگوها بشناسی شیر را برگرد.

حریق خطرناکی در یکی از نقاط شهر کابل درین سرای عطاری واقع قسمت اخیر جاده نادر پیشونده همچیزی به آتش کشیده بوده عمله اطفاییه ولاست کابل پس از ایسکه از آتش سوزی در سرای عطاری و قوف احصال نمودند بین تک به محل حادثه شتابند و تمام قوا و وسایط ایکه در اختیار داشتند رای سهار کردن آتش یکار انداختند. ولی آتش سوزی خیلی مدهش بود و پس از آنکه مدت شعله های آتش تمام سرای را فراگرفت. سرای اینکه درین سرای تماماً اموال را مورد رونقی، قرطاسیه و بوجی تشکیل میداد. وقتی عملیه اطفاییه یک قسمت آتش را ذیر کنترول میگرفتند حریق از قسمت دیگری زبانه میگشید

آن شب پاد نسبتاً تندری میوزید و در امر افزون آتش و گسترش آن در محدوده سرای وسیله خطر ناکی به شمار میرفت. برای سهار زدن حریق همه امکانات کار کنائنه شد، قوای اطفاییه ازد و به کمک اطفاییه بوجود آیدنمه مشکلات

پولیس شافت و بی محابا در اطمینان حریق داخل قعالیت شد. ولی آتش همچنان سرگردان میگرد و چون سلسی اموال و سامانه های اداری

این عکس منتظر است از سرای عطاری گه در اثر آتش سوزی کاملاً ازین وقت و فرو

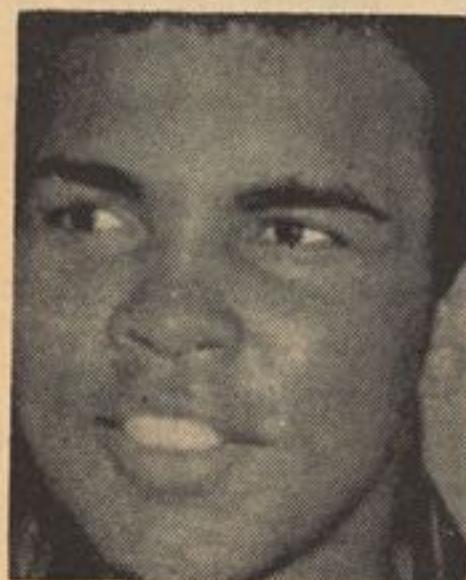
غلتیده است.

مرط لش عمره ایران شنگاره



دزوندون گود میز دکته هار د

کورنیو درباره



دربز و گترین نبرد بو کس محمدعلی

کلی بار دیگر قهرمان شد



نخستین جعبه اسرار آمیز از هده

کشف گردید

زوندون

۱۸ عقرب ۱۳۵۳ مطابق ۲۴ شوال المکرم برابر ۹ نوامبر ۱۹۷۴

فصل سرمه او مشکلات مردم

در ممالک رو با اکتشاف و طایف مردم در جهت پیشبرد پلاتیمای انتکشافی بیشتر محسوس میگردد. جهه مردم درین کشورها مسوولیت خطری بدoush دارند تا با پشت کار و خدمات خستگی تا پذیر بتوانند فاصله ابرا که میان ممالک انتکشاف یافته و زو با اکتشاف وجود دارد از بین بر دارند.

این هدف و قیمتی میسر شده میتواند که مردم بایک ارزی کامل و عاری از هر گونه تشویش و نازاحتی ناشی از مشکلات اقتصادی از امور محوله خوبیش وارسی نمایند. منظور از مشکلات اقتصادی همانا احتیاجات اولیه مردم است که باید جدا غوروبر رسی گردد. درین مورد شاروالیها نقش مهمی را در یک کشور ایغا مینمایند. بروگرامهای بشاروالی ها باید طوری طرح گردد که با تطبیق آن اکثریت مردم از نظر احتیاجات اولیه مستفید گرددند.

در کشور عزیز ما با روی کارآمدن نظام مردمی جمهوریت که رفاه و آراء می مردم اهداف اساسی آغازشکیل می‌دهد توقع مردم از بشاروالیها بیشتر گردیده است که البته این توقع مردم، و طایف بشاروالیها را بیشتر از هر و قیمتی سنگینتر ساخته است.

از جمله مسائلی که توجه جدی بشاروالیها را جلب مینماید یکی هم کنترول ترخها است. درین مورد باید تلاشیای پیکر و همه جانب مبدول گردد تا سیستم ترخهای استندرد در کشور بوجود آید. مخصوصا درین فرستیکه فصل سرمه افراد رسیده و مشکلات مردم ما بیشتر گردیده است باید مسوولان بشاروالیها سعی ورزند تا مواد ارزاقی بمقدار کافی و قیمت مناسب بر مردم عرضه گردد زیرا عدم موجودیت مقدار کافی مواد ارزاقی به قیمت مناسب مشکلات همه مخصوصا طبقه غریب و بیچاره را درین فصل دوچندخواهد ساخت.

طوریکه دریکی از بحث های «میز مدور زوندون در خدمت خانواده ها» تذکر رفته است سال گذشته در آغاز فصل سرمه یک عدد محتکرین چوب و دغآل را ذخیره نموده و عرضه این مواد ارزاقی را در مارکیتها کم نمودند تا در موقع ازدیاد تقاضا آنرا به قیمت بلندتر بفروش بر سانند. خوشبختانه بشاروالی کابل از موضوع اطلاع حاصل نموده و جلو این اقدام محتکرین را گرفت.

با یاد آوری این مطلب درین فرستیکه باز هم ترتیبات فصل سرمه گرفته میشود امیدواریم بشاروالی کابل امسال قبل از وقوع چنین وقایع داخل اقدام شده و بکمک بعضی وزارت خانه ها، بانکها و دیگر موسسات خیریه مواد کافی ارزاقی فصل زمستان را تبیه و جهت فروش در مارکیتها شهرب عرضه نماید تا نشود که باز هم اشخاص منعمت برست از موقع استفاده نموده و بخاطر منعمت شخصی خوبیش منافع عامه را به خطر مواجه سازند.

لِسْتُ لَا مِرْ وَذْ فَكَيْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارزش‌های نظام جمهوری در آئین اسلام

نکرده ایم زیرا آزادی رای و داشتن حق قضایت آزاد بحدی میسر و ابراهیم بود. که ارزشمندی و منیت از تروهمتازتر از مقا هیم معمول معروف دیمو کرا تیک امروز د.

زعیم دوم اسلام که تا زیستن اورا
بنام نخستین خلیفه اسلام ثبت کرده
ست، کار خلافت و تصدی امور
مردم را در دست گرفت و ساده
و بی‌آلایش و بدون تشریفات بود،
او نیز مانند سلف بزرگش فقط
برای مردم و اصلاح عقاید و هبری
ایشان در شاهراه زندگی مساعی
پیکری بعمل می‌آورد و هیچگونه
امتیاز و برتری را تحت هیچجنوی
عنوانی در برابر امور مردم و در
برابر تامین و برقراری عدالت در
میان انسان‌ها قبول نمیکرد.

خلفای چهار گانه اسلام و عبارت
دیگر خلفای را شدین هر یک در وقت
و زمان خو یش بعین همین رو ش
انتخابا بات آزاد و دادن حق قضایت
آزاد برای هر فرد در مورد شخص
نامزد عهده داری و ظیفه خلافت
وزعامت اسلامی برای پیشبرد
زعامت مردم تعیین گردید و در هیچ
مرحله نسبت به پیچگی هیچگو نه
سفرارش و تو صیه از طرف خلیفة
بیشتر راجع به جا نشینش صورت
نمیگرفت و بدین طریق امور اجتماعی
ومسائل مردم را بخود شان می
گذاشتند تا مطابق و وقت و زمان
ونحوه پذیرش و پندار خو یش
شخصی را که نسبت به موافقیت
وی در راه پیشبرد و ظیفه خطیر
خلافت وزعامت، مطمئن باشد ،
آزادانه انتخاب و تعیین نمایند .

دوسن گیرد از یافرو او را خود مردم
در کمال رضایت بحیث شخصیت
دوم جهان اسلام وزعیم فدائکار
کروه اسلامیان تعیین کردنند.
بروی اصطلاحات امروز باشد
کفت که این انتخابات واوزش
لذاری بافکار وار داده مردم را در
ورد تعیین وزعیم و متصدی مسایل
ین و دنیا یشان اگر دیمو کراتیک
طلاق نمائیم باز هم حق آن را ادا

محمد (ص) بد لیل اینکه آثین او و سیستم اصلاحی اش انسانیت را به تمام معنی شناخته و تشخیص داده و حق بزرگی بران قایل بود، نخواست اختناق را در میان انسان هاره بدهد و یا راه و رو شی را بر اساس وصیت نامه و میراث و توارث برایشان یقپولاند و بلکه هر نوع اعمال و طرز تفکر را که ممکنی بر پذیرش کهن و بر مبنای امتیازات و ملاحظات قومی و فا میلی استوار بوده از روحیه ضد انسانی تو رث

دستیاری های بزرگ اسلامی را معرفی میکند

عبدالرحيم (عيسى) از دارالعلوم اسدیه بلخ

حضرت اسود راعی (رض)

شهرت این صحابه مبارز در آئست که پیغمبر خدا(ص) اسلام را بمن بنمای ۱۰۰ جون
فاصله میان ایمان اوردن و شهادتش آنقدر رسول علیه السلام هیچگس را تحریر
نمی کردند و خصوصا آنانیها که تعامل به قبول مدتی نبود که حتی یک وقت نماز فرضی راهم ادا کنند یعنی بمعجزه دیگر ایمان آورد وارد
اسلام داشته باشند پیشتر نوازش میگردد همان بود که میادی اسلام زایوی عرضه کردند
و او بجان و دل اصول اسلام را یادبرفته باشیده صحنه جهاد شده پیش از ادای کدام نماز فرضی جام شهادت نوشیده
این مرد مجاهد که نامش اسلم بوده و بعض ها پیار نامیده اند در عهد پیغمبر اسلام کافر بوده و حضرت رسول علیه السلام اورا به اسود راعی (پیویان سیاد) ملقب
تموده به پیغمبر اسلام(ص) گفت: ای پیغمبر خدا! من به صاحبان این گوستفاده من دو را ساختند.
اصلاً این شخصیت اسلام من یعنی اسود راعی غلام حیشی بوده نزدیکی از پیرویان خبر بر صحبت مزدور شغل چوبانی داشت
زمانیکه رسول خدا علیه السلام با مسلمین قلمه ها و سترکها ی خبر را بسما صور داشتند و خواستند آن سرزمهین را از فساد
یستی پیوستان نجات دهند درین اثنا سیسته وی با قبول ایمان پاک و کشاده شد و به نزد رسول خدا (ص) بالاده آمد و گفت: ای من کنند.

نادرست دد سنتکان، بزر ترین عامل هلاک و بر با دی گذشتگان شما شمرده میشود شما نباشد در مسیری کام بردارید که تبا هی و سیاه روزی دیگران را دران راهدیده و یا شنیده اید و این بذات خود درسمی است عملی که با یستی هر فرد شما آن را در زندگی و خاصه در مسائل و امور مردم و اجتماع فرا موش ننماید.

پیامبر اسلام(ص) میفرمود گذشتگان گذشتند و تو مار عقا ید و طرز پندار و اندیشه خو یش را نیز با خود بیچیدند و بر دند و امروز بسوی هدفی دیگر پیش میر و یم، روزی دیگر و آغاز دیگر است و ما هدفی که نه میرانی و نه زاده عقاید و طرز کار و بیش ر فتگان و پندار های کود کورانه است.

بس از حیات پیامبر اسلام(ص) دو زه روزه گار دیگری عرض و جود کرد

هؤسسه آزادی فلسطین بحیث نماینده اصلی فلسطینی ها تبارز نمود

اردن رافکر میکنند فلهدا مردم فلسطین به هیچ و جه نمیتوانند آردن را بحیث نماینده خود پیذیرند. موقف سایر کشور های عربی در برابر این موضوع روشن بوده است باین معنی که و زرای خارجه کشور های عربی قبل از برگزاری کنفرانس سران عربی در گنفرانس مقدماتی شان فیصله کرده بودند که موسسه آزادی فلسطین بگانه نماینده واقعی مردم فلسطین است.

بنا بران سران عرب نیز این فیصله را تایید میکردند آنها رویهم رفته راه ایجاد یک نوع مصالحه را بین دو جانب ترجیح دادند. بنابر همین امر بوده است که نخست از ملک حسین دوم پادشاه المغرب بحیث رهبر کشور میزبان تقاضا شد که بین آنها میانجی شده و مصالحتی ایجاد کند. در عین زمان سران جمهوریت عربی مصر، عربستان سعدی، الجزایر و سوریه مساعی جیلیه بخراج دادند تا راهی در زمینه پیدا

فرانشیز شود. در اثر مساعی و کوشش سران مذکور بعد از جلسه شام سه شنبه سران کشور های عربی فیصله مصالحتی مذکور اعلام گردید، البته قابل تذکر است که فیصله مذکور در نتیجه گذشتگی از جانب ملک حسین پادشاه اردن به عمل آمد.

پادشاه اردن موافقه کرد که موسسه آزادی فلسطین نماینده حقیقی مردم فلسطین میباشد. و هم موافقه نمود که سواحل غرب رود اردن بعد از رهایی از طرف اسرائیل تحت اداره موسسه آزادی فلسطین در آورده شود.

همچنان پادشاه اردن هم بستگی کا عل خود را با اعراب ابراز نموده و ناسیس دولت فلسطین را تحت زمام مساعی موسسه آزادی فلسطین تایید کرد.

در مقابل یاسر عرفات رهبر موسسه آزادی فلسطین و سران کشور های عربی از گذشت شاه اردن به نیکی استقبال نمودند.

نیکی استقبال شده و بقسم یک دیگر نصیب موسسه آزادی فلسطین شده است نه تنها این امید را بار همچنان سایر کشور های صلحدوست آورده که آن موسسه یک حکومت جلای وطن را تشکیل داده و بسوی موقوفت های بیشتر در راه احیای آزادی فلسطین از سر زبانها دور نشده بود و هنوز میصران و تویسند کان و سیا ستمداران در اطراف آن مطالبی می نوشتند و تبصره میکرند که آواز پیروزی دیگر آن موسسه بدلند شد. این موافق نخستین پیروزی موسسه آزادی فلسطین عبارت از تصمیم کنفرانس سران عربی در رباط بوده است.

سران عرب در رباط بعد از نزاع طولانی و مذاکرات گرم وجدی بالآخره به یک فیصله مصالحتی نایل آمدند که با ساس آن موسسه آزادی فلسطین بحیث نماینده حقیقی مردم فلسطین شناخته شده و اعلام گردید.

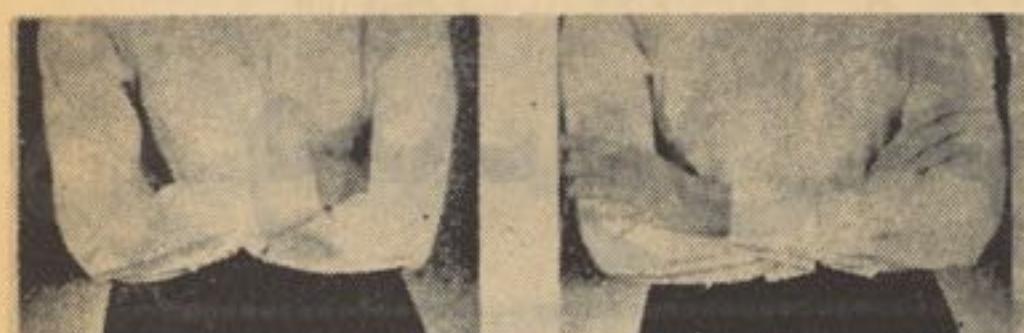
قضیه ازینقرار است که از طرفی ملک حسین پادشاه اردن تا آخرین لحظه حاضر نمی شد نماینده ای اسرائیل، ایالات متحده امریکا، بولیویا و جمهوریت دو میانیکا، غالباً بولیویا و جمهوریت دو میانیکا تحت تأییز سیاست و اشتبکن به دادن رای مخالف پرداخته اند. از جانب دیگر بتصویر واضح دیده میشود که در جمله مخالفین این فیصله نامه ایالات متحده امریکا دیگر هیچ کشور فلسطین واگذارد و از جانبی هم شود.

یاسر عرفات بحیث رهبر موسسه آزادی فلسطین این نماینده ای را مصالحتی مذکور اعلام گردید، البته عربی بحدی زیاد شده بود که بعضاً به مشاجرات شدید لفظی تبدیل شود. میشود.

ملک حسین میگفت که اسرائیل از رهایی و تخلیه قسمت غرب روداردن را در مقابل موافقه ای مبنی بر عدم مخاصمت و عده داده است. هرگاه فیصله بران شود که این سرزمین به موسسه آزادی فلسطین سپرده شود درینصورت اسرائیل از تخلیه این قسمت انکار خواهد کرد. اما یاسر عرفات در مقابل این استدلال ملک حسین میگفت که اسرائیل در هر حال آنچه در نتیجه این فیصله نامه باشیست گفت این است که تعداد کشور های واقع بین در قبال مسایل عمده جهانی زیاد شده است و این خود پیروزی و موفقیت آن سرزمینها و مردمانی میباشد که ظالمنانه و غاصبانه در پنجه ظلم، استعمار و تبعیض گرفتار اند.

بهر حال فیصله نامه ملل متحد را تخلیه کند و از جانب دیگر قتل و کشتن رهایی فلسطینی ها در گذشتگی آزادی فلسطین برای اشتراک در همه خاطرات بدی را نزد مردمان جلسات ملل متحد از طرف اعراب به فلسطین باقی گذاشته و مسؤول آنهمه

جمهوری اسلامی ایران



۱

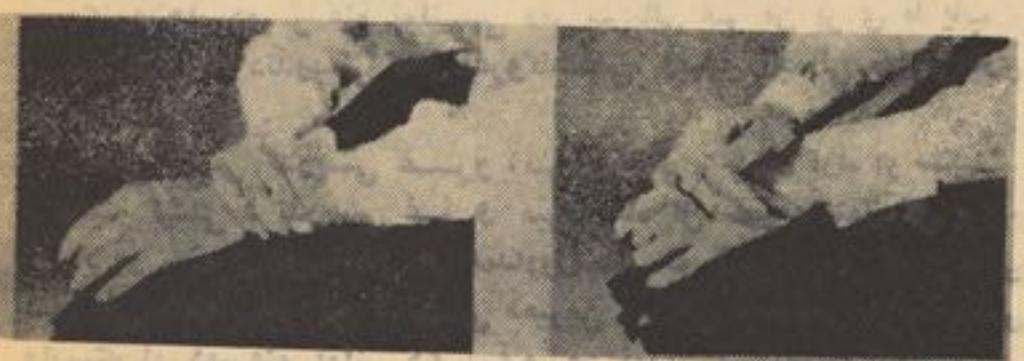


۲



۳

۴



۵

۶



۷

۸

۵- اگر هنگام نشستن دست چپ
بریند دست راست و بالای زانو از قرار
قدرتی باشند چنین اشخاص میباشند.
احساساتی میبینند و تکان دهنده شخص نمایند که خواهد کرد.

۶- هنگامیکه هر دو دست طوریکه و دست راست را بر پشت دست
در تصویر ششم ملاحظه میکنید چپ قرار دهد. چه تصادف نیکی
بر دلسردی شخص نموده احتیاط باشد. حکایه میکند چنین و گفتار خودرا سنجیده ادامه میدهد

شود تا پیشتر صحبت خویش را با واعصاب شخص حکایه میکند چنین اشخاص دادمه ندهیم زیرا بی آفردن مصاحب خود
از حوصله کار نمیگیرند.

دست‌های ما

از: گو هنگدا

طوریکه حادثات روحیه مانند چه اندازه دستان ما راز های روحی اداره، ادرار و غیره در حسیات ما را افشا میکند.

۱- هنگامیکه دست راست بالای پسکو لوزی پشر رول مهی را بازی میکند همانطور حادثات فزیو لوزی از قبیل بعضی حرکات نیز برای چپ در کم و دست راست بالا آن شناسایی یک شخص ارزش پسزا نیز قرار گیرد دلالت بر بد خواهی و یا سوژن شخص میکند. چنین اشخاص دارد.

تحولاتیکه حیات و هیجانات در عضلات، اعضای بدن، حرکات و خوشبین نمیباشند آنها زندگی را به خود تلخونا گوار میپندارند.

۲- اگر پصورت عالی شخصیکه روانشاسی را بخود جلب و آنها در این باره آزار خوبی را بوجود آرده آن بالای دست راست و انگشتان اند که توسط تعریفات، علائم و رسم‌ها ثابتیت کرده‌اند. چنانکه بالا

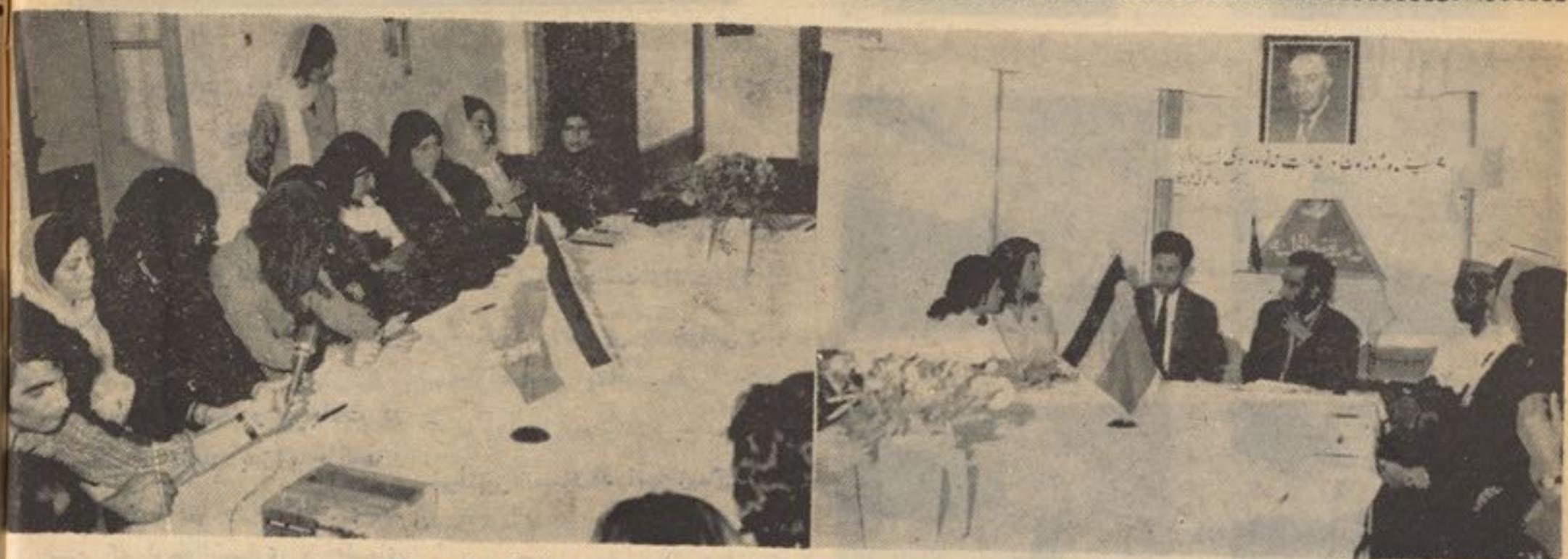
رفتن ابروها، پلک، چشمان و زوایای دهن دلالت بر هیجانات نشانه پختن مو ضوعات زندگی نزد شان راز و برعکس حسیات حزن آور را در نهانی بشمار میرود.

۳- اشنا صپکه در حالت عادی شخص آماده میکند.

نه تنها سیما و حرکات پلکه هر طوری قرار گیرند که دست راست شان بالای دست چپ حلقه زده انگشتان دست راست در زیر پسل پنهان و پرخلاف دست چپ بر بازوی راست قرار گرفته باشد دلالت بر تنبلی و بی‌علاقگی شخص میکند.

۴- شخصیکه در مقابل ما نشسته و دستان را بر زانو از خویش طوری قرار داده باشد که دست چپ بالای دست راست آمده باشد دلالت بر دلسردی شخص نموده احتیاط باشد. دلالت و حرکات عضوی بر حالات روحی خپلی قویست. بدنا درین بحث از طرز قرار دادن دستها به صورت عادی هنگام صحبت، نشستن و یا قرار گرفتن در مقابل کسی روانشنا سلطان ثابت ساخته اند که قرار دادن دستان تاچه اندازه‌ی از روحیه ماحکایه میکند البته این حرکات در مورد خانمها بیشتر صدق میکند حالا به تصاویر دقت کنید که تا

دژوندون گرد میزد د کنده



د کندههار میرمنی د ژوندون له خبر يال سره د کند هار په بروبلهونو خبری گوي
به خيل سر نوشت کي فعاله بر خه شاهده يو .

دادي ويل ستاسو او دوينا وو واخلي ، تو دکورني دنورو غرو له
شديد مخالفت سره مخا منع کيږي .

لېکل او ياد داشت زموږ .
د کند هار دمير منو ټولني امره

ميرمن قمر وکيلي :
نو ددغه مشکل داصلاح لپاره

له کورنيو سره يهدي مشکل کي
درستي ديوی موسسي جوړيدل ،

ددی ولايت دکورنيو او ميرمنو
دواده او کوز دی د دفترو توجوري بدل

له خوا دژ و ندون له منلي مجلی او
دميرمنو ټولني دبلیغاتي ساحو

دکتونکي ډلي له دی جالب ابتکار
پراخيدل او همدارنګه دخرافاتي

خخه چه به ولا یاتو کي بي مدورو
دو دونو دله منځه وړ لو لياره يهدي

میزو نو دجو پیدو هڅه کړي . په
دواده کي دیلو رو شنفکرانو یوځائي

ښکر سره خپله نظریه يه لنډه توګه
برخه اخيستل دکورنيو د ستون نزو

وړاندی کوم :
به ليري کولو کو یوه ضرور دی

خبره ده .
ههدا ډول درضا کارو ميرمنو او

دکورنيو دلار بسونو دټولو بر خه
اوونډه هم ېډي بر خه کي اغيز منه

دکندهار دکورنيو په تشکيل او ازدواج
ده ، خو ېډي اړه (شرط) چه دخانته

او خاصو اجتماعي مقرراتو په سیله
په پرله پسى او تحقیقی اقدا ماتسو

لاس پوري کړي .
دوهم بروبلم چه زه غواړم عفه ته

نفوته و کرم هفه د بشاري اړو ميرنيو
ښونځيو موقعیت دی :

په خای کي دهیواد دزیاترو
ولایا تو په شان نجونی دميره په

تاسی ېو هېږي . چه به دی خای
ناکلو کي حق نه لري او زیاراته

کي ېو زیات شمیر بسونځي په
ودونه او کوز دی دېلرو نو او میندو

کراین کورونو کي دی ، چه دغه
دتوافق له لياري هنځ ته راخی . که

کورونه هررو مرو دمزد حمو جادو او
ټول مشکلات او زېږي دهیواد وېل کېږي ، لکه خنګه چه به دی لړه

چېږي یوه پېغله و غواړي ، چه دخبلی
دټولو څایونو ېه خير زموږ خوان موده کي دهیواد دېلرو بېلوا ګو ټونو

کو رنۍ دغه بستتو په بډ (خلاف) دوټلو او ننو تلو ېه وخت کي دتصاصم
جمهوري دولت دېنیادي رېفور مونو دخلکو د ژوند په تولو اړ خونو کښي

تصاصم و نیسي او یا و غواړي ، په احتمالي خطرات موجود دي .

ځکسته حسن

ژوندون

د کندههار میرمنی د ژوندون له خبر يال سره د کند هار په بروبلهونو خبری گوي
تنظيم او لیکنه : درووف راصع .

د ژوندون دمشورتی ډلي تر نظر لاندی .

د کند هار دمير منو تو لني دامری ميرمن قمر وکيلي .

د کند هار دمير منو ټولني دمر سه ټالي مير من پر ی نا یاب .

دزغونی انا دتقديسي کادر دغرو ګلدي، زبيدي، جمالی، ميرمن هاري
او ميرمن نقطيفي .

ډملاي ټيسی تدریسي غړو : ميرمن ملالی ، جهان آرا ، او سکیني .

دعینو ټيسی د تدریسي غړو و ميرمن هاه ګل ، قمر پښتون ، ګل پري ،
ګل پرورد ، نمری او ساجدي او همدادول دزغ غو نسی ټيسی له ابتدائي

ښوونځي خخه دميرمن سليمي ، ميرمن صديقي معصومي ، صفيسي
وارسته او دميرمنو ټولني دغري ميرمن نورتن تسلیم ېه ګيون .

خارنه : د کند هار داطلا عاتسو او ګلتور دامریت او دبوهني دلوی
هدیریت له خوا .

د کندههار دکورنيو ستونزی په کومو برخو کي دی او دسمون
لپاره یي کومي لاري مو جودي دي .

...

د تعاواني موسو تاسيس دکورنيو دسو کالې په لياره کي
 يولوي ګامدي

...

دلویو واتیونو په غاره دښونځيو موجودیت د پیسو احتمالي
خطرات زیاتو ی

ټول مشکلات او زېږي دهیواد وېل کېږي ، لکه خنګه چه به دی لړه
چېږي یوه پېغله و غواړي ، چه دخبلی

دټولو څایونو ېه خير زموږ خوان موده کي دهیواد دېلرو بېلوا ګو ټونو
کو رنۍ دغه بستتو په بډ (خلاف) دوټلو او ننو تلو ېه وخت کي دتصاصم

جمهوري دولت دېنیادي رېفور مونو دخلکو د ژوند په تولو اړ خونو کښي
تصاصم و نیسي او یا و غواړي ، په احتمالي خطرات موجود دي .

صفحة ۱۰

هار د کور نیو په خدمت کی

دی، او همده چار ددی سبب گرخی به شپږمه ناجیه کی چه زه هلتنه چه احتمالی خطرات دخلکو ز وند او سیزیم اوژه دلته دشلو زرو تسر تهدید کړي.

بناري سرو یسونه کو چنیان په خرابه ده، سپرک بی خام او کېرکلري موټر ونو کی نه بربر دی او که بی چه دیوه موټر به تیریدو سره دده بوریز دی، نو دوه افغانی خینس قدمه فاصللي لیدل نا ممکنوي، نومور ګرايه غواړي، حال داچه دماشومانو پدې برخه کی دښاروالی او ترافیکو ګرايه یوه نیمکه تاکل شوی ده. توجه جلبول غواړو.

متريک اوزان دی دېخوانيو تيزو پېڅای و کارول سی او د کندهار بشاروالی بایلدنز خوزیاته خارنه کړي

...

په کندهار کی بایلدنفاتحی اخیستلو سالونو نه جور سی او واده اونکا حمراسم دی دشاروالی په ابتکار او یا دخاصو مقرراتو په رامنځ ته کولو ستاده سی

...

په کندهار کی دعمومی تفریج څایونو نشتولی یوه عمومی دېرده د جمهوری دولت بنيادی ریفورمو نو د خلکو دژو ندانه په تولو خواوو کی ژور بد لون منځ ته راوری دی

دا فغanstean د کور نیو لپاړه ددی اوونۍ یاداشت:

د کابل دښاري سه تو نزو طر ځه او په هفو خبری کول، د کابل یوه هتون دیو شعیر محصلا نو له خولی دښار دلس ګو نو نا حیو په نمایندګي په دغه مجله کی مطربخنول، لکه خنکه چه زمود هیله و، هماغه رنکه ز موب دلو ستونکو دوزیاتی دلچسپی او استقبال و د وکړخید.

په تېرې د کابل دښار والی دمسوولیتو دفاعیه چه ددنه ډول بعثتون په یوه بله دوره کی په هماغه ډول منعکس شو، موب ته دا داد راکړي، چه ز وندون دخپل اساسی هدف له منځ، چه باید دهیواد د کور نیو دمجلی په توګه به خپل و محتو یاتو کی انعکاسي وي، او تولیز زوند را چا پیر کړي.

په دغه توګه دهیواد له کوت کوت نه ز وندون ته دسل ګو نو کور نیو له مینی دک لیکونه، چه ز وندون داجتماعی روند بسوونکی، ده لو لیز و ستونزو خرګند وونکی او د دغه توګه دلخپل دلخپل دهیواد ده.

لپاره، یوه سالمه بیوو نکی او لارښوونکی مجله ده. موب یو خل بیا ددی جملی په تکارو لو سره چه زو ندون ستاسو او ستاسو په خدمت کی ده نو دلخپل ګرانولوستونکو دغه بنتتو یه پېرویه چه دهیواد په و لایاتو کی دمدور میزتر شا دولا یاتو په بشارې پروبلمنو پاندي دخپل او ترو دپرو ګرا مونو دجوړو لو په لپه کی او سن زمود دمجلی پانۍ دمدور میز دپرو ګرا مونو دجوړو لو په لپه کی او سن زمود دمجلی پانۍ دکند هار دنظر دخاوندانو په والک کی دی، ترڅو په دغه مهال کی چه زمود قولی ملي هځی دو رو ستی لسیزی دپس مانی په لیاره کی په کار و پل کېږي، په دغه بشارې ستونز دې پېداشی، بیاهم ز موب هیله له تو لو لوستونکو او دننظر خاوندانو کور نیو خخه داده، چه دېخوا په شان تسل دلخپل نظریو او لیکو نو پوا سطه له موب سره پدې لاره چه مو منځکی ده، هرسته و کړي.

دهغى مینی او همکاری له مخه چه له موب سره بی لری ز موب تودی هیله او منځ و منځ.

له تا سو ټولونه دز وندون دکتو نکی دلې او مشورتی دلې په تشکر سره.

او ګيدای شئی چه دښوونځیو تو لی کوځی ناولی او کله کله بدبوی هم لپاره دمناسبو ګورونو تاکل چه لری، او بشاروالی تر او سه ددی پروبلم په له منځه و دو موقه شوی ځه ناخه دفرعي جا دو او واټو په ځایه نه ده. البتہ جمهوري دو لټ پسدي ده، دغه پروبلم حل کړي، او په برخه کی هم په یو لر هڅو ګوټسی دی توګه دهغه توګه دلخپل ګرانولوستونکو ده ګړی ده، خو خرنکه چه او وسوسه مخه به توګه ده، دکلو نو کلو نو خبره ده، نو زمود واره ماشومان بی بسوونځیو ته خی، بشاروالی باید دهغه پروژو تر عملی او له دی ناجیه په تشویش کی دی. ګیدو پوری دښار د چېلیو او کنافاتو ګل پرورد دعینو دېښجنه لیسی دلیری کولو لپاره جدی کار و کړي.

ښوونکی: د ترافیکو و ضعه هم پسنه نه ده، زما له نظره ددی ولايت د کور نیو خصوصا د سپهار او هازیکر په وخت ستری ستونځی، سیمه ییزی کی چه دخلکو ګنه ګونه زیانه وي، حفظ الصحي او ترافیکو ته نه توجده، پدغه مهال کی د ترافیکو نظم پسنه نه



د کندهار بشارې دلخپل بشارې مهمو پروبلمو تو بحث کوي
شمارة ۳۴ و ۳۵



په کندھار کی دگرد هیزدېرو ګرام لەمناظرو خخه یو ہ منظره

اقتصاد کمزوری کوي، چه البتہ دا
دخلکو دآسوده حالی لپاره یوبنیادی
گام دی، چه البتہ ددی مجلس په
بیلا بیلو بر خو کی پری خبری
وسوی.

بله مو ضوع دنساجی تو کرانو
ویشل دی، چه باید دغه تو کران
ومستحقو خلکو ته وویشل سی.
البتہ اوس په کندھار کی دهکروانو
له ناحی خخه په مشکلا تو اخته دی،
څکه داقتصاد د ضعف له یلوه مجبور
دی، چه و طنی تو کران رانیسي،
نوکه چیری وطنی توکران په کافی
اندازه نهوي، دوی بیا دو مره پیسي
نه لری چه خارجی توکران په
رانیسي.

دوهمه مساله داده، چه په کندھار
کی تر اوسمه پوری راکړه ورکړه، په
ښویکو اوزانو نه تر سره کیږي، بلکه
عماجه یخوانی وزونه دی چه له تېرو
یا اوسيپنی خخه پی جوړ کړی دی او

دفاته خخه لپاره پو دوه سالونه جوړ دغه عمل داخیستونکو اعتمادسلیوی
کاندی، چه فاتحه هلتله وا خیستل او ډیر امکان لري، چه پلو زونکی
شی، او هم دنکا او واده دمقراتی په ۹۰۰ ګرامه جنس دیو کیلو ګرام په
تطبیق سره دغه لکبستونه هم محدود
په مشکلا تو رانی واچوم. چه البتہ دبیلو ته نه یاملر نه
دحفظ الصحنی مسایلو ته نه یاملر نه چه البتہ دبیلو توی والی دکورنیو
کول، دینباری تنظیفاتو دیوی فعالی اقتصاد ته زیان رسوی.
شبکی نشتوالی دنارو غیو دیداکیدو
بناروالی له یوی مودی را بدی
سبب ګرځی.

دکندھار دخلکو بناري پروبلمونه
ددی خبرو په تائید زیا توم، چه
که اقتصادی دی یا ترانسپورتی، یا
ددغه دول خایو نو دجو په لوټرخنکه
صحی او یاحفظ الصحنی، باید په
باید میرمنو ټولنه خپل تبلیغاتزیات
دوو برخو وویشل سی، اوله دوو خوا
کړی، او دخراғی دو دونو دله منځه وو خپل سی.
وپو دیاره باید یوه سیاره تبلیغاتی
لومړی هفه پرو بلمونه چه ده ګډ
ډله ولاری، چه په هفی ټولی منو ری دله منځه تلو او اصلاح یلانونه زیات
میرمنی برخه واخلي، او ټولی کورنی لکبست، دیری پیسی کافی و خت
دنوي ژوند له غوبنستونه سره سـم اوزیات پرسونل غواړی، او بی لـه
دخراғی دو دونو په بریښو و لو کـی شـکه دـغه ډـول پـرو بلـمونه دـخـوان
ورـته لـار بشـونـه و کـړـی. چـمـبورـی دـوـلتـه بـه بـنـیـادـی اـصـلاـحـی

میرمنه هاریه: ریفورم مو نو سره له منځه خـی، اـود
ددـه خـواـجه و یـاـله چـه دـینـبارـلـه دـسـالـو نـوـنـو نـشـتوـالـی دـدـی خـایـی
یـوـی پـیـنـفـوسـیـ برـخـنـهـ تـیـزـبـرـیـ، دـکـورـنـیـ دـسـتـوـ نـزـوـ سـترـهـ برـخـهـ
نـوـ یـدـیـ دـلـیـلـ چـهـ لـهـ استـوـگـنـخـیـوـ خـخـهـ جـوـرـ وـیـ.

اوـسـ دـکـنـدـهـ هـارـ کـورـنـیـ دـمـپـرـیـ پـهـ
وـختـ کـیـ دـیـ تـهـ مـجـبـوـرـیـ دـیـ، چـهـ پـهـ
دـوـدـیـ (ـعـنـعـنـوـ)، دـوـلـهـ خـپـلـ مـهـرـیـ
وـزـاـرـیـ، اوـ هـمـ یـوـ خـخـهـ لـکـبـسـتـونـهـ یـهـ
خـانـ وـهـنـیـ، چـهـ دـغـهـ رـنـکـهـ لـکـبـسـتـونـهـ
کـیـهـ اـخـلـیـ، نـوـ دـاـخـبـرـهـ طـبـیـعـیـ دـهـ، چـهـ
تـوـلـیـ هـفـهـ کـورـنـیـ چـهـ لـهـ دـغـوـ اوـبـوـ

خـخـهـ ګـهـ اـخـلـیـ، یـهـ رـازـ رـازـ نـارـوـغـیـوـ

هدـدارـنـگـهـ پـهـ کـنـدـھـارـ کـیـ دـوـادـهـ

اـونـکـاـحـ مـرـاسـمـ هـمـدـېـرـ لـکـبـسـتـ غـوـړـیـ

اـخـنـهـ کـیـرـیـ .

تر اوسمه پوری ددی مشکل دله

منځه وپو لپاره غوبنستونه هم شوی

خـبـرـهـ دـهـ .

حال دا کـهـ چـیرـیـ بنـارـ والـیـ دـلـتـهـ

هـفـوـ عـوـاـمـلوـ پـلـتـلـ دـیـ، چـهـ دـدـوـ وـغـوبـنـتـلـ سـیـ

یاملر نه و شی، تر خو دینبار ددی
زه ددی خور دخبو په تائید سیمی سلامتیا په ترا سیمال شی.
غواړم چه په کندھار کی دمحيطی **صفیه وارسته:**
حفظ الصحنی او دکندھار دکورنیو په کندھار کی یو له هفو سترو
رېرو خخه دنر خو ټونه استقراردي،
دحفظ الصحنی مسایلو ته نه یاملر نه چه البتہ دبیلو توی والی دکورنیو
کول، دینباری تنظیفاتو دیوی فعالی اقتصاد ته زیان رسوی.
شبکی نشتوالی دنارو غیو دیداکیدو
بناروالی له یوی مودی را بدی
سبب ګرځی.
خوا خلکو ته غوښۍ او بوره و یشي، خو
زه یوازی یوه غوښتنه لرم او ټونه دغه ویشل شوی بوره او غوښۍ چېر
داده چه دکندھار بناروالی په تائید تر لب هفو کورنیو ته رسپری، چه
هرخه دمچه دینباری تنظیفاتو شبکی دافتصاد له یلوه زهیر دی او زیانه
نه پراختیا ورکړه، تر خو ژوند په اړتیا ورته لري.
ښو شرایطو کی میسر سی او د
موږ هیله لرو، چه ژر تر زړه دغه
نارو غیو له احتمالی خطراتو خخه
تولیز پرو بلم ته یا ملنې و شی او
خصوصا په دو بی کی موږ تولیز
نرخونه دبازار له نو سانونو سره
کورنی له دی تا حیي په تشوش کی
مخامن نه سی.
فاطمه معصومی:

صدیقه معصومی: په کندھار کی دکنټوری او ټونه
دده خواجه و یا له چه دینبار له دسالو نونو نشتوالی ددی خای
یوی پر نفوسي برخني خخه تیزبېری، دکورنیو دستو نزو ستره برخه
نو یدی دلیل چه له استوګنخیو خخه جوړ وي.
اوـسـ دـکـنـدـهـ هـارـ کـورـنـیـ دـمـپـرـیـ پـهـ
وـختـ کـیـ دـیـ تـهـ مـجـبـوـرـیـ دـیـ، چـهـ پـهـ
دـوـدـیـ (ـعـنـعـنـوـ)، دـوـلـهـ خـپـلـ مـهـرـیـ
وـزـاـرـیـ، اوـ هـمـ یـوـ خـخـهـ لـکـبـسـتـونـهـ یـهـ
خـانـ وـهـنـیـ، چـهـ دـغـهـ رـنـکـهـ لـکـبـسـتـونـهـ
کـیـهـ اـخـلـیـ، نـوـ دـاـخـبـرـهـ طـبـیـعـیـ دـهـ، چـهـ
تـوـلـیـ هـفـهـ کـورـنـیـ چـهـ لـهـ دـغـوـ اوـبـوـ

خـخـهـ ګـهـ اـخـلـیـ، یـهـ رـازـ رـازـ نـارـوـغـیـوـ

اـونـکـاـحـ مـرـاسـمـ هـمـدـېـرـ لـکـبـسـتـ غـوـړـیـ

اـخـنـهـ کـیـرـیـ .

تر اوسمه پوری ددی مشکل دله

منځه وپو لپاره غوبنستونه هم شوی

خـبـرـهـ دـهـ .

حال دا کـهـ چـیرـیـ بنـارـ والـیـ دـلـتـهـ

هـفـوـ عـوـاـمـلوـ پـلـتـلـ دـیـ، چـهـ دـدـوـ وـغـوبـنـتـلـ سـیـ

بله خبره داده، چه ز مسو ڏ پدي مجلس کي ويل سوي غو ٻڌڻئي
لاري تولی سمی نه دي همدارنگه هم گتوري دي او هم سالمي، او ڙهوب
قرافيك باید دی اصل ته په یا ملنئي دی :

سره دتكسي او بسونو چلول هم
دكتند هار رو شنگران او ميرمنى
کنترول اوسم کپري .
يوخل بيا دز و ندون له منلى مجلی
بسونونخى بايد له لويو داتو نو او
خچه تشگر او زياته مننه کوي .

روف راصع :

غایرو ته راولیل سی .
په خپل وار سره دکند هار له
دنرخو په کنترول کی دخلکو
پرله پسی همکاری ته اپ تیا حسن مختارمو کورتیو او میرمنو خخه منه
کیپری، چه دنبیاریانو دمرستو ترخنگه او تشکر کوي ، چه دژوندون پدی
باید بنیاروالی منبوی گانی تر خپل
کنترول لاندی راولی ، چه البتہ پدی
صودت کی به دغه مشکل ډیر بنسه
لپاره خرگندی کپری، زموږ ملی او
حل سی .

دغاتتحی اخیستلو دسالو نونسو مترقبی نظام، په دی ډیره لېز موده کې
جورول ډیره مهمه خبر اوله لوړنیو پدی بويالي شوی دی چه دخلکو
ضرور یاتو شخه ده چه دکند هار دژو ندانه په بیلا بیلو خواوو ګی
ښاروالی باید ضرور ورته اتفاق اساسی تحول او ژور بدلون منځ ته
کې چان ده سالو نونه تو خنگه راولی .

و کپری او ددی سالو نو نو در حیت
باید دتفریحی سالوتونو جو پولو ته ددی خبری زیاتول هم ضر و ری
هم توجه و کپری .
پولام چه دخبر و دغه دوره یه کندھار
دخبر و اترو په دی دور کی هم کی دمجلی دمدور مین دیرو گرا مو نو
مهم اصل دادی، چه غوبنېتني باید لومړنۍ او وروستي سلسله نه وئي،
دکیدون له پولو وتلى نه وئي، نو په بلکه موږ بیا هم ستاسی اوستاسو
دی دلیل موږ اد عاکولا ی سو چه په چو په کې یو .

ت رو خو خلک په عامه چارو کي بر خه و انخلي هيچ مشكل نه حل
کيز ي او هيچ يوه اداره نسواي کولاي چي بريالي واوسى
د سيمه ييزو شورا وو جور ول دبنا رى پروژو په سره
، سولو کي، يوه سنه لاره ۵۵

دکور نیو لاربنوو نو او روشنفکر و میرمنو تو لنى باید
د خا افاتم، دو دو نو په له منځه ور لو کې ستز ه برخه و اخلى

سکا مونہ دی ۔

دېنار دسيمه دھن ده . سانی پ
سمبا لبست کي زمود به نظر دسيمه
ايزو شو راگانو راغونېتل کولایشى
له بنازوالى سره پدی برخه کى
هدارنگه به نورو برخو کېنى
داصلاحى او گئورو پروزو تاسيس
مود ته ديو نوي او هوسا ز وندزيرى
راکوي ،

مرستہ و کپری ۔

که چیری له هری ناحیی خخه خو
تنو سپین رو بو ته پدی شورا گانو
کی غریتو بور کول سی ، چه هفوی
دبیار دپا کوالی او صفائی په برخه
کی بیزار والی ته مشوره ور کړی، او

دېشاروالى دبو دجوی امکاناتو په رنځی
کښی دخیتو کارونو اجراته هڅه
وسی، نو پدی صورت کې به نه
زموره بنار ډچتليو او کثافاتو ګودام
وی، او نه به ټول کارونه یوازی
دېشاروالی په اوره پاروی .

که چیری موب دخیل انقلابی دولت
دی یو کلن فعالیت ته نظر واچوو،
نو دا په خپله را بنیی، چه دخلکو
حکومت خو مره دخلکو دژوند دنبه
کولو لپاره زیبار ایستلی او نور هم
زیات په هاند او هخه کی دی په
کند هارکی دنوی لوی روغتون جوړول
دبیار خلکو ته دصحی او برو تبیه کول
په خپله دخلکو دصحی او سلا مت
دتا مین په لاره کې هم او ستر



په گند هار کي دژوندون د گرد پېز يو ه خنډه

خانواده‌ای در گیرودار

توفان گردباد

ترجمه: کاونده

**هیچ خانواده‌ای نبوده است که از
چنگال اهر یمن گردباد جان سالم بدر
بپرند ولی این خانواده توفا نشستند..**

مسرور شدیم .
اینجا یک رستوران با دو پمپ
پترول بود که لاری ها از آن تیل
می گرفتند .

فرد موتور را نزدیک در واژه‌ی
rstوران تاجا ییکه امکان داشت
چسبیده به آن متوقف ساخت . با
عجله ازموتر پایین شدموازترس
باران دوان دوان داخل شدیم .

بمجردیکه پشت میز نشستیم و
فرمایش نان دادیم ، یکی از آن حادثه
درخداد که در غیر آن اکنون منزنه
نمی بودم . لباس گلابی رنگ بکلی
ازباران تر شده بود و نزدیک کولر

نشسته بودم که باد سرد می فرستاد
آمده اند» بشدت می سوزد . زمانیکه
وندل فورد والی کنتو کی از مناطق
مصبیت زده دیدن کرد گفت «بلی می
شود» این را گفته و ما را ۱۵ فست
حدله‌ی غم بار نگریستم و می خواستم
آنطرف ترنزدیک کلکین نشاند .

موتور وان چاقی به میز نزدیک ما
هیچکسی نمی تواند لحظات تکان
دهنده ای را که چنگال گرد بادسر
این بیچاره جهان را داع گفته
بود .

نان را ذ رمایش دادیم و پیش
خدمت در آشپز خانه کم شد .
 ساعت او ۱۵ دقیقه چاشت بود
ولی بیرون مانند شب معلوم میشد ،
نه تاریک از ابر بلکه مانند شب‌های
توفا نی ، کمی ترسیدم با هوای بد
چندین بار بر خورده بودم و لی
اینبار چیز دیگری بود .

بسیاری از مهمانان به سوی
کلکین ها هجوم برد و بودند تا توفان
را تماشا کنند ، هائین به آنها
پیوستیم . باد که بیرون به شدت می

وزید اکنون باران را به صورت افقی
مانند ورق کاغذ می راند ، ترسیم
بیشتر شد و بسوی میز باز گشتم
به سلن گفت : «چنین منظره‌ای را

دیده نمی توانم » . او نزدیک کلین
درخا لیکه چهره اش رامخت به
شیشه‌ی آن چسبانده بود . ایستاد .
فرد بیرون رفته بود تا بینند که آیا
شیشه‌های موتور را بالا کرده است

یانی . بعد تر ، برایم گفت که او می
دید که چکونه تانک ۵۵ گیلنہ دیزل
روی سرک کشیده می شد .
درشت ریک به اندازه لو بیا شروع
لحظه‌ای بعد فشار سنگینی بر

بدنه موتور ما وارد شد ، نا گهان
دروازه باز شد . فرد و مرد دیگر هر
قدر سعی کردند که دروازه را بسته
کنند و فور شان نرسید .

«توفان» بیرون تاریک ترشد ، بارید

سی سنگریزه توقف کرد و باران

دوباره شروع به باریدن نمود در داخل اتاق ژن دیگری نیز نشنا

واین بار بشدت هر چه تما متر .

پشت میز نشسته بود چشمان ما

لحظه‌ای بعد چینیکه فرد موتور را

بطری رستوران لاری ها که کمی رانی خواهم از دهانش بیرون شد .

نیست تا در این مدت پر یشان باشم خانواده های آنها و دیگر موجودات دور تر از سرک ۱۰۲ بود ، گشتاند ، ولی هنوز آغاز کار بود .

ساعت ده و سی دقیقه ای صبح و می دانستم که راست میگفت .
تابستان گذشته بود که من و خانواده‌ام مادر گرینویچ کهنه ، دهکده ای
با سواری موتور واگن سیزیسوی تپه های بر کشاور در غرب ماسا- میکنم و در آنجا فرد در شعبه اعلانات
چوست روان بودیم . روز سه شنبه یک فروشگاه کار می نماید . هاچندین
۲۸ - اگست بود روزی که هیچکدام دفعه فاصله‌ی زیبای بین محل از ماسه نفر آن روز و حشتناک و ماو بر کشاید را که خیلی قشنگ دلبره آور را بدمست فرا مو شی خواهیم سپرد .
سللن دختر هجده ساله ما بـ سـنـی رـسـیدـه بـودـ کـهـ مـیـ باـ یـسـتـ بـهـ
مـکـتبـ عـالـیـ درـ گـرـینـوـیـجـ دـاـ خـلـ شـودـ . شـوـ هـرمـ فـردـ وـ مـنـ اوـ رـاـ
پـداـنسـوـ مـیـبـرـدـ تـاـچـنـدـ مـکـتـبـرـاـ دـهـدـهـ وـ بـعـدـاـ یـکـیـ رـاـ اـنتـخـابـ نـمـودـهـ وـ درـ آـنـ نـامـ نـوـیـسـیـ نـمـایـدـ .
باری سلن از چوکی عقبی موتور صدا کرد :

از مصیبت چرخ بادی که یازده نفر را در ایالت مرکزی در هم کوبید ، خواند م برو شنی آن کابوس وحشت « پدر لطفا سوچ تهویه را بز نید ». آور را بیاد می آورم ، ما در چنگال چنین حدله‌ی و حشت انگیز میزد . چند میل بالاتر فرد جلو موتور را بطرف اندام راست کن را که کمتر از سه دهکده‌ی وست ستا کریج برای ساعت دوام کرد ، پیشگویی کرده خوردن نان که بخوبی به آن آشنا بـ نـیـ توـانـتـیـمـ .
زـماـ نـیـکـهـ مـنـ درـ مـاهـ اـپـرـیـلـ گـذـشـتـهـ رـسـتـورـانـ بـماـ گـفتـ کـهـ یـلـ لـحـظـهـ بـیـشـ ذـخـیرـهـ آـبـشـ قـطـعـ شـدـهـ وـ تـهـوـیـهـ هـاـ هـمـ کـارـ نـمـیـ دـعـدـ . نـاـ چـارـ فـردـ گـفتـ کـهـ دـاشـتـیـمـ گـشـتـانـدـ . ولـیـ صـاحـبـ

لـارـیـ هـاـ تـوقـفـ مـیـکـنـدـ مـیـ روـیـ ». بـارـ طـبـیـعـیـ گـیرـ آـمـدـیـمـ کـهـ چـنـینـ بلاـیـیـ طـبـیـعـیـ گـیرـ آـمـدـیـمـ کـهـ دـانـشـمـنـدانـ آـنـ رـاـ مـصـبـیـتـ بـارـ تـرـینـ سـتـجـ بـهـ آـهـسـتـگـیـ بـطـرـفـ بـالـاـ بـسـوـیـ درـجـهـ ۹۰ـ فـارـنـهـایـتـ بـالـاـ مـیـ رـفـتـ وـهـوـاـ بـهـ شـدـتـ سـنـگـنـ وـ خـفـقـانـ آـ وـرـ بـودـ . هـمـهـ چـیـزـ رـاـ درـ هـمـ مـیـ کـوـبـدـ ، نـامـ گـذـارـدـهـ اـنـدـ .
بـهـ سـوـ پـسـرـمـ جـیـوـ فـقـرـیـ ، اـرـیـکـ وـ جـامـیـ گـفـتـهـ بـودـ کـهـ مـاـبـرـوزـ جـمعـهـ باـزـ خـواـهـیـمـ گـشتـ . جـیـوـفـ کـهـ شـانـزـدـهـ سـالـ دـاشـتـ بـهـ مـنـ اـطـمـیـانـ اـزـ ۳۰۰ـ مـرـدـ ، زـنـ وـ کـوـدـکـ درـ گـرـدـبـادـ دـادـهـ بـودـ کـهـ تـاـ باـزـ گـشـتـ هـمـ چـیـزـ کـهـ درـ گـنـشـتـهـ اـیـالـاتـ مـرـکـزـیـ رـاـدـرـهـ رـاـ روـ بـرـایـ خـواـهـدـ کـرـدـ وـ ضـرـورـتـ کـوـبـیدـ ، جـانـ ، دـادـنـ ، دـلـمـ بـحالـ

نـیـسـتـ تـاـ درـ اـینـ مـدـتـ پـرـ یـشـانـ باـشـمـ خـانـوـادـهـ هـایـ آـنـهاـ وـ دـیـگـرـ مـوـجـوـدـاتـ دورـ تـرـ اـزـ سـرـکـ ۱۰۲ـ بـودـ ، گـشتـانـدـ ، ولـیـ هـنـوزـ آـغـازـ کـارـ بـودـ .

هلمند شهر سپیدهای روشن، طلای

**شهری که کویر هادر آن رنگ باخته
اند و سر ابها مفهوم خود را از دست
داده است**

و شکایت هم اگر یاشد از جای اشخاص
است که میخواهند با اعمال نفوذ و دسیسه
از موسسه قروض نقدي و جنسی در یافته
کنند و آنرا تبر دارند تعداد اینکو نه
استخراج در گذشته خیلی زیاد بوده هنوز هم
کار است یا خبر؟

مبالغ هنگفتی دست ایشان باقی ماند، است
- از پنهان محلوج در کدام موادر است
میگردد و آیا از این ماده بخارج هم صادر

میگردد یا خبر؟

- پنهان محلوج که در دستگاه ملاجی
این موسسه تو لید میشود مانند تو لیدات
سایر فابریکه های مملکت دو مورد متبع مهم
مصرف دارد،

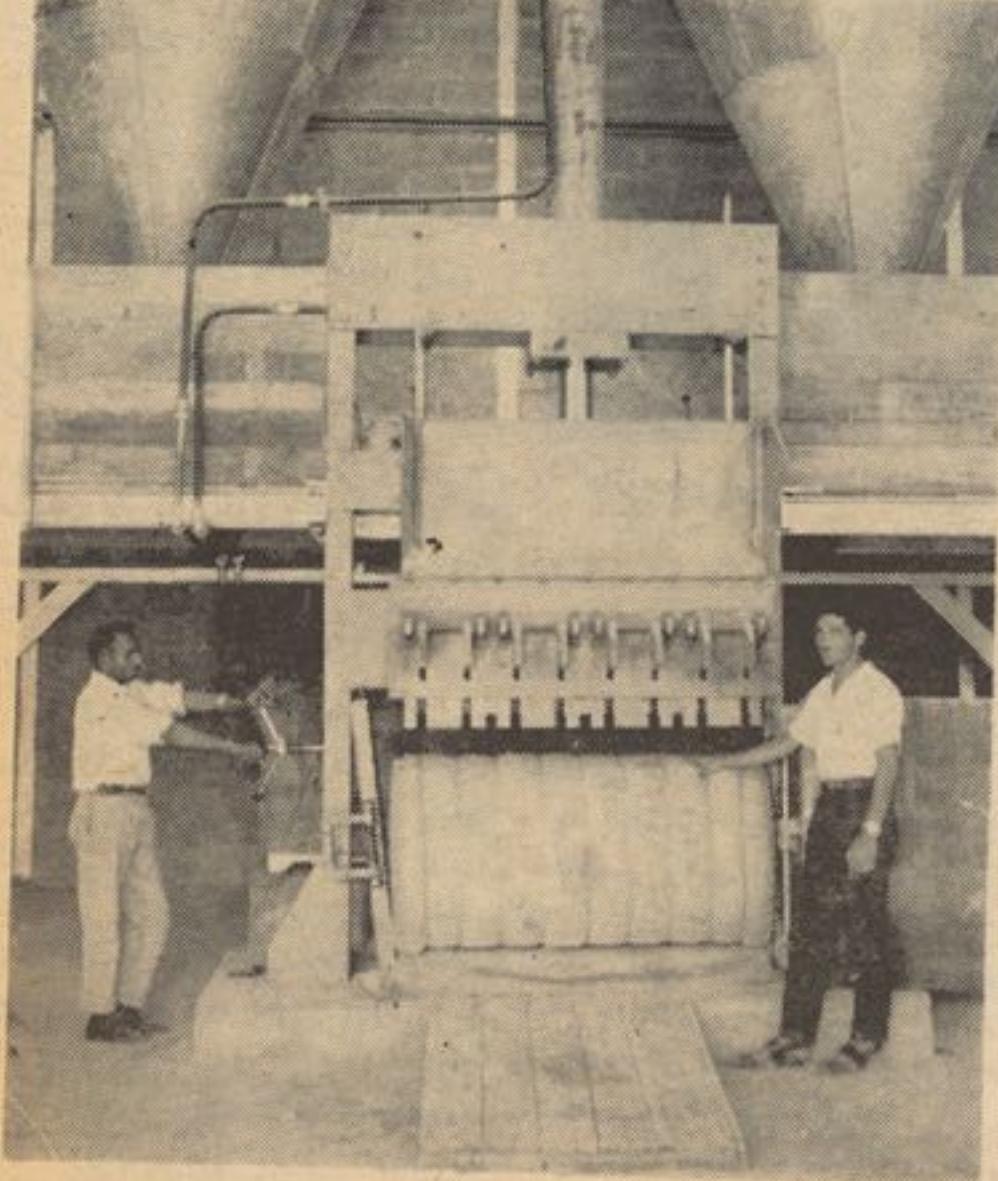
۱ - صنایع نساجی داخلی.

۲ - صادرات بخارج مملکت.
طوریکه گفته شد جو ن تولیدات پنهان
محلوج این موسسه به نسبت خلت موارد
خام در سال ۱۳۵۲ که ریکارڈ جا صلات پنهان
ناباران قسم عمده آن به فابریکه های
داخلی مانند نساجی افغان و نساجی پکارانی
تحویل داده شد و یک مقدار محدود آن
بغرض تأمین اسعار مورد تباز بخارج صادر

گردیده است.

در سال ۱۳۵۲ که ریکارڈ جا صلات پنهان

دستگاه عدل پنهان یافته



دستگاه عدل پنهان یافته

(بکوا) این کویر وسیع که در
جریان قرنها هر گز شاهد رست
بوتهای جز خار در آغوش خود
نبوه است حالا مرکز کار و
تلاش است، به نوید آینده های
روشن و وفور نعمت

کارگران شریفی که در زیر آفتاب سوزان این
منطقه کشور های رای فرزندان این مردم بوم
کارهای کنکه اطمینان دارند که این مجموع
زحمات شان برای خودشان است و در خدمت
اکثریت مردم زیارتند شان.

همه جا به است و خاک است و رنگ سبزی که
مرروری بیشتر دامن گسترده میسازد، همهجا کار
است و کارگران شریفی که در زمین خود برای
رفا، هموطنان خود رحمت میکنند و همین است
که چشم اندازو آینده بهتر رای رای مادیکشاید
و عزده آینده روشن را بر فرزندان این آینده خان
میدهد.

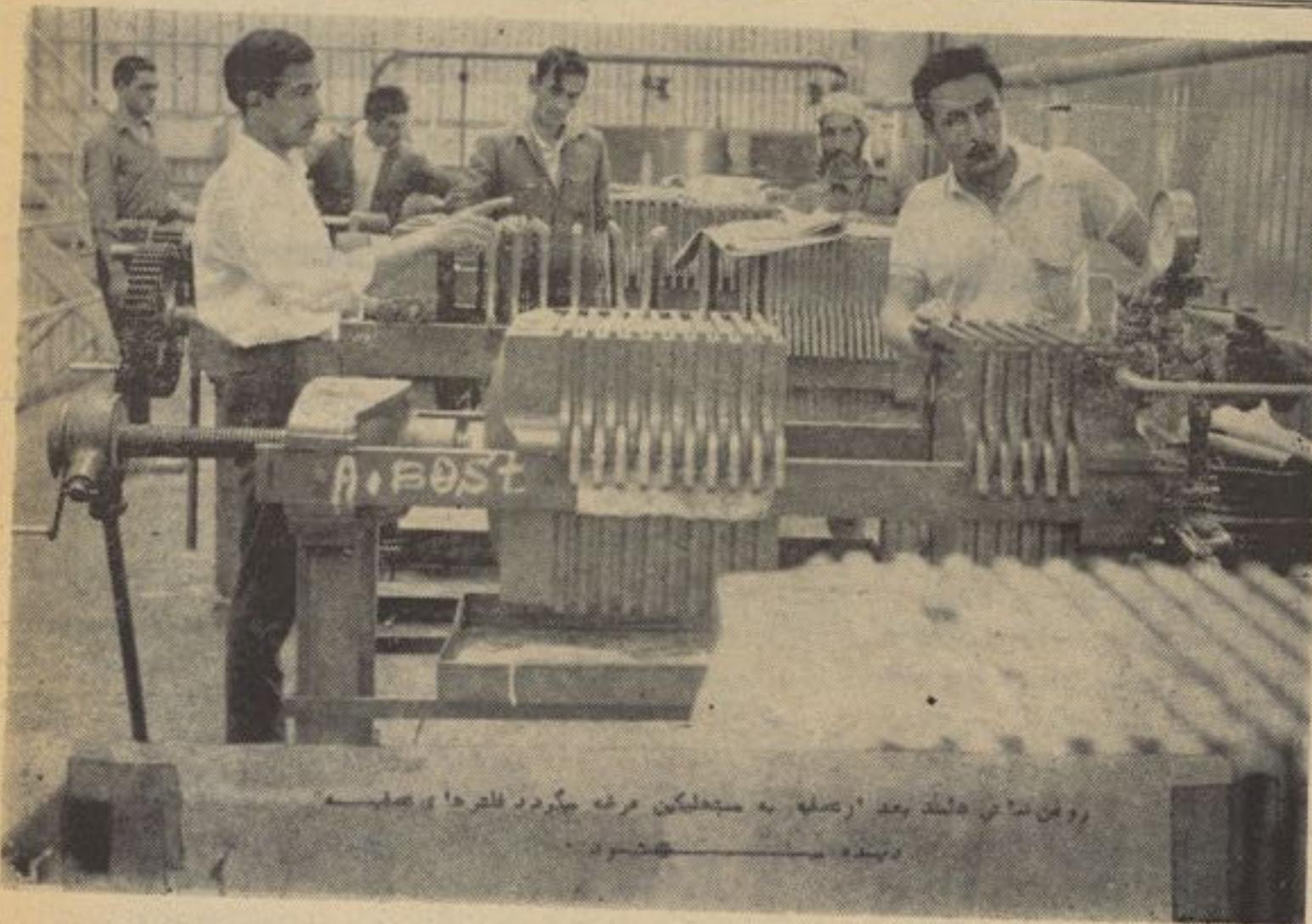
پنهان طلای سفید است طلایی که بسیار
اقتصاد ملی هارا مستحکم ترمیم زار و میبد
هارا روشن تر بروی ما میگشاید.

اگون باستانه از این هاده حیاتی نه تنها
چرخ های نیرومند فابریکه های بزرگ نساجی
کشور می چرخد بلکه با تهیه و غنیمت نباتی نیاز
مرد مایشتر رفع میگردد و اسعار زیادی پنهان
مازخره میگردد.

کارخانجات بزرگ روغن سازی هلمند براز
این شیر تازه سازشکوه و جلال بشتری بخشیده
المهربه همین دلیل نیز ماطی را پوری و مصباحه
گونه ای پاکر دانند گان این فابریکه خوانندگان
خود را در جریان فعالیت های هتل و بسا
ارزش این کارخانه بزرگ و عظیم میگذاریم
از پیشگانی رئیس فابریکه هلمند خواهش میکنیم
یک روشن زراعی مصالح هیزان تولید و استحصال
یک پنهان در کشور الفزوئی گرفت و به ۱۳۵۰ ران
رسید که معادل نصف طرفیت فابریکه میباشد
و با تجاویز سودمندی که شده و مطالعاتی که

این موسسه که در سال ۱۳۴۲ تاسیس گردیده
است امروز گردانند و فابریکه بزرگ هلاجی
و روغن سازی دستگاه های کمکی آن میباشد
خریداری پنهان دار جن و پرس آن به غرض
دلیل نیز همین اگون مطالعات مقدماتی
تولید محلوج استحصال روغن از پنهان دار

سفید و دشتهای گسته و دسیز



روزنامه همشهری شاهد بعد از تسلیه به ستدلیکن مرغه میگرد و خانه را در میانه
نمیگیرد.

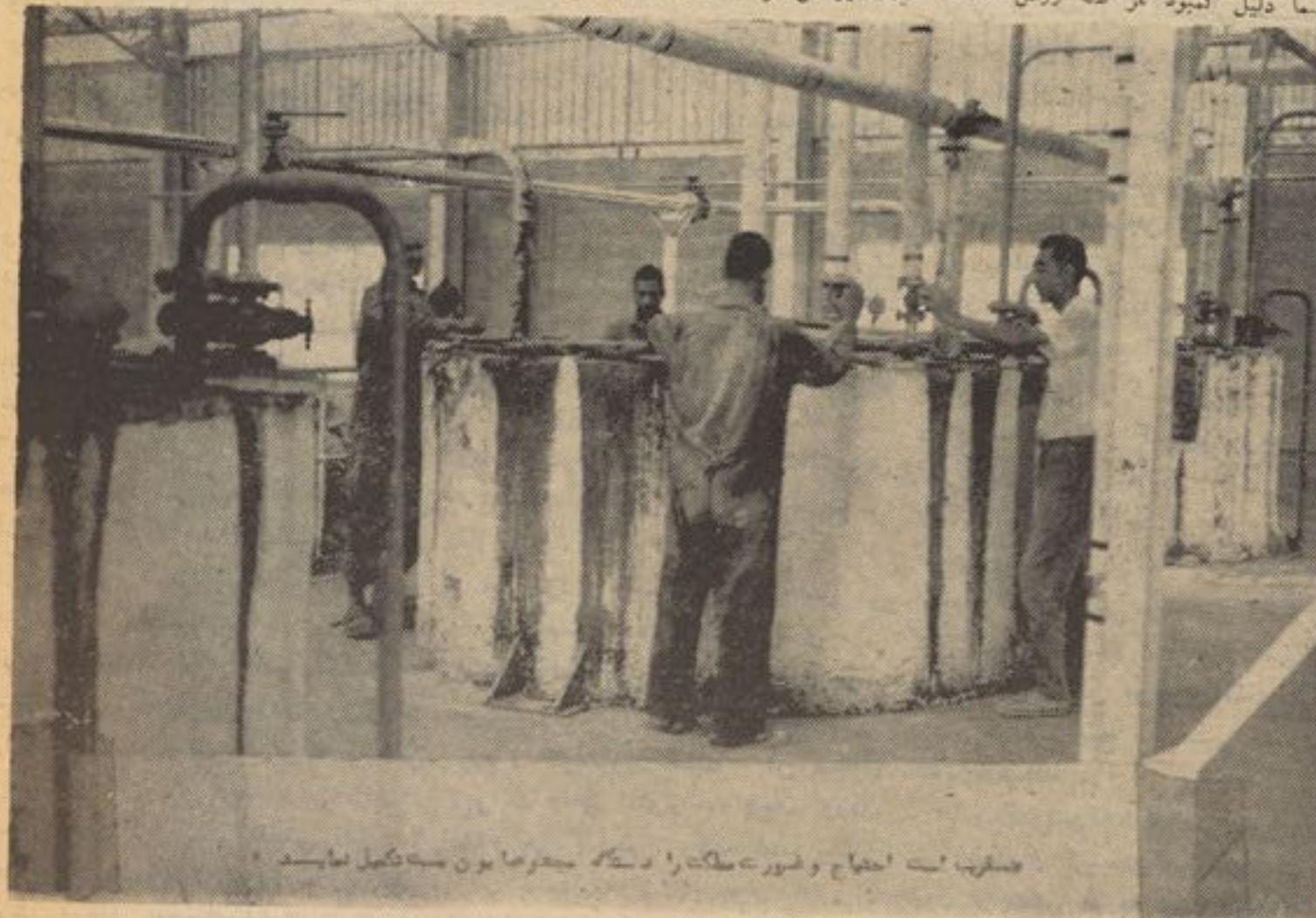
شاملان ر نیس فابریکه علمند از جانب

- بازیکه میزان تو لید روغن به قول جیست؟

شما افزایش یافته است کمیود آن در بازار - از دیاد نفوس - از دیاد میزان مصرف زندون از معلو مات شما منشکرم .

های کثور هنوز هم محسوس است ، از فیلر ، تقلیل واردات به نسبت بلند رفتن - من هم از شما و مجله ز و زدن

نظر شما دلیل کمیود عرضه روغن هماند قیمت روغن در مارکت های جهان . تشکر میکنم .



مشتری بست اینجا و پسوند ملک را رسماً بجهود صابون سبک تکمیل نماید .

دو هلمند شکست و مقدار (۱۱۵۰) تن
پنهان دانه دار بیست آمد محلج حاصله
از آن که به (۲۴۸۴) تن بالغ میگرد در حدود
(۱۶۴۸) تن آن به نساجی بکار می تحویل
داده شد و قرار است (۱۵۰۰) تن عنقریب
به انجاد شوروی صادر گردد .

- پرسنی طرح میگرد داد آن اینکه
در صور تکه فابریکه های داشتی بالاترین
نیاز داره پنهان محلج و پنهان دانه دار نه
چرا بجای استفاده از آن در این فابریکه
ما بکشور های خارجی صادر میگردد ؟

- جلب اسعار خارجی به منظور تحکیم
زیر بنای قوی تبرای اقتصاد ملی ما
برزگرین دلیل این اقدام است ، از آن
کنسته در سال گذشته یعنی در جریان
اولین سال استقرار نظام توکشور همان
فابریکه به بخش های عده زیر بنای اقتصاد
توجه عمیق گردیده برای تو لید پیشتر
پنهان نیز فعالیت منعمری صورت گرفت
تا جایکه میزان تو لید از میزان ضرورت
فابریکه های داخلی افزونی گرفت و البته
باهم ناساس طرح هاویلانهای ترتیب شده
هم سطح تولید و هم حجم صادرات پنهان
خارج افزایش خواهد یافت .

- در مجموع در جریان سال گذشته
میزان تو لیدات شما بجهه پیمانه بوده
است ؟

- ۹۶۰ تن روغن ، ۳۰ هزار تن کچاره
پیشنهاد هزار قالب مسابون و یکصد و نود و
چهار تن لتر در سال گذشته در این فابریکه

تولید گردیده که به نسبت تو لیدات سال
۱۳۵۱ تا سه صد هزار افزایش بیافته
است .

- برای اکتشاف پیشتر فابریکه و بلند
بردن سطح تولیدات آن تا جایکه بتوان
حوالگوی نیاز مندی های عمومی باشد .
جهه طرح ویژه های دارید و یکمل کدام

منابع آن را تطبیق میکنید ؟
همین اکتوبر به توجه دولت جمهوری
میزان حاصلات پنهان هلمند تاجی بلندرنده
است که از میزان طرفیت فابریکه پیشتر
میباشد ، برای توسعه و اکتشاف پیشتر فابریکه
ویکار اندخشن فابریکه های مشابه در سایر
حضر این و لایت مطالعاً تی روی داشت
است و برای تحویل پوچی آن نیاز اقداماتی
صورت گرفته که در همین زمانه می توانم
از یک میلیون پوچی استر لیگ دو لیت
الکستان نام بیرم که همین اکتوبر مطالعه
یکنونک استفاده از این قرضه در وزارت
معدن و منابع دوام دارد .

شماره ۳۳ و ۳۴

معالجه امراض گوناگون تحت فشار عالی

اگر پنجاه هزار گهای باریک وجود انسان را در پهلوی یک دیگر قرار بد همیض خامت آنها به ۲۵ سانتی متر فخواهد رسید

علاقه روز نامه نگاران با آن اشخاص بالاست. یعنی از پر سوونل خدمتی صدای ناعجماری در گوش ها به میکند. آنها مثل اینکه نفس عمیق می کشنند ازین قسم نفس تأثیر می کند. فشار آ Hustle در عمق آن می نشینند محفظه بصورت معالجه گردیده بودند پسیار زیاد بود نفوذ نایاب نیز بوده مسدود میگردد با مردمان آنها گپ می زدند که در بالای سر یک گبید شفاف بعد از بودن چندین مرتبه در محفظه پلاستیکی به نظر می خورد. در بین (اتفاق) فشار سنج در پیش چشم ستان محفظه به هر شکل دل خواه قرار علاج یافته بودند. آنها برای مدت گرفته می توانند پیش روی چشم ان میگشند. فشار را بصورت بطری بالا می مدیدی از درد های قلبی تکالیف انسان را در نزد خود مجسم سازید خون پایید به هر یکی از صد ها تو احتیاط از دواتمو سفیر به فشار بزرگ برسد. فقط بزرگ نجات یا فتد. است. این آواز شنیده میشود بطور مناسب قرار گرفته اید؟ آیا شروع تحقیقاتی و عملیات خانه کلینیکی هنوز تعییر شفا خانه را تکمیل کرده می توانیم. بلی شروع کنید. نکرده بود که در یکی از طبقه های بادیکه فعال شده باشد. حسن می در یک اتفاق نه پسیار بزرگ محفظه فشار سنج که دارای بدنه فلزی قرار گرفته باشیم. شاید تأثیر عمارت میزان را قبول کرده بودند کنم که در گوش های قسم فشار تأثیر می کند مثل اینکه در طیاره قرار گرفته باشیم. زیرا هنوز هم زیادتر باشد، زیرا درینجا تغیر فشار تا چندین حسنه بابت میکند و آلات الکترونی عصری دیگر وضع مرض را تشخیص می نماید. درینجا آنها تعداد بیضان، فشار و درجه حرارت وجود مرض را تعیین می نمایند.

تجسس فوق جراحی

این سیستم مغلق و باریک در تمام نقاط از شکست تضمین نمی نماید.

یغونی از حقایق اکادمیکی شروع برای من مدل عادی در فعل کرد. علل و بروز یک عده افراد

مرکز تنفس نورمال نیست و کدام ساختند این نه برای اینکه در دل

کونا کون و اوضاع غیر عادی و طبیعی چیزی خالیگاه های شش ضرر رسانده

مریوط به نرسیدن مود کفایت نکردن کدام تأثیری با قلب و شرائین وارد

گردیده است. درین شرایط حرکت میباشد. او کسیجن از طریق دیوار

او کسیجن قطع می گردد عضلات

به کمی او کسیجن دچار گردیده و

این موضوع سبب بروز امراض گونا

گون می گردد.

شفاف من چهره های خندان داکتران ما لیکو لهای او کسیجن را گرفته

ولابرانت هارا می بینم. با کذشت و اوکساید هیمو گلوبین بوجود می

است مکر وظیفه اصلی در آنست که زمان بصورت دوام دار راجع به احوال آورده در تشکیل مایکو لهای این بدون هیمو گلوبین چیزی باید کرد.

از طریق پلاستیک مایکو لهای هیمو گلیو بین آهن

لایکو لهای او کسیجن را گرفته

این قسم نقاط باریک پسیار زیاد

است مکر وظیفه اصلی در آنست که زمان بصورت دوام دار راجع به احوال آورده در تشکیل مایکو لهای این

من ذریعه تیلفون یکدیگر را مطلع می مادر آهن موجود است. در این

لازم است برای انتقال او کسیجن از موجودیت آهن درینجا عکس العمل

پلازمای خون استفاده کرد. مفکره

یمیان آمد که جریان بیوشی تفس

کنم. فعل در بالای گوش های من می کیرد آهینکه در خون یک را بجريان فزیکی تبدیل کرد بصورت

چیزی تأثیر نمی کند، پاسانی نفس انسان کلان سن موجود است برای

مجبوری پلازمارا از او کسیجن پاید

می کنم، هوای داخل محفظه پسیار تهیه یک میخ پنج سانتی متری مشبع کرد. این یک عمل امکان

نازه و خوشگوار است. این عمل در صورتی

پذیر است. این صدای کفایت میکند.

لابرانت رامی شنوم، به پایان آوردن همو گلوبین که دارای باربر ارزش ممکن می باشد که پانسان امکانات

شده است آیا کدام نقصی ندارد؟

فشار می گذریم، وضع شما چطور کمر شکن او کسیجن میباشد باجریان تنفس را نه از هوای عادی بلکه از

جواب می شنود که پروا ندارد. من است؟ پسیار خوب به پایان آورده خون از شش ها به عضلاتیکه به او کسیجن تحت فشار آمده سازند.

پوش فوچانی محفظه فشار قدری فشار شروع کنید درین آنقدر اکسیجن دچار میباشد تقریباً در یک اتموسفیر علاوه کی در پلازما

فناوری و علمیات فوق حیوانات

سالن همومی مکانیزه شناسار

دیگر نیست بون میانی (عمیق) مکانیزه نشده تجهیزات از راه استفاده کنند. ملوانی صادر مکانیزه خود را ای اینست. از زیر آن کسی های اسید خود را از این مکانیزه خود را ای اینست دیگر نیست. درین کسی های اسید خود را از این مکانیزه خود را ای اینست. از زیر آن کسی های اسید خود را ای اینست. از زیر آن کسی های اسید خود را ای اینست.

جذب مکانیزه

ОПЕРАЦИОННАЯ ЗАРУБКА

Fig. 2. Рисунок

در مراحل ابتدائی داکتران طب باومایط و ترتیبات محفظه های شناوران ساده می توانست فشار عوا را در زیر دریانی و با محفظه های که برای داخل محفظه فشار کم و بازیاد بسازد. بعد از آن اختراعی بین آمد که مشق و تمرين کار گران اعمار کنند و تونل ها و پل ها استفاده می گردید. فقط میتواند های جدید طبی را بین سرو کار داشتند البته تمییز کردن محفظه مناسب و نورمال بسیار مشکل بود. اینک یک شفاخانه مکمل با این قسم وسایط مخصوص مجهز می گردد این کلینیک یکی از جمله بزرگترین و مشهور ترین کلینیک های جهان خواهد بود ساخت ختمان ها و طرح های موجوده البته به خط السیر طولانی حرکت نکرده و حل تختیکی را از گذشته به آینده نیاورده است درین باره از تجرب و شناوران قادر نیز در سال ۱۸۶۹ در پطر بورگ لیننکراد مو جوده اتحاد شوروی دریانی و از تجرب و تحقیقات طرح ترتیبات مخصوص من برای تداوی در وی ریزی سیستم های تامین گذشته حیاتی برای فضانوردان و هوا نورдан استفاده گردیده است.

تازه از تجرب و شناوران کادر نیز درین کلینیکی های بزرگ بود تداوی گند. درین محفظه های فشار چوبی ترتیبات هوادهندۀ مخصوص (دم هاییکه از آن برای سفید کردن طروف مس گره استفاده می نمایند) و سرپوش های ارغونی (یک قسم چوب است) وصل شده است. تمام اتمو سفیر در محفظه داخل کرد.

باقیه در ص ۵۶

در مراحل ابتدائی داکتران طب باومایط و ترتیبات محفوظه های شناوران ساده می توانست فشار عوا را در زیر دریانی و با محفظه های که برای داخل محفظه فشار کم و بازیاد بسازد. بعد از آن اختراقی بین آمد که مشق و تمرين کار گران اعمار کنند و تونل ها و پل ها استفاده می گردید. فقط میتواند جدید بسیار ساده به نظر می خورد. مکر برای درک حقیقت و حاصل کردن اطمینان متخصصین صد ها درین وقت محفظه های صندوقی میتوانند جذب مکانیزه خود را در کشور ملی لیتر خون می رسد.

درین ساحه تحقیقات جراح هالندی بوریما بسیار دلچسب است. آن آزمایشات خود را در بالای حیوانات اجرا کرده و مقاله نتیجه خود را به نام «زنگی بدون خون» نام گذا ری کرد. در اگرگاتیزم خود بجای خون

یک معاوضه گذشته مصنوعی داخل ساخت سطح هیمو گلو بین درین شرایط بسیار پایان آمد. با وجود داکتر ا نگلیسی هیلتشر آنهم حیوان در محفظه فشار سنچ آزمایشی تحت فشار اوکسیجن تا ۵۰ اتمو سفیر برای ۴۵ دقیقه مکمل بصورت درست تنفس می کرد. پلازما در شرایط مخصوص به آب می نمایند) و سرپوش های ارغونی (یک قسم چوب است) وصل شده با هیمو گاوین به فوق خون کد

اشر: م.ت. آبرسیک

علی‌پرزوی

تُرجمَة: ع. ح. ایلمدِرم

برزبان آورد، همانطور درگرداب سخن‌آمیز افکار فروخته بود و فقط هنگامیکه بخاطر استراحت و غلوفه دادن به‌سبیها دریکی از ریاطها فرود آمدند نشاط و سرت خود را باز یافت موقعی که با همسفران دریک حلقة نشست، ازین‌دی راه هاوخرابی کاروان‌سرا هازبان بشکایت کشود و در زمینه ضرورت ترمیم راهها و اعمار ریاطها جدید علاقمندی خود را بیان داشت پس از صرف غذا، حل برخی از معماهای خود را شاعران دیگر را بخاطر سرگرمی در معرض آزمایش هوش گذاشت و از حاضرین خواست نامهای تهفته در آنها را استخراج گند: « ساعتی هم بشوشی و مطایبیه گذشت.

همینکه نواین در هرات یا گذاشت این‌خبر که او حامل فرمان مخصوصی از سلطان می‌باشد پس رعایت برق در سر امیرشیر پیجید، همه منتظر شنیدن آن بودند گرچه ظاهراً فضای هرات مانند پیش‌آرام بود و همگان سرگرم کاروزندگی خویش بنتظر هیرسیدند اما خشم و سریز کسیه پیش و ران و دهستان هنوز کاملاً فروکش نکرده بودند و هر لحظه زمینه آن وجود داشت تا طوفان را دیگر بشدت و داشت و قاتلی بیشتر از پیش و بمقیاسی و سیمتر آغاز گردد.

شاعر در (دیوان) فرود آمد و بلادر نگاههای ایشان راکه توسط خواجه عبدالله دیرخی دیگر از عاملان برآهالی تحمل شده بود لغو کرد، تمام عمالی راکه درین قضیه مسئولیت داشتند، از عینده های شان بر طرف ساخت می‌بیش بقیوی عرایض اهالی پیشوا که بخاطر دادخواهی در جلو دروازه گرد آمد بودند، پرداخت، بشکایت مر یاک از عارضین، چه پیش و چه جوان، چه مردوچه زن را پیر قومیتی که متسوب بودند، بالایات و متأثت شنید، از حال و زندگی عارضان جویا شد به تسلیت و دلداری شان پرداخت و دعاوی شان را حل و فصل نمود داد خواهانی که با چشمان گرین نزد شاعر آمدند بودند بالایان پرازیسم و عارضان خنده قدمی که بیوی بشکایت پرده بودند، چاقعه‌استوار و رومن سرشار از نیزروی عدالت از حضور وی خارج گردیدند.

تاینچهای داستان

خبر بازگشت نواین به هرات و انتساب او بحیث هیردار دولت چون حدائق مهی در سراسر شهر امکان می‌گند اهالی هزارسان این‌تقر را بفال نیک می‌گیرند و چشم امید به سوی او می‌موزند.

روزی بعداز آنکه نواین در دیوان حضور می‌باشد حسین یا یقرا اورا نزد خود فراخوانده، نظرش را در باره هیرزا یادگار یکی از شهزادگان تیموری خواستار می‌شود، اما هنوز دیری نگشته، شهزاده مذکور علم بخاوت بلند می‌گندو بعداز اشغال چربان در صدد تسخیر هزارسان برمی‌آید.

حسین یا یقرا بسیاری بزرگ برای هجوم می‌بود وی عزیمت وادارش می‌سازد.

در همین آوان خبر هیرسد که مردم هرات از رویه خشن و تطاول عاملان بستوه آمدند علیه آنان شوریده اند و اضطراب تام‌طبعی در آنجا حاکم است، مصاحبان سلطان را تشویق می‌گند تا این خایله را به ضرب شمشیر فرونشاند، اما نواین برای اولدل می‌سازد که در این حادثه حق بجانب اهالی است و این‌عاملان اندکه آنها برانگیخته اند، بنابر آن باید این گزه بازگشت گشوده شود، نه باشمش.

حسین یا یقرا نظر نواین راهی پذیرد و خود شرای برای حل این معضله موظف می‌سازد.

می‌گفت و چاده های مسروطه، همراهانی درباره زبان، عرف و عادت و طرز

کوههای که در فواصل دور دست از عقب می‌بیشت آنها صحبت کرد، در طول راه، سنگ بزرگی که در کنار آب قرار داشت، توجه اورا به خود جلب کرد و از نوعی تصویر روى آن احساس نموده از اسب میرسیدند بادهای بیقراری که گوین ازشدت سوژش پای در حرارت گذازده ریگستان‌ها هر سو میدویدند، آپهای زلالی درستگلخایه از همان تصویر نمایشگر مرد یعنی سلطان گذشت زمان روی آنرا سانیده بود.

نگاهی داشتند چیزهای دیگر قلب بوروح شاعر را متحمل این تصویر از بقایای دوره اسکندر بمن اتفاقیت و اوردن تمام این چیزها تیروی می‌نمایند، آنها از دستار خود خلاید می‌گردند و بگوشه ای از دستار خود می‌گردند، ملازمان اسب کمیت می‌کسیر و قوی پیکاروا را پیش‌رویش آوردند، سایر همسفران نیز که می‌بایستی یکجا باشاعر حرکت کنند، آماده شدند درین‌آنها بایعلی چاکر صادق و وفادار شاعر که جوانی موزون قد، خردمند می‌باشد نیز به نظر هر سید همینکه شاعر روی دوشک ابریشمین زین قرار گرفت، اسب تکان موزونی پسر خودداده گام پرداشت، از عقب نواین عدای از ملازمان دربار و مصاحب مناسب برآمد، افتادند.

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام نگاه کرد.

چادرهای قبایل کوچن ۰۰۰ و خصوصیت های شاعر از آنجایی چشمان مشحون از نوعی زندگی صحراء را دقیقانه از نظر گذرانید، با علایم اندوه حرکت کرد مدتها بدون آنکه حرفی

نواین به آرامی به چادر خود برگشت، چیزی خود را که خود در هرات بود، آن‌تذیله ها و نقش‌های کوئنگوئی بر مغزش هجوم می‌آورد، ملازم از دیگر عمومی که برای همگان طبع شده بود، غلام آورد، شاعر اندکی گوشت تناول گرد، کاسه را انظرفت گذاشت و بجای شربت، کاسه‌ای دوغ سرد خواست بعد آنکه های شطروح راکه روی قاین کلکون پر اگنه بود، گرد آورد و خواست یکی از استادان شعرنج باز را ز پادرهای مجاور طلب کند، اما بزودی ازین تصمیم منصرف شد و ترسید که می‌داند پرسیبل عادت به بازی سرگرم نمود و در نتیجه، سفر به تعویق اند...

اورا قبلا دار رنگین و سفید گونه ای راکه

در لای کتابهای چیده شده بریک گرسنی نسبتاً پست گذاشته شده بود گردآورده مرتبا ساخت و آنها را در لای قوطی عاج کوچکی که دور ادورش

بالقوش بر جسته ترین گردیده بود گذاشت، در لای کتابهای چاده های، معمایا و ویجستانهای بودند که در طول سفر از سادگردد، اما هنوز (پاکویس) نشده بودند.

وسایل سفر امداد شد شاعر متن فرمان سلطان را ز نظر گذانید، معمون آن‌طرف قناعتش واقع شد سپس آنرا لوله نموده رویش را می‌گرد و بگوشه ای از دستار خود خلاید ملازمان اسب کمیت می‌کسیر و قوی پیکاروا را پیش‌رویش آوردند، سایر همسفران نیز که می‌بایستی یکجا باشاعر حرکت کنند، آماده شدند درین‌آنها بایعلی چاکر صادق و وفادار شاعر که جوانی موزون قد، خردمند می‌باشد نیز به نظر هر سید همینکه شاعر روی دوشک ابریشمین زین قرار گرفت، اسب تکان موزونی پسر خودداده گام پرداشت، از عقب نواین عدای از ملازمان دربار و مصاحب مناسب برآمد، افتادند.

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام صفحه ۲۰

عدهای ای اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

شاعر اسب سواری، تماثیل مناظر دشتهای گسترد و آرام را خیلی دوست میداشت و حتی گاهی روی اسب درحال سفر الهیام

توایی بیچادر سلطان وارد شد کوشید تا
روحیه سلطان محزون را که زنگ از روی باخته
بود تقویه کند .

حسین بایقرا سرخود را باره و تائیر نکان
داده گفت :

این چه خیانت است !!! این موجوده
نامیاس و بیوفا ، بر روی من دروازه حصار را
پسته اند !

توایی باعتماد واطمینان گفت
بچه در صفحه ۵۷

بشتا بند و باشکوه و بدبده وارد شهر گردید .
اما جنین بنظر میرسید که پایتخت از بازگشت
او هیچگونه اطلاعی نداشت، هرات بسری گردید
و شنای خرد از دستاده است زنگ از رخ
تمام دستاپس و فعالیت های دشمنان را نشان
حسین بایقرا پرید شایعاتی درین قشون
یخش گردید آنایکه برای کشف حقایق
گسیل شده بودند ، مایوسانه برگشتهند و اطلاع
پایتخت را در پیش گرفت .

و قایع پسرعت برق از پی هم روی دادند .
حسین بایقرا شب و روز راه در نور دید و بحاله
همچنان و سراسر میگردید . از هر ۲-۳ منزل از هرات توقف کرد و بر طبق معمول
النتظار داشت تا بزرگان هرات باستقبالشان
گردید .

درخانقاه مسجد جامع بزرگ هراست
در ایوانهای پراز نقش و نکار آن که بر پایه
های سطیح استوار بود، در صحن هموار و وسیع
آن و بر فراز منباره هاور روی بام قطار حجره هایی
که سه طرف جمعیت را حاطه کرده بود توده
های مردم هرج میزدند

شاعر بامتنان و گامبای شمرده بزمیر رفت
ناکهان تمام جمعیت بیانشده شد کوچکترین
سدایی هم بگوش نمیرسید تمام چشم هاگند
از شور و هیجان بیک نقطه دوخته شده بود .
توایی از فراز مثیر بالحسام صمیمانه و نوعی
هیجان پسوی توده بزرگ مردمی که خشک
در جازد بودند نکاهی هم درداله ایگله، چنین
بنظر میرسید که شاعر عین این نکاه بازدراز
عشق که خاصه وی بود، به زرفتیرین زوابای درد
الم و نیاز هندیهای مردم پی برده است . تحت
تأثیر احساساتی که در عمق قلبش بیدار شده
بود نیزی عمیق کشید طعن را کشید و درستان
خود که لرزش خفیش احساس نمیشد، آنرا
گرفته ، پی آنکه برخود فشار آورد ، بصدای بلند
تر از معمول « تمام بآرامش و وقار قرأت کرد »
غیر پر صلایت از مردم برشاست آنها در اوج
شور و هیجان ، افکار و احساسات سرگرد شده
خوب را باز میدانستند و مداری (ای عدالت)
(انشالله) (ذمین برسکران) و (آفرین) از هر
طرف طنین انداز گردید .

مضمون فرمان ازدهانی یادهایی گذاشت
و دریک لحظه کوتاه حتی به (خانه نشیان) نیز
رسیده بود .

همینکه شاعران نطق مویز آتشین اما بر محظا
وصمیمانه خود را بیان رسانید « هزاران دست
و دستان زبر و آنوند دهستان بینجه های نیلکون
و نگریزان ، الگستان باریک و استخوانی باقندگان
و دیگر پیشه وران درهوا بلند شد . صدای دعای
خیر در حق توایی از هر طرف طنین انداز گردید
و در پشتاقهای شکوهمند مسجد جامع اعکاس
گرد

مردم پادشاهی پراز امید و نشاط در کوجه
های رازیز شدند شاعر که اعتمادش به مردم و
نیروی عدالت مستحکم تر شده بود و بتر از همه
حرکت گرد و بعد از آنکه باعلماً و مدرسین بزرگ
شهر درباره احوال طالبان و وضعیت مدارس
صحبت گرد ، بدون گوچکترین تشریفات ، تبا
بادیوان برگشت « نام آنده از عاملان را که بر
مردم بیداد و ستم رواداشته بودند روی ورق
نوشت و تصمیم گرفت تا هریک را متناسب به
جرائم و جنایتی که هر تک گردیده ، مجازات و
محکوم نماید .

تمام هرات در سایه عدالت شاعر میزیست .
توایی در خلال بیک هفته تمام امور هر یوطرد
به انجام رسانیده به قرارگاه حسین بایقرا
برگشت .

میزایاد کار پس از تحسین عزیمت یاز
هم نیروی قریادی جمع آورده ، استرا بادر اشغال
گردیده بود برای پوش بر هرات آمادگی میگرفت
گروهی از گماشتگان وی مخفیانه در اطراف



سیپین گل سور گل شو

- مادرته به خواب کی وویل :
خدا زده بوبسته می ونه کره ، ما
وویل چی چیرته کو ه لیری خای ته بی
استولی وی ، گنه سبین گل خو چیرته
شیه نه کوی .

موزن یه خیلوگی سره دا خیری کو لی
چی لور می (گل خانکه) موزن یه خیلوگی
سره را گله شو ، او خیلی مادرته یسی
کړل .

- ادی ! لا خو چیرته شیه نه کوله

چی دا خنکه برو شیه شو ده ؟ ته لایه
نه ، د خان کور ته او له بی بی بوبسته
وکړه ، چی دی خان چیری لیری دی ؟
اوسم نوبابا چوب شو ، او بسوی
ماینه یی چی مخانع ورته ناسته وه ، او
بو زوی تور دیوگی یی پر سرو ، دانیوگی
نو داسی سوری سوری و ، چی د بودی د
سر سبین وبسته تری له ورایه خلیل
مانه یی منځ دا واپاوه اورانه یی کړل :

- زویه ! گل خانکه چی دا خبره وکړه
نو زه سملاسی له خبله خایه یاخیدم او خان
کړه وردی شوم .

د خان کور ته چی ور ننوت ، نو زویه
نه به درته وايم - بدی ورخی نه دی ونیم
چی یی بی (بی بی دی نه شی) ، له ورایه
دا باندی بونکه ، او راته یی وویل :

- هریمه ! داخو ود خی چیوی وی ،
لکه چی یه کور کی مو بیا اړګانه را پیدا
شويده ؟

ناسی خلک چی خه ما یاه گئه پیدا کړی
نو بیا هرڅه درنه هیس شی ، اوچی ولیمه
در باندی زور وکړی ، نو بیا مو مود یې
یاد شو !

ما ورته په ډیره عاجزی وویل :

- بی بی جانی ! نه داسی نده ، هور
خوستا سو لهنی ته براته یو ، تاسو ګله
ما بنام شو ، ماخوستن شو ، خودده
هیرو لای شو ، خو ورکه غربی کړی ، پدی
دوخو کی دلو لور وخت دی ، سبین گل
مود مری لوکوی ، زه پلار یی او گل خانکه
پسی وری تولوو ،

نوكه دله داتلای نشوم ، بنه نو بی بی

- نه خو گوره کنه ! سیار چی ذه له
چومانه کورته راغلم ، نو گل خانکه په نفری
کی اوربل کړی و ، او چا یخوبش یېسی
چی تللى تر او سه هالوم ته دی ؟

- بچیه ! خه به درته وايم ، چی دی
خیلوو خیل ملاوستنی له ملا برانیست
او خیلی اوپنکی یی بریاکی کړی ، اورانه
زه هم دا ګلم ستی هشی می وکړه ، یی کړل :

- بنه نو بابا ! خان سبین گل چیرنه
پریون مازیکر نللى ، تراوسه هالوم ته دی
بیا دی ورخم او د لوسيل وکړم .

- سبین ډیری ، بنه ډیر بنه ، ډیر بشد!

ښغی ورته کړل :

- دا هر یمه دا ګلم سبین گل
بوبسته کوی ، چی پریون خان چیری استولی

سیار لا لعنہ وختنی چی له کوره ووتم ګونجی منځ ، او دیز دیدو نکی لاسونه عویدل خو ... یوه شیبه چوب پانه شو خوما زر
او له کلی بېرد ګرونډ خوا ته وه شوم یه تو یه مفزو ګنی هي د بوبسته تو بیان سر
کرونډ ګنی ولاډ ځنمیسرلی دوروستیو شپو هسل کړ ، له خانه سره می وویل : بابا
د طیرو ودمو یه غیو کی یو خوا بل خوا خو د ډیر عمر سپری دی ، دایه نو مشران
را اوپنټل .

به خینو یغو غنمو کی لوګه شوی و ، لو کوی ؟
او د لوګو میرعنو د سبا ناری لپاره د ګله می وویل : چی ذه خه یی کوی ؟
ښه مبولو پیسی یه سرو ایښی وو ، او ځوبیا یه طافت ونه شو ، زده یه ځوبنټل تری
ډوډی یی یه لاسونو کی نیو لیسی وی ، بوبسته وکړه ؟ بابا !

خینو له ډو ډی د خیلو وپو ماشوناونو په بوبسته وکړه ؟
شا یوری دی ، او منځ په ګرونډو رهی بوبسته من کوله ؟

- ابچیه خه واپی ؟
زد خله بچی ، خه بوبسته کوی ؟
سبین گله ! زدله کتله هسلک شو ، اوچی
وپاندی ورғی ، نو د خان زوی ور ته
کړل :

زدله بچیه منځ کی هک خیشم چی له یوی
خوا را باندی دغ شو ! «خوانه» راشه همود
زامن نه لری ، چی ته لو کوی ؟ ته خو د
لونه یی ؟

زما خبری لا خلاص نهوي ، چی می
دده وضعي ته کتل ، نو دوجولی او منځ دی استوی .
ګونجی یی زیاتیدی خو چی شه ورته خیز
شوم ، دستر ګو به کو نجو کی یې دنی او
ښکن همدا پیدا شوی ، او وردو وردو یې د
توخل ، خواشکی ، هواشکی یی توی کړل .

زه د بابا یه دی وضعه هک اړیان شوم
او یا یی شروع وکړه .

او یه زده کی یه دا ګرمیو یو
یه منځ کی ایښی و ، او د لرگیو یو
کا جویه یی یکنی ایچولی وه او دواړو یه
واز سره له لوبنی شیدو میں اخیست
او خیلی اوپنکی یی بریاکی کړی ، اورانه
د دیرو یه یو آواز راته کړل : «عمر دی

درلود خو خدائی را روزی نه که ، چی د
کښنا ستم . د دوی د خوشحالی لپاره
کړاوونو خلاص کړی وم ، چی خلک هېر
می یو کې دودی واخیسته پدی کی سبین
ظالمان شول او ...

- بچیه ! ستا یه شانه یو خوان زوی
دیر شه ! خیر یوسی !

راشه دله ګښته . . . د دواړو تر خنکه
کښی وتنی شو ، او بناسته یې زه له دغه
او خیلی اوپنکی یی بریاکی کړی ، اورانه
زه هم دا ګلم ستی هشی می وکړه ، یی کړل :

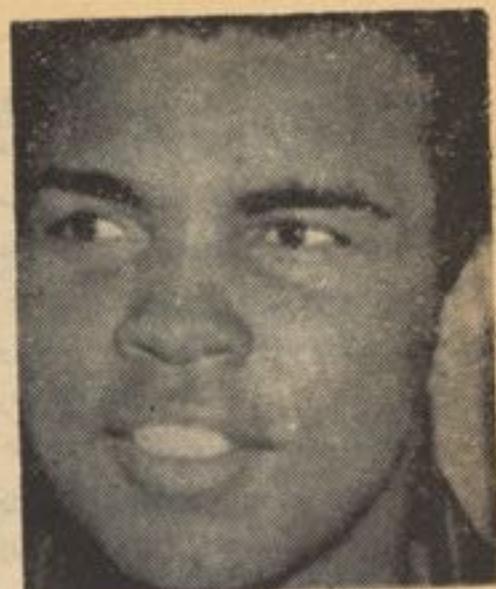
- بچیه ! ستونی دک شو . او سترګو یې
او ښکنی وکړی ، خودا خل یې زد خیله
وضعه برته سمه کړه ، د غایدی تر تازه
استاره کړه راته کړل :

- د سبین گل پلاره ! سبین گل چی
چیغه کړه :
بیا دی کاله دمسخه سبین گل
پریون مازیکر نللى ، تراوسه هالوم ته دی
پتو کې ورخم او د لوسيل وکړم .

خوان شوی و ، او له ټولو چاروی یې غه
نن دادی له لونه هم یاتی شوو .
ښایسته مهال چوب ناست وو ، خوما
کړی وم ، د غنمو او شولو لویی دا ټه ګاوه
جهی د ده د ډالوندی به شان سبینه ډیره
به زمی بهی له غړه لرگی داول ، چی
بوبسته کړی وو ، چی دی خان چیری
کړو یه ملا ، لو ید لی غایبونه
د هفو له پلورلوبه یو یه هقی کوزاره ګیده
استرنی دی ؟

دی، اوتر اوسمه مالوم نمدی .
همنه لرم، هر چارچی وذلی وی دخای خود خوخوانه ! دخای کپونه گوره چی خدای انارگل
زویه ! خان بیا سره بالبسته را هسک لهدی خبری سره می بوده بیده پدی سپینه کپوله تهی بزیردم !! اوس بدهه پدی سپینه کپوله یهخان قبر کپه، او تویی خبری بی حکومت نه
کپه، او به غصب بی راهه کپول : اویه خای چه شوم ، بیانو یه خان بیوه خپله غایه بندوم ، بوبیل به ناجهه زیردم .
- خوانه ! مالاخبری کولی چی خان سهلاسی سنه نو بابا انارگل هامورانو ته خه وویل :
- هفه خو بیرون هادبرکلی په بزرگانو شوی نه یم .
- هفه خو بیرون هادبرکلی په بزرگانو شوی نه یم .
بسی استولی و ، خو مور لادکلی تر مسخه بودی ادی چی داخبری وکپی ، نویمهخ بی زعینه منخ ته راو دانکل ، او حکومتی
دکنیو په کرونده کی ناست وو ، چی دی لخولی را ماتی شوی وی ، او زیان چوب سو ، کسانو تهی کپول :
- دی سپین بیزیری دی هافزه بی شیوه بی هفه خه وویل :
- خوانه ! بابک چی داخبری وکپی ، مورخو شوی دی ، له خبل زوی نه هیخ خبر نه دی .
مالمه ومهی سپین گل جاوزلی؟ او خشکه وزل تاسو دخیل زوی له کپروپونه خبرنے یاست .
- صاحب ! هفه سره لهدی چی گاریگر سوی ؟ او بنا داخواران خنگه ناجهه په زندان کی
- ملکیوالو سره په منه منه هفه خی زهچی له جی هفه خه کوی لا ؟
تلوله ورخ په هردارو پسی سروی ، بیگاه کلی گوز دلو دخنکلو په منخ کی دی ، اویکپسی
بوری غایه په کوم کلی کی سیل و ، دی به دخان یوه زرنده هم ده ورغلو له ورایه هم
ولیچی سپین گل خوانیرگی بی خیشت بیشت هم هلتنه تللى وی . هفه اوس نوی خوانشوی ،
هکب اچولی خلک اولوگری - چی په شاوخوا په کب اچولی ، نه دیل چا ، ریستیا بی ویلی
جی مصلی خوان شویایی مخی ته همورخه .
- زویه ! ماجی دخان خبری واوردی سودامی یویه دوه شوه ، او ددوی متغرو ،
سپوروتنه می عیخ یام ونه کپر ، زد بیرته که س(بایی) پهستگوکی اویشکی توارآتاو کورته راغلم ، اوده تهمی کپول :
- سپیه ! خان خو وویلی چی بیرون می سپین گل دیزی کلا بزرگانو پسی استولی و .
دخان یه کورگن کارگاوه خوجی پیغله شوه نویه سپین گل چاوزلی دی ، سهلاسی می هلک کاکا
سپین گل باندی دخان کورته ددی تکرش نه راوغویست ، او ورته می وویل : « چی زد لار
لکیده یوه ورخ بی ماوچیلی هورته کپل پلاوه شی ، حکومت ته هم خبر ودکپی ، اوورسره
دانجلی دی نور دخان بابا کورته نه خسی دقتل د خرنگوئی تپوس هم و کپی ».
دخان خبل خامن هم خوانان دی اوبله داجیه
اصمله کیسه خوداسی وه چی زمالور گل خانگی دخان یه کورگن کارگاوه خوجی پیغله شوه نویه
دخان یه کورگن کارگاوه خوجی پیغله شوه نویه سپین گل چاوزلی دی ، سهلاسی می هلک کاکا
سپین گل باندی دخان کورته ددی تکرش نه راوغویست ، او ورته می وویل : « چی زد لار
لکیده یوه ورخ بی ماوچیلی هورته کپل پلاوه شی ، حکومت ته هم خبر ودکپی ، اوورسره
داخیلی دی نور دخان بابا کورته نه خسی دقتل د خرنگوئی تپوس هم و کپی ».
- صاحب ! نن سوار چی خبر شوم چی
- ملکیوالو سره کل هم تللو ، هلتنه په سیل
- چک کپه ، او هی موکلی ته داودی ، داود
- ملکیوالو سره کل هم تللو ، اوله خان نهی
- کلن بیسی می نه در لودی ، ته ورشه
- دغاو په اختبار خو بیسی په غویو و داخیستی
- اودکلی هلکن بازار آت په کلن او نوروشیانو
- په کلن داریانه کینیستام ، او په زره
- په کلن هم شاهدی ورکه بیادی له سترگو
- په سره والوت .
- سپیه ! خان خو وویلی چی بیرون می
- چک کپه ، او هی موکلی ته داودی ، داود
- ملکیوالو سره کل هم تللو ، اوله خان نهی
- کلن بیسی می نه در لودی ، ته ورشه
- دغاو په اختبار خو بیسی په غویو و داخیستی
- اودکلی هلکن بازار آت په کلن او نوروشیانو
- په کلن داریانه کینیستام ، او په زره
- زماله خبری سره دی اوچجه له خپله خایه
- تریکلود هده ، حکومت تللى ، او حکومتی
- ملکیوالو سره کل له وزل کیدو خخه
- خبر کپه و . هلکان لاله بازاره نهوراگلی چی
- په کلن کی هکه اریانه کینیستام ، او په زره
- کی می سودا وه ، چی خدای دازوی بی می
- چیزی تللى وی ؟ په دی چورت کی دم چی
- سپیه ! له چادی پهنتنه وکپه ، هفوی
- خه وویل ، چی سپین گل بیاچیرته ولاب ؟؟
- ده رانه کپول :
- له تولو هفونه می چی لـه خان سره دعاوکه . کلیوال خبلو کوروتنه لابل . او
- ناست وو پهنتنه وکپه ، هفوی توتورویل : دلیری خایو میلمانه لا ناست وو ، چی
- چی مور له خان سره ناست وو ، چی دیری مادرانو زدرا وغوبیتم ، زهود خان هم ورسه
- کلا بزرگان بی داوستن ، بیامو ونه لیدچی نامت و ، پهنتنه بی داخه پیل کپه .
- خوی دخه کار کاوه ؟ پیرون چیزی
- دی چیزی ولاب ؟
- زویه یلاخی دی په هاشه ! دواهه رسه تللى و ؟ له چا سره بدی لری ؟ اوس دی زوی
- کپ اریان دریان کینیستام ، پدی کی گل قاتل خوک دی او پهچا دعوه لری ؟
- شوی وی زمودن سپین گل هم بی ری بوهده خو
- خانگی چای راچی پیالی مولانه وی کی کپی
- ملکه بی نه ورکوله خکه هننه تتخداي داسی حیا
- چه په کلی کی شود زویه پیداشو ، مور دویه نخ
- خوانه ! دازه زویه سپین گل چی و . خدای دی و
- که ماغوندی بیوزلی او مسکین سپی و ، شبه
- اورخ په خپله خواری او مزدوري پس ملک هم بیا داخبری وکپی دکل تواجی او خو
- له خایه پاخیدو ، او کلی ته ووت و گل خانگه اورخ په خپله خواری او خو
- ناموس بھورته لکه خبل ناموس بیهینه سپین . نور دخان بیوزلی خود وری شاهدی ووھله . او
- دیدی مور پسی داغله ، دکلی منخ خلائمه دوام کی گیو تل .
- چی دیزگی نهی بیاچی دی اخیستی داغلی و هاسره بیوکای هفه خواران په دام کی گیو تل .
- بجهی دیزگی زویه می بایک چی
- خواران کیش زامن نوداسی خواران دی چی
- خود خدای « چ » کپوته گوره چی یوه ورخه
- اوهخ په همود رامنی وھی . سهلاسی بی ذما داغی اودی بی له خانه سره بوت ، بیامی
- مادرانو هفوی راوغویست اوده باشم په توره
- غایی ته خان واچاوه ، له وار خطای بی خان نویه سپین گل دقاتانو په توکه حکومت ته
- کوله اودانجلی خوبی بی کمین کی وه نوچی بیه
- زبون بی وھل شوی دی ، مور په هری ورغلم . له چا سره بی دی هم نه لری ، خیره بی دسپین گل دقاتانو په توکه حکومت ته
- چی هرخه ورته واچویه خبره ده ؟ خکه چی نهی پوله نه پتی شت اونه می خبل
- بونل زهود خبره همچانه اوربدله اخان دسپین شوی چی سپین گل بیه باع کپ بوازی دی زدزد ریخ
- دی ، گوینکونا کینی ، گوینکونا کینی ، خو دوهره خچن له چاسره بدهوبیری بدی رانگلی وی !
- گل وار وھله خواران بی په حکومت کی سجل گرل تهور غلی اودسپین گل تر خنگه ناسته وه کومه
- پاتی بیه ۶۰ منخ کی
- دزوى قاتل هم نه پیژنم اویه هیچا دعوه او خوشو کاوه بی بری قیدونه و خبریول .

در بزرگترین فیروزه کس محمد



محمد علی کلی

جورج فورمن کلی را باری در کنار
دینگ میخکوب کرد و لیه و فقیمت
از کلی بود

سنگین وزن بوکس که بنام نبرد
قرن معروف شد دروند هشتم
جورج فور من قهرمان جهان را نقش
بر زمین نمود و بعد از هفت سال
لقب قهرمانی سنگین وزن بوکس
حاصل نمود.



کای به پسر ش : غریزم هن در روند ... غلب خواه شد .

فورمن ۲۵ سال دارد و به تاریخ کای وفور من از معیار عادی آن مشت فور من ۷۰ سانتی متر ۱۹۴۶ در شهر مارشان - تکسا سر انجام نبرد افسانه ای بوکس روز چهار شنبه هشت عقرب در ۱۱۵ سانتی متر و ۲۳ سانتی متر می باشد .

در وقت اجرای مسابقه عرض سینه همیات در پایان

جدال که هشت روند بطول انجام مید

دار دیگر افسانه مردی بنام محمد علی

کای اوچ گرفت و پیروزی حیرت

انگلیز کلی و شکست فورمن بوکس

حرفه ای جهان را پر زده آورد .

مسابقه محمد علی کلی قهرمان

سنگین وزن بوکس جهان وجو رج

فورمن هو قعی صورت گرفت که جهان

به پیروزی فورمن می آمد .

فتح تاریخی کلی بیان رسید و بد ون

تر دید علی تو انس است فاتح زنگ و قهر

مان بوکس جهان شود .

شیوه که محمد علی کلی از آغاز

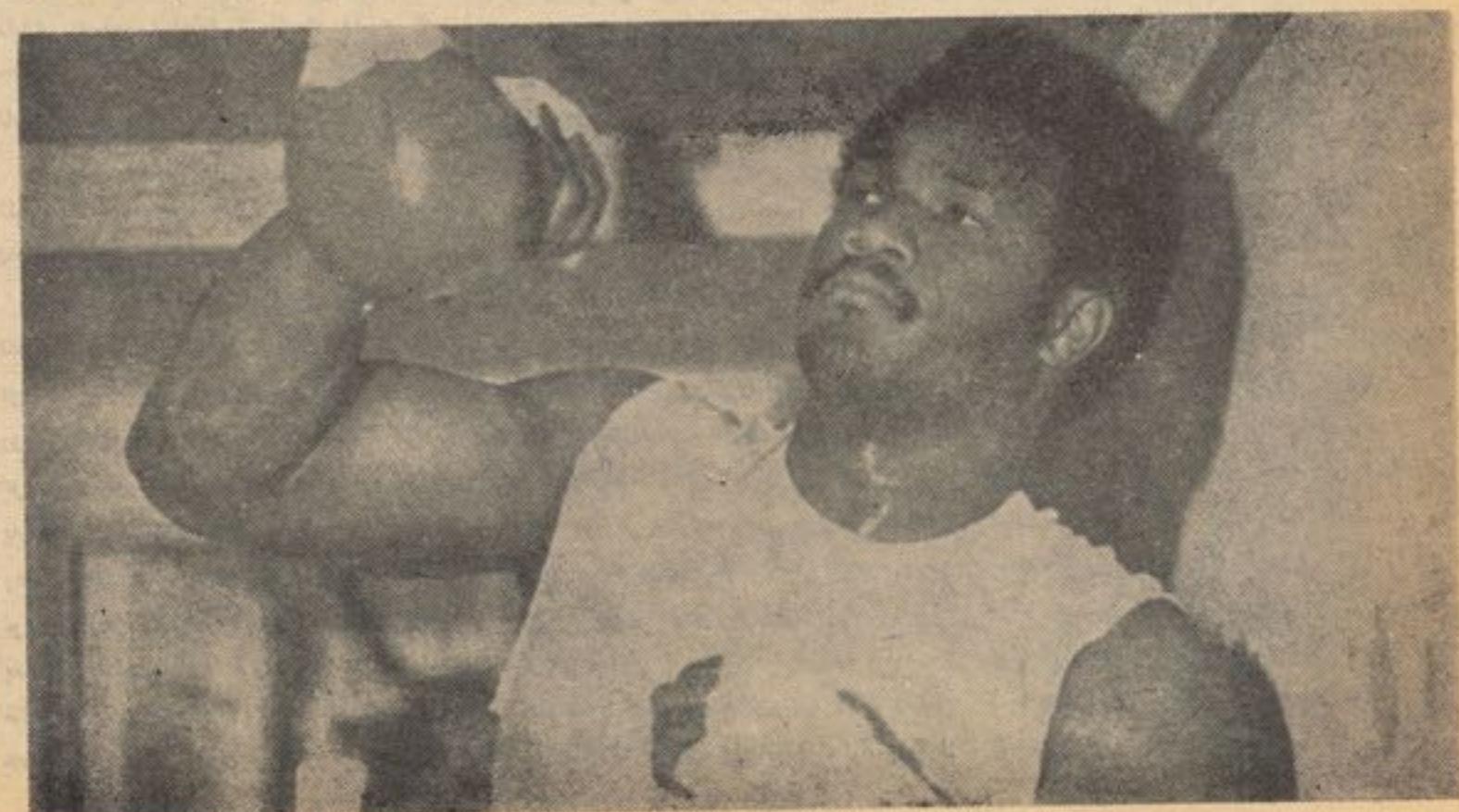
محمد علی کلی در مسابقه که برای
بدست آوردن لقب قهرمانی جهان
صباح روز ۸ عقرب در کنیشا سا با
جورج فورمن انجام داد ، بار دیگر
یسقام قهرمانی سنگین وزن بوکس
جهانی رسید .

حکمیت مساویه این دو مشت
زن سیاه بو سنت امریکایی را یک
زیفری سیاه هبتو سنت دیگر امریکایی
بعده داشت .

محمد علی کلی ۳۲ سال دارد و به
سال ۱۹۴۲ در لوئیز ویل ، کنا کی
امریکا تولد گردیده است .

فور من ۹۸ رز ۹۷ کیلو گرام و کلی
۹۷ رز ۹۷ کیلو گرام وزن دارد .

قد فور من ۴ رز ۱۹۰ سانتی متر
و قد کلی هم ۴ رز ۱۹۰ سانتی متر و
عرض سینه های هریک در
حال عادی ۱۰۹ رز ۱۰۹ سانتی می
باشد .



جورج فورمن هیگفت : مشتبه ای من یک گاو را از پای می اندازد .

علی کلی بار دیگر قهر مان بو کس جهان شد



پیروزی حیرت انگیز محمد علی
کلی دنیا بکس جهان را به لرزه
در آورد

مسا بقه با خریف ش جورج فورمن بکار
برد، یک جدال حسابی شده و در عین
حال شکل دفاع و خسته کردن حریف
قدرت اش را بکار ببرد شیوه که کلی
اختیار نموده بود حتی موقیت را
میتوان در آن سراغ گرد. بالا خرمه

محمد علی کلی زمانیکه اطمینان حاصل
کرد، از کنار رینگ به چاپک دستی
خاصی که داشت در وسط رینگ پریده
جای خود را به فورمن خالی کرده و
این لحظه بود که فورمن به سر نوشت
مغلوب شدن اش رسید.

فور من زمانیکه کلی را در کنار
رینگ میخکو بکرد فریاد تماشا
چیان استدیو رابه سرور داشته بود
عن تماشا چی با احساسات شان
ورزشکار مورد علاقه شان را تشویق
میکردند فور من در این فر صمت
ضربات متعددی به کلی حواله کرد
ولی هیچ یک از ضربات او کاری
نبوده ولی سر انجمان با خالی نمودن
جای اول کلی با تجریبه و
مهارت، یکبار دیگر شکفتی آفرین
شد و فور من نسبت به الرضرا بات
متعدد محمد علی کلی در روند هشتم
نشش برز مین شدو دیگر قدر تشن
را از دست داده بود.

فورمن از زما نیکه تابحال مسابقه
داده، در حدود ۴۰ مسا بقه تابحال مسابقه
دری فور من را دفاع میکرد برعلاوه
آن امتیازات را بخود نصیب میشد،
قریب یک دقیقه کلی در کنار رینگ
به چنگ فور من گیر ماند و بود کلی
مطابق به نقشه که قبل در موردنا ک
او نمودن فور من در نظر گرفته
بود بعداز روند پنجم ضربات اش را
به فور من آغاز کرد. با آغاز شدن
این ضربات حرکات مخصوص صن
اش نیز آغاز نموده بود که به جا لب
شدن مسا بقه افزود شده میرفت.

فور من که در روند پنجم ضربات
کلی را مانند باران می دید از خستگی
شناسان ورزش بو کس جها نگفته

محمد علی کلی

محمد علی کلی، همسرو پسرش
بودند اگر کلی تاروند هفتم هشتم
در مقابل فور من مقاومت کنندشانس
بیرونی به طرف اوست، زمانیکه
کلی از کنار رینگ در وسط رینگ
برید بامهارت خاصی که داشت با
سرعت سرسام آورد و ضربه داشت
و چپ به صورت فور من وارد ساخت
او رابه کف رینگ نقش ساخت و
فریاد های تماشا چیان استدیو
کنیشاسا رابه لرزه در آورد.

فور من در روند چهار با خلاصه
شدید ووارد نمودن ضربات بدوز
تائیر کلی را سخت به مخاطره
انداخته بود و چند ضربه راست و چپ
به طرف کلی حواله نمود که تمام آبی
آثر بود. اگر ضربات فور من به کلی
اصابت میکرد، بدوان شک مقاومت
در برابر ضربات وی دشوار بود.
تماشا چیان باو جودیکه علی ذیر
ضربات فور من قرار گرفته بود اور
تشویق میکردند و فریاد مینمودند
بگذار کلی نوبت با توست باید کار
کرد تا این مرتبه سر نوشت اش
برسانی.

علی باو جودیکه ضربه های پسی
دری فور من را دفاع میکرد برعلاوه
آن امتیازات را بخود نصیب میشد،
قریب یک دقیقه کلی در کنار رینگ
به چنگ فور من گیر ماند و بود کلی
مطابق به نقشه که قبل در موردنا ک
او نمودن فور من در نظر گرفته
بود بعداز روند پنجم ضربات اش را
به فور من آغاز کرد. با آغاز شدن
این ضربات حرکات مخصوص صن
اش نیز آغاز نموده بود که به جا لب
شدن مسا بقه افزود شده میرفت.

فور من که در روند پنجم ضربات
کلی را مانند باران می دید از خستگی

جورج فورمن

«و شد شخصیت از دامان مادر آغاز می یابد»

از بیانات بنا غلی دیسیس دولت و صدراعظم

(مساوات، اکشاف، صلح) شعار سال

ملکت سعی نمایند تا نسل آینده
و اقعاً یک نسل روشن و فرمیده در
جامعه ما عرض انداد نماید.

میرهن صالحه نظام درمورد حقوق
و نهضت زنان در افغانستان چنین
گفت:

در افغانستان زن چادر نشین و
چادر پوش بود، نه تنها حقوق شمان
در خلر گرفته تمیشد بلکه با منحیت
یک موجود حقیر دیده میشد، اما
چهارده سال قبل از استقرار ار
جمهوریت و یا رژیم مردمی به اثر
توجهات رهبر ملی ما بنیاغلی محمد
داود رئیس دولت و صدراعظم
نهضت زنان بوجود آمد و با اینکار
حقوق و حیثیت طبقه زن اعاده شد و
زمینه را برای سهمگیری زنان منور
مساعد ساختند و زنان اکنون سهم
گیری فعالی را چه بحیث معلم و
مربی و چه بحیث مدیر و رئیس و
چه بحیث وکیل و داکتر پذوش گرفتند
ما یقین داریم که در آینده فعالیت
زنان که نیمه از نفوس کشور را
تشکیل میدهند در ساحات مختلف
کشور بیشتر گردد.

موصوف در مورد بر گزاری این
سال گفت:

سهم گیری موسسات از نظر
وظایف فرق میکند امامت اسلام موسسات

بیوسته به شماره گذشتہ

زن موجودیت سزاوار احترام و دادای توائی و قدرت آفرین و سهم گرفتن در تمام امور حیاتی و اجتماعی، البته این حق مسلم آنها است که بایست زنان یانیرو هندي فکری خوش درآمود زندگی سهیم شوند. واما جرا امروز در بسی از نقاط جهان و بخصوص در همکاری و اکشاف خلای محسوسی از نظر فعالیتی اجتماعی و سهم گرفتن در کارهای فکری بین زن وجود دارد؟ در سیر تاریخ بیشتر دیده شده که زنان کمتر در کار های فزیکی و جسمی حمده گرفته اند و این امر تا اندازه از فعالیت های اجتماعی آنها کاسته است. قسمدار اعصار شکوفان و ترقی علوم نیز زنان کمتر در کار های فزی و فکری سهیم میشوند و هم عوامل گونه گون دیگر نیز که بطور متداول در تاریخ ادامه داشته مانع در کارهای اجتماعی بوده است. ولی آن زنانیکه مغز شانرا با کارهای فکری عمیق بکار اند اختراع و محکم زده اند نتیجه بدست آورده اند که زنان به عن دست آورده مردان متفکر بوده اند. و امروز که زن در اجتماع جای برای خود باز کرده و موقف خاص و شایسته یافته بخصوص در کشور های متقدی، بطور واضح و روشن می بینم که قدرت کار و اثر آفرین و فعالیت های مختلف اجتماعی زنان همسان با مردان است.

از اینرو امروز در تمام جهان تلاش های جدی صورت میگرد نازنان موقف و حقوقی متساوی با مردان را دارا باشند. تجلیل سال ۱۹۷۵ بعثت سال بین المللی زن بیشترین شاهد مثال این مدعای بوده و بزرگترین اعتراف تاریخی است باین نکته که زن واقعاً موجود والا بزرگزیده است.

در فصله نامه سال بین المللی زنان در ملل متحده چنین تذکر رفته (برای سهیم گیری کامل زن در تمام مساعی اکنامی مخصوصاً با تأکید مسولیت زنان و نقش سهم آنها در اکشاف اقتصادی - اجتماعی و کلتوری به سوی های ملی منتفقوی و بین المللی مخصوصاً در انتاری دومن دهه اکشاف ملل متحد - برای درک اهمیت سهیم گیری روز افزون زنان در اکشاف همکاری و روابط دوستانه بین دول و استحکام صلح جهان)

با تجدیل سال ۱۹۷۵ عیسوی بعثت سال زن ادام ارزشمندی است که از طرف ملل متحده بودست گرفته شده و اینک در کشورها زان این اقدام اوجمند استقبال بعمل آمده و مامصاحبه عای خود را با زنان کشور در مورد این سال داده میدهیم.

دنباله مصاحبه های گذشتہ را که در شماره گذشتہ بنا بر تراکم مقامین از نش بازمانده بود اینک قسم اخیر آن با مصاحبه که با پرورن على مدیر کوچنایانیس بعمل آورده ایم خدمت خوانندگان اوجمند تقدیم مینمایم. رایپور از وسید اشتی

میرهن معصومه استاد لیسه ملالی صحی و تعالیمی تبیه و مورد تطبیق رهنمایی شوند. در این خصوص در خصوص ابتکارات و زارت اطلاعات قرار گیرد، مخصوصاً صراحته بحال وظیفه جوانان تعلیم یافته و قشر و کلتور در تجلیل از سال زنان تمجید آن عده زنانیکه در اطراف و اکناف منور طبقه نسوان سنتکین تر است مملکت ما به صنایع مختلفه دستی مشغول اند و لی امکانات میسر بودن حقوق و موقف زن در اطراف و اکناف نموده گفت:

سهم گرفتن ابتکارانه و زارت اطلاعات و کلتور در تجلیل از این سال به حکم اصل و ظیفه که مر جمع خدمات اطلاعاتی و کلتوری در کشور است. آمره جواز مطبوعاتی بپا سخ سوال دیگر گفت:

یکی از اهداف مهم اینکار اینست خصوصاً و زارت پلان، معارف و تا آنها نیکه بنا بر قدران تسهیلات اکشاف دهات و موسسه نسوان لازمه در خصوص تعلیمات متوجه در این راه بیش از همه نه تنها در ویا بخاطر رسم و رواج های معمولی تجلیل آن سهم بکیرند بلکه بروگرام مختلف از تعلیم و تربیه باز مانده های همه جانبی و عملی از طرف اند دو باره با تاسیس کورس های مقامات مسؤول خصوصاً در چوکات مختلف، تعلیمات شان تکمیل شده فعالیت های معارف و موسسه نسوان ویا در جهت احیاء نمودن یک زندگی در دهات و قراء با تدویر کنفرانس بهتر و عصری و معقول تشویق و ها و فرستادن هیئت های سیار،



زنان کشور مادر تقویه صنايع ملی نقش اساسی دارند
روندون

موجه درکشور ماطبقة نسوان در مکاتب
موسسه ملل متحد در تجلیل از این سال و بوهنجاها پیش از نهضت نسوان مصروف
پیشتر بر سه موضوع تاکید می شاید .
فقط در جار چوبه بعضی آژوهنش ها و موسسات
الف: مکتبه مساوات زن و مرد .
ب- سهم گیری زنان در تمام نسوان منحصر بود وهم چنان توافق نیست .
ساحات انسانی
نه توائند در میان کلمات سوزان عشق خود کلمه که بقدر «مادر» مقدس باشد بیان
ح: بحرانیت شناختن اهمیت و نفس زن در
آن و توجهات حکومت آنوقت در تامین این آرزو
زنان توائنتد عملاداری اجتماعی سهم شوند
دختران توائنتد با برادران شان مشترک شوند
بوهنجون ها و دیگر موسسات تعليمی شامل

عمواره امید های زندگی ، از جوش های احساسات برو مندان مایه میگیرد و این باشد .
مادرانند که آنان را تربیه میکنند .

دراسهای بزرین :
دراسهای بزرین که به یکدیگر زمزمه میکنند .

۱۹۷۵ اسال بین المللی زنان



بروین علی مدیره کوچنیانو

شوند و از امکانات تعليم و تربیه سکالر شب
های بورس عالی مالک دوست استفاده کرده و در
معاهع بین المللی اشتراک نهایت .

ولی متأسفانه دردهم اخیر اقدامات هتم
دیگری در این مورد و آماده ساختن ذهنیت عالی
در تمام افق اقتصادی برای پذیرش نهضت و مجادله

بارسم و رواجها و عندها که مانع سهم گیری
زنان در امور اجتماعی میشود بوجود نیامد از
اینرو این نهضت فقط در شهرها تهدید قدر
تعلیم یافته منحصر ماند و زنان دهات و قراء

از این نهضت محروم ماند .

گسترش و بیوجود آوردن گشودگستانها ،
پرورش گاهها ، بخاطر تربیه بهتر فرزندان
و امکانات تربیه مجهزتران برای هادران در فعالیت
های اجتماعی ، مساله ایست که در تعیین نهضت
زنان در کشور سهم ارزش دارد .

امید است دربرتو نظام مردم جمهوریت
در مساعده ساختن زینه برای تساوی حقوق زن

و حق بزرگ



از سالیاست که زنان افغان در مؤسسات علمی مصروف تحصیل اند در این عکس عده از محصلان
دارالمعلمین هرات در حین تحریر به علمی دیده میشوند .

و مرد توجهات لازمه بعمل آید و چنانچه در بتواند بانشر واسعه و تطبیق آن خدمات برآزند همگان با آن سرو کار دارد.

این هرگز گرام‌ها باید زنده ودارای روحیه قوی بوده و در آن سویه مسیت باید آمادگی کامل بگیرند، اما این آمادگی مخصوص شهر های نظر ساییکا لوجی باید بسیار عمیق باشد.

تشکیل کمیسیون برای از بین بردن رسم و رواج های یک امر ضروری است اما این کار باید از طریق اداره انکشاف دهات بعمل آید زیرا

انکشاف دهات بخوبی میتواند از عهده آن برآید تهایست در مورد پرسونل این اداره باید غور شود.

میرهن معصو ه استاد لیسه ملالی در اخیر یادآور شد، برآورده شدن این مامول یعنی بهتر شدن موقوفه زنان در اجتماع، بدون ازیک فعالیت سرتاسر

امکان پذیر نیست و گفت آرزوی این است تا موسسات مسؤول در بر تو رژیم جمهوریت مسؤولیت بزرگی که در برای زنان کشور دارند، در عین نمودن آن و سیع تر و بیشتر اندام نمایند.

همیرا حمیدی در اخیر از توجهات دولت جمهوری در پیشبرد موقوفه طبقه نسوان در کشور یادآور گردیده و آرزو نمود تا نسل آینده کشور در پرتو اقدامات مقید دو لیاز نگاه رشد ذهنی و مفکره زو شنید و بینه بار آید.



سیم گیری طبقه نسوان در امور اجتماعی کشور

زنندون

میرهن صالحه نظام در پا سخنوار زیرا رادیو یگانه وسیله است که

برای بزر گذاشت این سال تمام میرهن غریز ه آمره جوايز

موسسات باید آمادگی کامل بگیرند، اما این آمادگی مخصوص صالحه نظر ساییکا لوجی باید بسیار عمیق باشد.

در افغانستان اینکار از طریق گروپ‌های صحی آسان میشود واما باید در راست این گروپ‌ها و در عضویت آن اشخاص فعال، پاک و یا عاطفه باشد تا بتوانند قدرت

کنون زن افغان در هو مرحله که قرار دارد باید آنها در همان ساحه بیشتر بکار اندخته شود که فعلاً مصروف میباشند پاین کار فعالیت آنها سریع میگردد.

و شمنا د ریهلوی آن از نظر سواد زنان افغان باید تجهیز شوند، وقتیکه آنها با دانش و منور شدن اصطکاک فکری و تبادل نظریات و یا صحبت های بین ذات البینی هم

و اگر کمیسیو نی در مورد تأثیر مثبت در رشد فکری و ذهن آنها می گند.

کاریست که فقط از راه تبیه بروگرام های مقید و تنبیه آنها توسعه معلمین نسوان عملی شده میتواند.

به همین ترتیب، امید و ازیم در پر تو رژیم جمهوریت عموم طبقه نسوان بتوانند آنچه حقوق مسلم شان است بکف بیاورند.

باشد گفت در بین زنان افغان در تمام ولايات اشخا صن یافت میشود که از نظر سویه و علم و دانش قابل شدن از این اتفاقات میباشد.

تعريف اند.

و اگر کمیسیو نی در مورد شناسایی موقف زنان تا سیس آنها می گند.

کردد کاریست نیکو و مقید برای ولی باید از طریق پروگرام های رادیو این مساله جامه عمل بپوشد.

باشد که در تغییر موقف زن نقش هنفی دارد.

از جمله اقداماتیست که نه تنها وزارت اطلاعات وکتور بلکه همه موسسات میتواند سیم

موتر در بیرون شرایط زندگی زنان بگیرد.

بنابر همین اساس در چوکات وزارت اطلاعات و کلتور گمیته انسجام پروگرام کار در دورد تجلیل بپر از این سال تبیه گردد.

وزارت اطلاعات وکلتور وارگانهای مربوط به آن بانشر واسعه و تالیف کتاب های

تبیه و آموزنده که نهایتگر چهره واقع زن باشونش آثار ادبی، اجتماعی، در راه تبارز

استعداد های نهفته زنان و بانمایش گذاشتن فلم های مستند تعلیمی و تربیوی در دهات و قرا

برای مجادله علیه رسوم و عنعتات بی جا و کمر شکن که در تغییر موقف زن نقش هنفی دارد

از جمله اقداماتیست که نه تنها وزارت اطلاعات وکلتور بلکه همه موسسات میتواند سیم

موتر در بیرون شرایط زندگی زنان بگیرد.

بنابر همین اساس در چوکات وزارت اطلاعات و کلتور گمیته انسجام پروگرام کار در دورد تجلیل بپر از این سال تبیه گردد.

دولت نظریه ایجاب وضع مالی مملکت را یشگاه ها شیر خوار گاهاد کودکستان بنگلی و تیس دولت و صدراعظم در مورد موقف زن فرموده اند:

« دولت نظریه ایجاب وضع مالی مملکت درگذشت زن سیر تکاملی خود را بیمه ید.

بروین علی در مورد سیم گیری موسسات در تجلیل این سال گفت:

در قدم اول سیم وزارت عدلیه و موسسات

قضائی در تجدیل این سال مهمتر و ضرورتر به نظر میخورد. مطالعه و بررسی قوانین کمتر

کشور مادر و زن ناگذشت و بررسی خلاههای آن وهم صورت بپر تطبیق آن قوانین در اجتماع

کاریست که اقدامات لازمه بگاردارد.

در قدم دوم سیم موسسه نسوان بعیت یک کانون نهفته زنان درگذشت با اهمیت تر است

در اجمعه به اذکار و تکلیفات زنان بیشقدم و منور

در گسترش فعالیت های موسسه نسوان در قرا

و دهات تبیه و تدارک امکانات سیم گیری زنان در موسسات هنگامه از جمله اقدامات تیست که

باشد موسسه نسوان با آن توجه نماید.

بعد قدم سوم سیم وزارت اطلاعات وکلتور

بعیت یک ارگان تو بروی و کلتوری در تقویت اذهان مردم نقش عمدی دارد. در چوکات وزارت

اطلاعات وکلتور تشبیث رادیو در دورد گسترش

و فعالیت های اطلاعاتی و تقویتی بیشتر و مهمتر است.

جون اکتریت هردم خه و ص طبقه نسوان از سواد معروم اند بنا سیم رادیو پر اهمیت تر می باشد.

وزارت اطلاعات وکلتور وارگانهای مربوط

به آن بانشر واسعه و تالیف کتاب های

تبیه و آموزنده که نهایتگر چهره واقع

زن باشونش آثار ادبی، اجتماعی، در راه تبارز

استعداد های نهفته زنان و بانمایش گذاشتن

فلم های مستند تعلیمی و تربیوی در دهات و قرا

برای مجادله علیه رسوم و عنعتات بی جا و کمر

شکن که در تغییر موقف زن نقش هنفی دارد

از جمله اقداماتیست که نه تنها وزارت اطلاعات

وکلتور بلکه همه موسسات میتوانند سیم

موتر در بیرون شرایط زندگی زنان بگیرد.

بنابر همین اساس در چوکات وزارت اطلاعات

و کلتور گمیته انسجام پروگرام کار در دورد تجلیل بپر از این سال تبیه گردد.

صفحة ۲۸



ترجم الف صدیقی

موتو های شهری

کمپنی های موتور سازی جهان قوی ساخته شود . واژه همه سعی دارند تا ساختمان موتورها را میهمتر باید گاز مضر را در فضای اولید نظر به ایجادهای مدرن و نکند . این خواسته ها و تقاضا را موتور جدید و فرق داشتند ، معاشر سیاست نشان داده است که از اکثر موتورها در عای الکتریکی مرفوع تموده میتوانند تردد و گشت و گزار بین شهرها مدل های جدید آن شناسن موفقیت



بایسکل رانی در هالیند

* کشور هالیند با داشتن ۱۳ دکتوران هالیند عمر بایسکل سواران ملیون نفوس زیاد تر از هفت ملیون به مقایسه زندگی آنده یکه از بایسکل دارد . صرف در سال ۱۹۷۲ بایسکل استفاده نمیکنند پنج سال بیشتر است . علاقه مندان پیاده تعداد کسانیکه از بایسکل استفاده گردی در هالیند از حد وسط عمر میکنند در این کشور بیک ملیون ، باشند گان آنچه سه و نیم سال بیشتر افزایش نموده نظر به معلوم مات زندگی میکنند .

انتظار میرود که صادرات ملکس چار نفری که در نمایشگاه بین المللی در سال ۱۹۷۴ در جمهوریت فدرالی موتور در لندن به معرض نمایش گذاشته شد طول این موتور ۲۲۵ آلمان آغاز گردد . اما حجم انرژی بطری با حجم سانچی بود اینجیز فرانسوی موتور ارزی مواد سوخت مقایسه شده خود را « اور با نیکس » نامیده نمیتواند . بنا برین سازند گان موتور است طول این موتور ۲۱۵ سانچی متر های شهری انجن دیکری راجستجو و انجن آن زیر چوکی جابجا شده میکنند و موتور گاز در این حال مناسب تر حساب میشود مثلیکه میکرواتو بوس « شتیور دایملر-بوخ » که برای تردد در شهر تخصیص داده شده است و از اختراق گاز فعالیت میکند . این بس برای بیست سواری است . سرعت اعظمی موتور ۱۰۰ کیلومتر در ساعت میشود و زن خالص موتور ۶۰ کیلو گرام و وزن موتور با راننده وسواری آن ۸۵۰ کیلو گرام میشود سرعت اعظمی آن ۶۰ کیلو متر فرس ساعت و بعد رفتار بدون چارچ ۷۰ کیلو متر و امکان مضاعف شدن آن

هم پیشینی شده است . در نتیجه مقایسه « ملکس » با « فیات - ۱۲۵ پ. » معلوم گردید که فاصله هر کیلومتر آن نظر به فیات سی مرتبه ارزان تر است اما فیات بار زیاد تو و سرعت بیشتر دارد .

۱۰ نفر از آنها ایستاده) بسرعت تا چهل کیلو متر در ساعت کم در ایستگاه و تانک های بنزین شهر مناسب است، پیشینی گردیده میکشد و مصرف بنزین آن هم اندک است . وبالآخره دوین موتور شهری میشود به زودی شکل عمومی را در با انحنی پترولی معمولی « لینی سیما » شهرهای بزرگ بخود بگیرد .

برای حمل بارهای کم وزن در داخل شهر سرعت حد وسط آن چهل کیلومتر فی ساعت و بعد از یک چارچ ۱۳۰ کیلو متر باشد . در پولیند تولید موتور تیز رفتار بر قی (ملکس) آغاز گردیده است . قدرت انجن آن سه کیلو وات که از طریق بتري باطاقت آن ۳۶ و لست نغذيه میشود و زن خالص موتور ۶۰ کیلو گرام و وزن موتور با راننده وسواری آن ۸۵۰ کیلو گرام میشود سرعت اعظمی آن ۶۰ کیلو متر فرس ساعت و بعد رفتار بدون چارچ ۷۰ کیلو متر و امکان مضاعف شدن آن هم پیشینی شده است . در نتیجه مقایسه « ملکس » با « فیات - ۱۲۵ پ. » معلوم گردید که فاصله هر کیلومتر آن نظر به فیات سی مرتبه ارزان تر است اما فیات بار زیاد تو و سرعت بیشتر دارد .





ترجمه و تنظیم: دعا گوی

سنجدی کیست؟

هنر پیشه خوش قیافه که طرفدار
ابتکار و نوآوری است - او بعد از
یازده سال هنر پیشگی بالا خر

دانشمند



سنجی در فلم دهند
امور دایر کشن فلم را نیز خودش
متعبید شده است.

نقش اول این فلم را خود سنجی
ایفا میکند و همدوش وی زینت اعماق
پروین بابی، ونبی و بران نقش
های را بدoush گرفته است.

سنجدی سه برادر دیگر دارد که
فیروز خان در سال ۱۹۶۰ وارد مینما
شد و اولین فلم وی زمانه نام دارد
کرد. آن فلم «تازن کام تو دهله» دامی
ناحیه او گاهی بول هنگفت بدست فلم ظاهر شد که اولین فلم او
نم دارد. «گیومتی کناری» میباشد، اگر برادر
کوچک در سال ۱۹۷۳ دریک نقش
کوچک در فلم «انجان راهین» ظاهر
شده است که نقش عمدۀ او این
کوچک در سال ۱۹۷۲ داشت و از
دو قبلاً ازدواج نموده و فعلاً
دو قبلاً ازدواج نموده و فعلاً

سنجدی با وصف اینکه مقدار قابل
توجه از بول های خود را در آزادی
شروع شد از دستداده فلم را فیروز خان بدoush دارد.
او این فلمی که از سنجدی در مینما
باز هم در قبال هنر نمایی های
یازده ساله خود را بقدرتی بول بدست
های کابل نمایش داده شده فلم
آورده که اخیراً بحیث پرو دیو سر
«دلی نی بکار» است که ششی کبور
بحیث سائید هیزو و را جشیری
بحیث هیزو یعنی در آن فلم حصه
گرفته اند.

سنجدی در طول این یازده سال
در بیشتر از سی و هشت فلم شرکت

نموده که از فلم های مشهور
پشیا انجلی = میله = ابا سنا =
دهنگ = دهند و ابیلا شا رامیتوان
یاد کرد.

در مورد سنجی اغلب ستار گان
سینمای هند نظر نیکی نداشته و به
صورت عمومی عقیده بر این است
که او جوان تند خوی، از خود راضی
مغفور و بد دماغ است که این نسبت
ها را ناشی از ناز دانگی های ایام
کودکی و طفولیت او میدانند.

اما آنانیکی باوی معاشرت فزدیک
دارند تما این گفته ها را در مورد
او تردید نموده علاوه می کنند که
سنجدی جوان خلیق، مهربان و صاحب
احساسات نهایت شسته و پاک بوده
و بقدرتی خوش صحبت است که از
صحبت او شنوونده هیچگونه خستگی
احساس نمیکند.

و شما خوانند گان محترم ابرازات
خردو دسته را که ممکن به خوش
بین و بد بینی هاست جدی نگیرید.
ژوندون

است و لی قبلاً از این فلم او دریک سخت اسپ دوانی بوده و در حال
فیلم دیگر نقش کوچکی را ایفا کرده حاضر اسپ های نهایت ورزیده دارد
که باید آن فلم را فلم اول سنجدی قبول کرد. آن فلم «تازن کام تو دهله» دامی
ناز دانه ترین فرزند آن فا میل
بشماد میاید.

وی پس از ختم تحصیلات و قرنی
موفقیت فیروز خان برا درش را در
بازی های سینمایی دید تصمیم گرفت
او هم بروی پرده فلم ظاهر شود و
برای خود مسلک هنر پیشگی را
انتخاب نماید روی این اراده بگویم
و همکاری نزدیک فیروز خان که عده
از پرو دیو سر های معروف بصیری
را میشناخت وارد حلقة سینما شد
و برای اولین بار بحیث هیزو در سال
۱۹۶۳ در فلم «دوستی» نقشی را
ایفا کرد که مردم از آن سخت استقبال
کردند. چنانچه بعد از هفته سوم
نمایش فلم «دوستی» بیشتر از هشت
قرار داد نقش های اول به سنجدی
پیشنهاد شد.

«سنجدی» تا حد ودی در فلم
«دوستی» و بعداً با ظهورش در فلم
های «دس لاکه و دل نی یکارا»
موفقیت و شهرت خواستنی خود
نایل آمد.

«سنجدی» که در حال حاضر سی
و چهار سال دارد از ردیف هنر -
بیشگانیست که از مکتب دلیل کمار
بیرون میکند و با وصف اینکه یازده
سال از عمر هنر پیشگی او میگذرد
بقدرتی در حرفة و مسلک خود جلو
رفته و ترقی نموده که امروز از جمله
ستار گان دست اول محسوب میشود.
ناظران در مورد سنجدی اظهار
عقیده کرده اند که «سنجدی» اولین
فلمی را که در آن بعنوان هیزو ظاهر
شده است «دوستی» وانمود کرده
پیشنهاد شد.

«سنجدی» تا حد ودی در فلم
«دوستی» و بعداً با ظهورش در فلم
های «دس لاکه و دل نی یکارا»
موفقیت و شهرت خواستنی خود
نایل آمد.

«سنجدی» که در حال حاضر سی
و چهار سال دارد از ردیف هنر -
بیشگانیست که از مکتب دلیل کمار
بیرون میکند و با وصف اینکه یازده
سال از عمر هنر پیشگی او میگذرد
بقدرتی در حرفة و مسلک خود جلو
رفته و ترقی نموده که امروز از جمله
ستار گان دست اول محسوب میشود.
ناظران در مورد سنجدی اظهار
عقیده کرده اند که «سنجدی» اولین
فلمی را که در آن بعنوان هیزو ظاهر
شده است «دوستی» وانمود کرده
پیشنهاد شد.

عکس صحنه ای از فلم «چاندی سونا» را نشان میدهد که پس از شخصی
سنجدی تبیه گردیده است



عکس صحنه ای از فلم «چاندی سونا» را نشان میدهد که پس از شخصی
سنجدی تبیه گردیده است

امتحان حیات

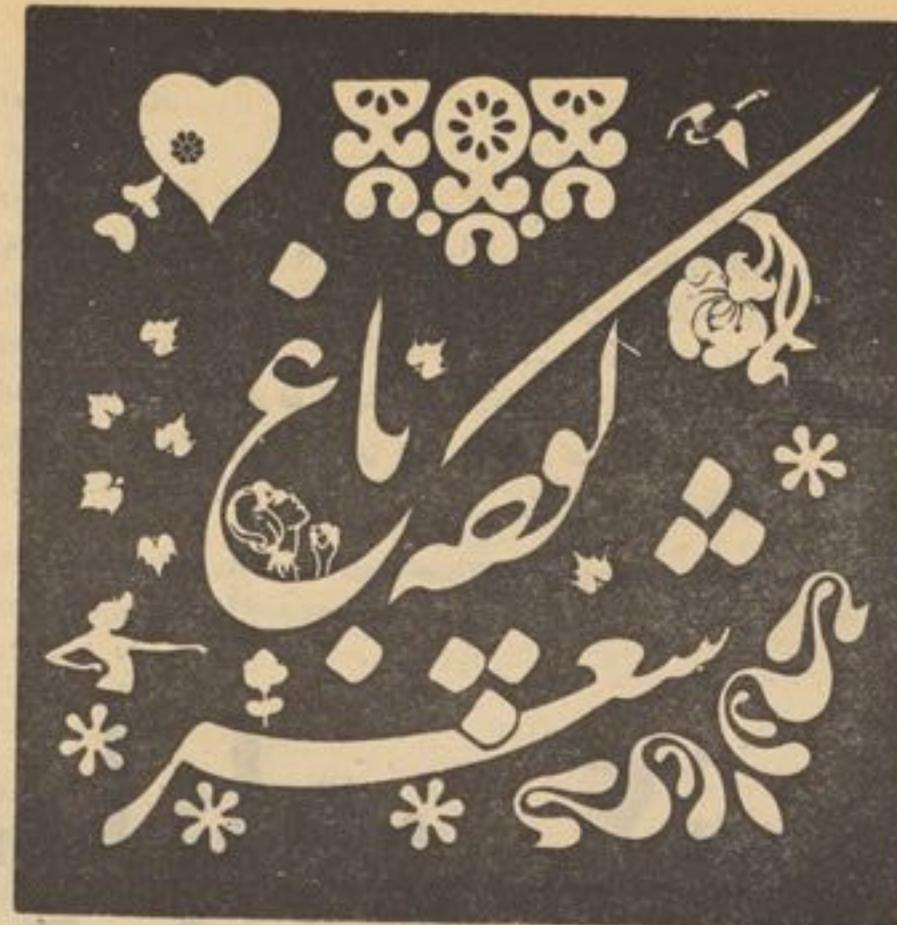
لطفای سینه نفس گشت آشیان دیگر
که غرغ دل دهد آزار سر فغان دگر

بامتحان حیات انقدر خجل ماند
که غرغ نیز نیامد بامتحان دگر

حریم کوی خرابات عشق باد آباد
که ما سراغ نداریم آستان دگر

زسوز سینه شمعیت حال ماروشن
چالازم است درین بزم ترجمان دگر

جهان اگرچه بمن حقشدندارم غم
خیال یاروگر بیان وصد جهان دگر
«استاد خلیلی»



گردن آزاده

قیدهست نیست مانع خاطر آزاده را
در دل هیتا برون گردیست رنگ باده را
خواهنا کانرا نمیباشد تمیز روزوش
ظللم و نور است یکسان تن بغلت داده را
تاتوانی مشق دردی کن که در دیوان عشق
نیست خطی جز در یعن نامه های ساده را
همجو گوهر سپهه یکدانه دل جمیع کن
چند چون کف برسر آب الگنی سجاده را
نیست سر وا بی بری همنون احسان بهار
بار منت خم نسازد گردن آزاده را
آب در هر سر زمین دارد جدا خاصیتی
نشه باشد مختلف در هر طبیعت باده را
اشک یاس آلوده بود از دیده بیرون در یختیم
خاک برسر گردم این طفل ندامت زاده را
هر کجا عبرت سواد خاک روشن میکند
خجلت کور نیست چشم از نقش پانکشاده را
«بیدل» از تسلیم، هامم صیدلها گردیده ایم
نسبتی بازلف میباشد سر استاده را
«بیدل»

جنون آشکار

تراب در سرم و دوست در گنار منست بسیار باده که امروز روز گار منست
خدای داند و من دانم ونداند کس که عشق کار من و می کشی شعار منست
بجسم من تو ساقی که امشب این دلست چو ارزوی تو بیرون زاختیار منست
یاله رازگف از میشم نه هشیاریست که مرگ منظر نوبت خسما منست
چو گل نشته در آتش گذاشت عمر مرا در انتظار خزانی که نو بیارهشت
اگر چه بر عمه عالم نیفته میگریم
رهین خنده خویشم که پرده دار هشت
دیز واکه

شگوفه نور

برگ روز نوا هیکنده پرنده شب
ولی غروب غم انگیز بی ترانه من
بهر بهار گل ولایه میسر شد بچمن
کویر خشک سینه بخت جاودانه من
بهر سبیده شگوفان شود شگوفه نور
ستخ قلب سیه یوش این زمانه من
دگر ذکر قفس نشونی تو ناله من
بس شکستن ناموس آشیانه من
(بیرنگ)

تو مر و

التاب و فلک

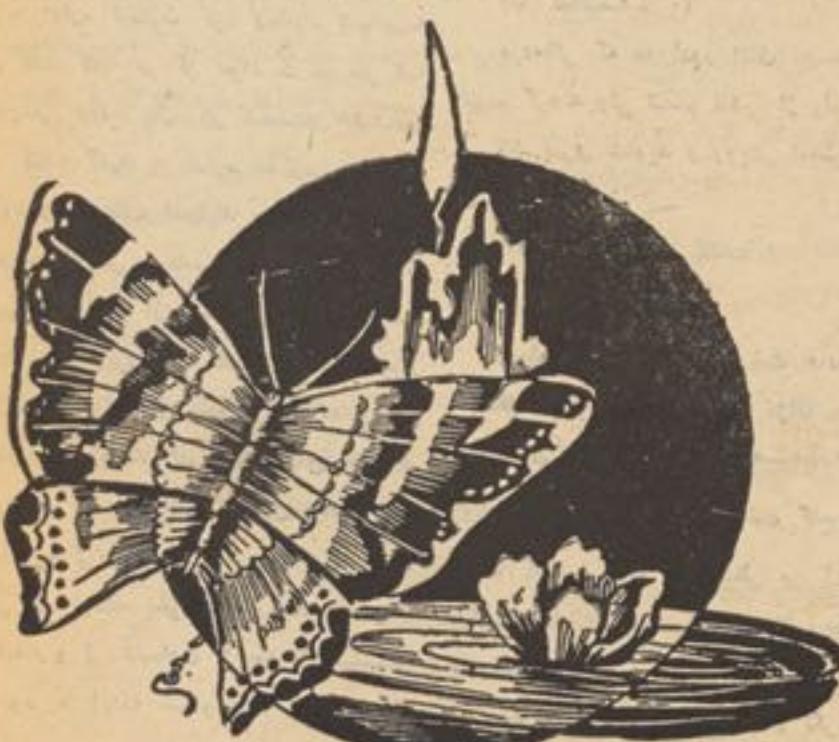
اندر گنف سایه توست ،
میرود این فلک واختن تابان ،
تو مر و :

دست طویل دل من

بدرازای اید ،
برنوشه تو سرش ،
ناشوی پایان :
(تو مر و !)
(موتوی)

پر گ گ

در یای گلی دامن میناست بدمستم
هر سبزه بر قص است در آقوش نسیمی
چون برش گلی زان دوکف پاست بدمستم
در گلشن دل مرخ هوسپا است بدمستم
از هر که لذت خاصی است نهیم گلشکست گنان دست تمایش است بدمستم
اعشب که متن «واله» از غرق تئم
یکدسته گل از گلشن فرداست بدمستم



بجز این واقعیت تلحیح که مسلوی حامله دار
بود (جزوی پایش شکسته، و مادرش آنها را
از اخوانه بیرون گشته و آنان از فرود قیاد به
توانخانه شهر پنهان نمی‌پرسند هرچیه در
سری نداشتند، که از اکثر آنان همیشه مسی
می‌گردند چنان بظاهراند که هیچ مشکل
نمایند.

مسیلوی روز نشانی همچند ساله و جزو

گیلانی ازد، ساله بود.

آنچه فرازگرانی داشتند بخوبی برو و گلین بیوار

بهم آشنا شدند. و بعد بخوبی باش نصت و یکم

بین خانه اول خود درست چارچیک چوند کی

می‌گردند ازداج نسوزند. کار ماده ۱۰۰

درست.

بجز همان دریک بار والع محله ایست

ساید پیش خدمت بود، ولی پایش در بازی

شکسته و مجبور بود ناسیلوی را با شودگرفته

و بازدارش دیوار را کوچک در ایوان اسماهه ای

شان نمکی گردند.

آنها به اتفاق سالون روی کوچی کشیده

شکل پستار تبدیل می‌شد شواب مکمله در

آنها چیزی پادی که داشت این بود که مادری بود

ناتصف های شب و هن ۲ کامیج

نلوزی یون و ایشانها میگردند بودست داشت که

برای نشانی نلوزی یون روی همان کوچ

پشتند.

آنها همه کشته بخاطر این سرگفت با مادر

چنگل داشتند و لذیغی این گفتگو ها آن نه

که مادر جر ایان را از ایارشانش بیرون

داند و آخرين گلکشان این بود که دیگر افسر

نیست آن را بخلاف اش راه بیند.

میروید سیلوی بین اتفاق هر چیزی دید و من هم

نم از شما را من شکنید و من هم

نم از شما را من شکنید.

نم دویش داشتند و گفت:

(جای شترم نیست)

جو درحالیکه طول ایان را بود من کشیدم

گفت:

(ما گلکشیم)

مردمانی که دور دور ایان را نیسته بر دند

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره شد و لذیغی داشتند ای ای و مادر

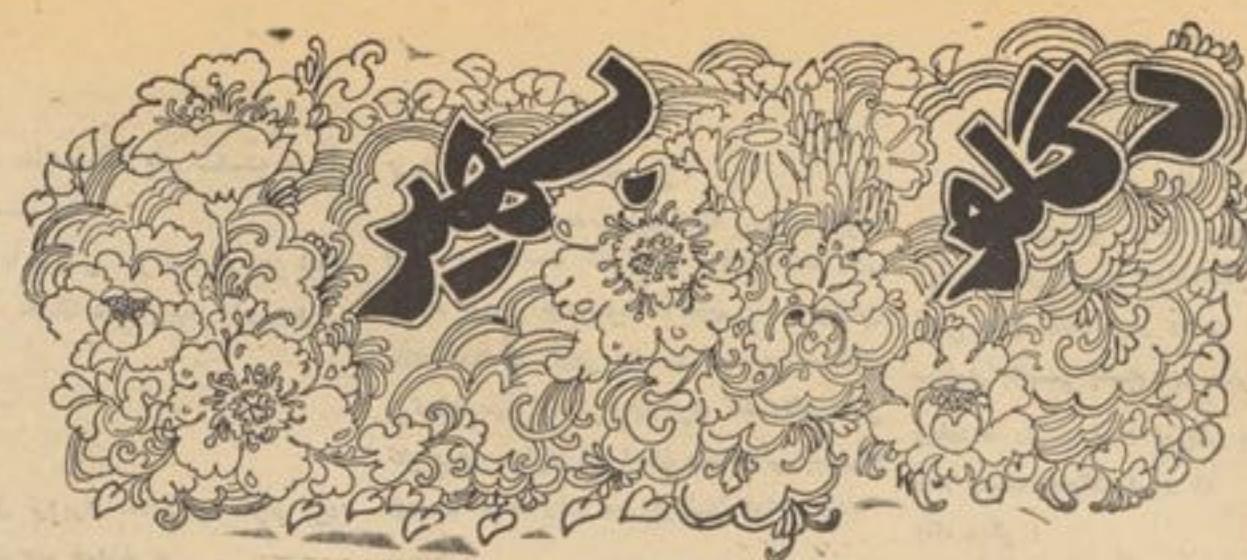
نیست که بخوبی خواسته ای ای و سوزی.

نم دیگر خاندید و دیگر را بطری داشتند

پاره ش

جمهوری بیرغ ته

داووس دارزوگانو می سپاشه
دوطن دستبل دگل هسکاشه
اید خوانو افغانو ارادو نخپس
په فضائی په ریشه، په گواشه
اجمل خپاک



متصدی نام:

لرگونی ادب:

زما یار شه!

ولی هومره درته وايد چي می یار شه
باری یوخله یه مهر راکتار شه
پرینه چی ستا خاطر یعنی آزادپری
چی به هیان ددو مینو جدایی که
دوصال شبه دشپ قدرده «اناره»
پرده شبه چی اووه نشی بیدارشه!
(انار، ددور لسمی پیری شاعر)

دنگی تصور

تفاضی می دنگی دیدوکوکی شس
چی را یاد می تصور ستا دنگی شی
زماء غوندی یه یه ذه بولی یولی شی
لکه پورتچی لمنوبه یوکلی شی
کله کله اسویل کله سلکی شی
خودبه ستا غوندی هیشه دارته خیزی
چی به زوندی راخودی تودی گوشی شی
(همیش خلیل)

پی محبوه رانه و گوری هسکی شس
زماهیره شی سیزیمی دخوار لسمی
خرک چی ستا دخواهش دموهی دلبری!
ستاکجه کجه شوانی ته چی زه گورم
اوی دیار دومالونو تنهایی کی
کله کله اسویل کله سلکی شی
خودبه ستا غوندی هیشه دارته خیزی
چی به زوندی راخودی تودی گوشی شی

اوستن ادب:

ادبی آویه:

ماهیروه کره!

ستاد خانی یه کله دالم خیر میلاپ ملکه
شی به خراب ملکه!
ستاد خانی کله بر باد وینه
دغربیانو گور آباد وینه
لبه خیتی وایه په فریاد وینه
ستاکله خیال و، چی بدراشن انقلاب ملکه!
شی به خراب ملکه!
تراکله خیال یه غربیانو گپتو
ظلم دی تل یه مظلومانو گپتو
خنکه ستم دی په خوارانو گپتو
اوی راشهور دی که داتول حساب کتاب ملکه!
شی به خراب ملکه!
اوی راشه و گوره داحمال پچله
خان تهدی پیش کپو داجنجال بچله
پیکل شوی اختر پدنه چال بچله
دچبلو کپوله لاسه ته شوی په غذاب ملکه!
شی به خراب ملکه!
دچبلو کپو دی هیع علاج نشته
زمونه تاته هیع اختجاج نشته
شکر یه موئنه دی خراج نشته
تمخواخه گپوی چی خراب دی شه نواب ملکه!
شی به خراب!
فلندو هونهند

الدیشمنی تلوسی می خوردی بیا

تیری هیری خاطری را یادوی بیا

زهی هسی دهیش بیوسی می

بیا درینی زخی نیه ته هایوسی می

بیا په نیه هی دشق سری لمیں بلیزی

بریش سوی دلمونو تازه کیزی

بیا زخونه دخیگر وهی خیر یکنی

تیر یادوته یکنیش باسی دلم لیکنی

بیامی هیلی دزوندون غمونه زایی

راسپیه می دفعوح شوی نیگی توایی

بیامی لک داهید پهسر گلنو

یوسوپ باد دار هانونو حسرت سوتو

بایاموگی می ورو ورو اویشکی دنوبیزی

بیآشتا غوندی تصویر یکنیش خلیزی

وینم بیاد خیال آلیمه کی بانه وو وغی

تیره غشی می نیه له غو بشو وغی

دکتور مجاور احمد زیاره

اللاردن میکنایک



اللاردن میکنایک

متو جم: نیرو هند

قسمت دوم

نو شته از: نور ما شیر

قر بانی در معبد

یک مرد، دا رای افتخار را توالتاً
اکادمیک، این دوش را هنرا سب
تلقی نکنید. اما من میبا نیست
بساد کی همسر را تعقیب کرد
بدنبالش می رفتم و سه مر تبه دیسم
که همسر ش پسیار پیر تر یا شد.
شناس از نظرم نا پدید شد.
اما به چه دلیل با ستانشناس

تصویم می گیرد همسر شما را به
قتل بر ساند؟
برو فیسر با لحن تمخر آمینی
پاسخ میدهد: برای چه؟ غالباً کدام
زن دیگر را پیدا کرده است و همسر
من سد را هش میشد. این با ستان
شناش مرد محیلی است. جدا می
خواهم توجه شمارا به این نکته
جلب بدارم که با ستان شنا س
دارای روح خوبی می باشد.

فاکنر دست خود را در چیز
بالا پوش فرو برد. کارد را بیرون
آورد.

چرمیچل با صدای تیز فریاد زد:
قتل توسط همین کارد صورت
گرفته است؟ این کارد متعلق بخود او
می باشد، آری، این کارد کاوشن
دونات است! مدتی زیادی ازان تاریخ
نمی گذرد که یک روز همین کارد را
بما نشان داده بود. این کارد د لیل
کافی برای محکومیت او بشمار
می رود. حقیقت ندارد؟

فاکنر وعده کرد: ما در اسرع
وقت این مو ضوع را معلوم میکنیم.

در راه رفتن به لندن فاکنر جریان
را با هوگ بریدی معاون خود مطرح
کرد. هر باری که سر جنت بولیس
از شنیدن ما جرا به هیجان می آمد
پرسش و شیر تش بود، با لا خره حقیقت و فق نیمداد. فلیسیتی دروغ
حقایق را فاش ساخت همسر قابل میگفت. دیروز عین عملش را تکرار
کرد. شاید شما مرا نسبت به این
یک روح طیف و شیرین چنانچه رفتار ملامت کند یا اقل این کار را
همیشه به شغلش طوری می اندیشید
دکتر ویرا بهمین صفت یاد میکرد. شایسته مردی به مو قف من ندانید.

مجلات مسلکی بفرو شد او مرد
میانه قدم بود و سر ش را به پشت
گردش چسبا نده بود تا صورت
به آنجا آمده بود، تا در هر معدش تون
رئیس پو لیس را پتو ند پیشتر
بینند. طوری معلوم میشد که نسبت
که در نجوم دیبلوم دو لقی داشت،
دکتر چر میچل اضافه کرد: درین پروژه با او همکاری میکرد.
اورا کشته اند؟ شما مطمئنید که او
بولیس اظهار داشت: ابتدا با ورم
به قتل رسیده است؟

فاکنر پاسخ داد میتر سم که
بکویم بلی. پیشتر است شما خود
بود همین بار اول است که او را می
شناسد و روابطش با این با ستان
شنا حاصل خواهد شد.

وقتی فاکنر پرو فیسر متقد عد را
در مرده خانه رهنمازی کرده، جسد
همسرش را به روی تذکره به ای و
نشان داد. دیگر تردیدی پاقی نماند
کریه راه گلوی پرو فیسر را گرفت
و فاکنر او را سر انجام با مو تر خود
به منزلش گز داند و در آنجا یک
کیلاس مشروب کنیاک بر ایشان
برای تجدید دیدار ویک اخترا ع
ریخت رئیس پو لیس اظهار داشت
داد: شاید آنها با این کاریه نتیجه
نمی رسیدند. اما آنچه را می
پسانتر در یافتم، پسیار و اضطر
آنکار بود. آقای انسپکتور ای
چر میچل زیرلب زمزمه کرد:
او، بلی. چکو نه توا نسته نسبت
بعن بچین کاری دست بزنند.
درز مانی که فلیسیتی هنوز زنده
این رفتارش و حشتناک بود.

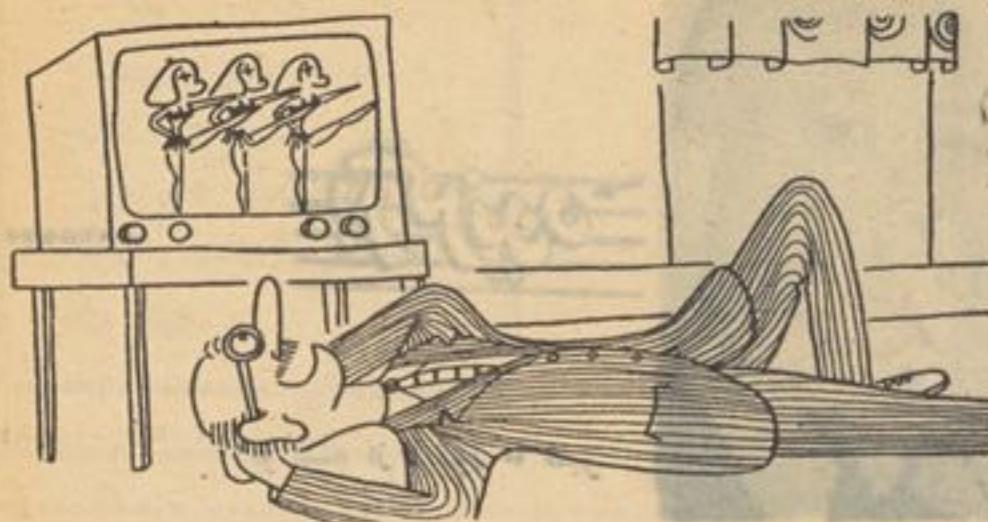
فاکنر پر سید: شما این مطلب را
حال اکنون دیگر او را برای همیش
از دست داده ام و برای من باز
برو فیسر در جواب گفت: او به

لندن می رفت و یعنی در باره علت
نحو اهد گشت.
فاکنر چر میچل که به فکر حفظ
رفتار نو ضیحاتی میداد که با
حیثیت و شیر تش بود، با لا خره حقیقت و فق نیمداد. فلیسیتی دروغ
حقایق را فاش ساخت همسر قابل میگفت. دیروز عین عملش را تکرار
کرد. شاید شما مرا نسبت به این
یک روح طیف و شیرین چنانچه رفتار ملامت کند یا اقل این کار را
همیشه به شغلش طوری می اندیشید
دکتر ویرا بهمین صفت یاد میکرد. شایسته مردی به مو قف من ندانید.

فاکنر به سرعت از آنجا دو د
شد و از سطح حلقه از سنگها می
سلیتی و لو جه های بالای قبر ها
و یاهرچه پس از مرور چهار ساعت
سنای درین حلقه باقی مانده بود،
قسم زنان عبور کرد. سپس به طرف
خیابانی که مو تر ش را پارک کرده
بود، روان شد.

دکتر الکساندر چر میچل،
برو فیسر در ریاضیات بود و در
حال تقاد عد بسرمه بود. چشمهاش
از زیر مژه های غلو غم آلود و
عصیبی جلوه مینمود. و قنی فاکنر
خبر غم انگیز کشته شدن همسرش
را به اطلاع او رساند، صورت
بروفیسر مانند ما سکی در آمد که
تفیر افسرگی واندوه فوراً ازان
خوانده شد. آندو در اتاق کو چک
نشیمن خود پرو فیسر نشستند
یادداشت ها و کتابهای باز در
اطراف چر میچل به روی میز و
چوکی ها و حتی به روی زمین
برآکنده افتیده بود. به روی بعضی
اوراق و نیشته ها یک طبقه نازک
از گرد و خاک وجود داشت. چند
بوته زینتی در اتاق گذاشته بودند
که بر گهای زرد و پرمرده آن
از آنها آویزان بود. رویه اکثر موبایل
فرسوده و سو راخ سو راخ بنظر
فاکنر آمد. زن مقتوله با در نظر
گرفتن وضع اتاق نمی توانست یک
زن منظم خانه دار بشمار رود.

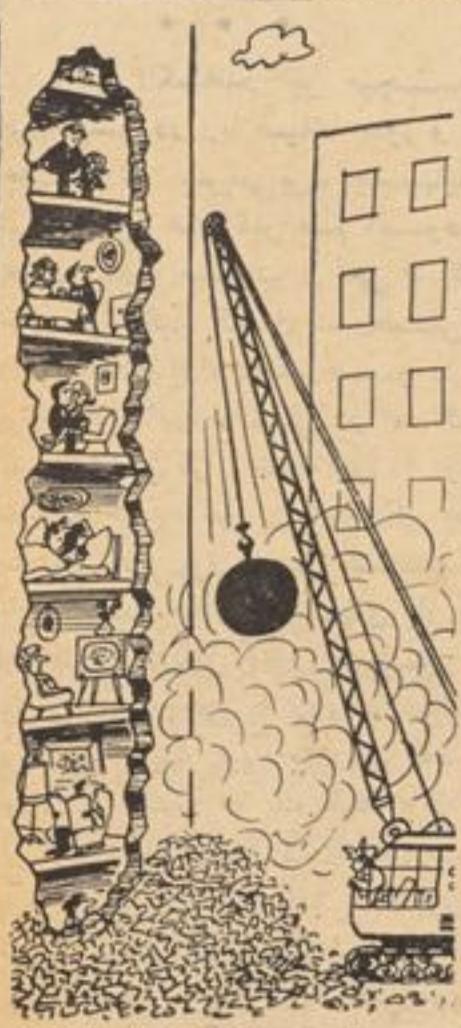
دکتر چر میچل با صدای نازکی
درباره سوال کرد: فلیسیتی مرد
دکتر چر میچل در دوران تقاد
سر گرم معضلات ریاضی اسا تیری
وزمنی شخصی اش بود و تلاش
میکرد نتایج حاصله از مطالعات
علمی و تحقیقاتش را به جاید و



برون شرح

بدون طفل زندگی بکلی شکل دیگری بسته بندی گردد. همینکه او را دارد هیچ تکلیفی، هیچ درد سری، روی تذکره اندختن و بطرف و هیچ ترسی وجود ندارد. اتاق عملیات می بردند شنیده من خانم اولی از پرگونی او پستوه شد که خانم دومی زیر لب غمغم کنان آمده بود و ریزه کاری های زندگی می گفت: سردم چه خوشبختیه! حالا میرود خصوصی خانم دومی او را بکلی گیج تا با مردم نوی آشنا شود، ولی کرده بود.

- این چه زندگی ایست که من من بدبخت در همین اتاق افتیندها که افتینده ام ...



دارم، به کجا شکایت کنم، اهارمان بزرگی که من دارم همه از اشیاء زیقیمت پر است. آیا درین عصر ممکن است خدمتکار صادق و راستکار سراغ نمود؟ یکی هوش پرک و بی سر رشته، دیگری دزد و فربیکار. فقط و فقط همین باقی می ماند که انسان تمام اشیاء و لوازم منزل را یکسر بشکند و یا دور بیندازد خوب شما خود قضاؤت کنید سه دانه قاشق چای خوری نقره نی مرا از بین یک سرویس مکمل بیست و چهار نفری آن دزدیدند. سه دانه قاشق در حقیقت تمام سرویس چای خوری هیچ! و شما اموال قیمت بهای تانرا کجا نگهداری می کنید؟... خو شما اموال ذیقیمت ندارید؟

- شما خوشبختید، واقعاً بهتر آنست که انسان هیچ چیزی نداشته باشد.

تمام زندگیات را وقف این کن که لوازم منزل را نگهداری کنی و همواره درمورد آن فکر کنی بالاخره انسان حق دارد یک کمی دد پاره خود هم فکر کند و به سرو پر خود رسیدگی نماید، زندگی من همواره در تلاطم است و همیشه در هیجان و اضطراب بسر می برم ...

در همین زودی ها دانسته شد که یاری خانم اولی را درست نبسته اند و کچ جوش خورده لازمست تا دوباره پایش شکستانده شود و از تو



ترجم: ژرف بین

از مجله کاریکا دبل

حسرت

همینکه او پیوشن آمد، خانمی که میکند او نیز به تقلید تکرار می کنار بستر وی بستر بود گفت: نماید.

- شما خوشبخت بخورد با نمی آمد، این موضوع را خانم دومی صیجو تصادمی و فقط با شکستن یک میتوچه شد:

- شما خو شبختید. مرد ها برای ما فقط هنگامه جوئی میکنند و صفحه روز گار باقی نمی ماند. آیا شما خود این خانم که چند پست در شفاخانه تحت تداوی قرار دارد. در سرمه روز های عیادتش شوهر وی مپایدو آنقدر گل با خود میاورد و روی او طفل دارید؟

شما اولی نخواست راجع به اطفال حتی سخنی هم بزیان بیاورد، هیچ چی نکفت فقط کمی سرش را تکان داد.

من پاشید که همه تعجب میکند در روز های دیگر یک شخص دیگری می آید و همان کاری را که شوهر ش آه از سینه برون میکرد ادامه داد.



بدون شرح

صفحه ۳۶



بدون شرح

ژوندون

سیلی پدر افه

بیتر با صدای بلند میگریست .
مادرش بوسیده :
- چرا گریه میکنی ؟
بیتر در حالیکه صدای گریه اش
بلند تر شده بود ، گفت :
- پدرم میخ را بدبوار میکوبید و
چکش خطا خورد و انگشتش را فگار
کرد ...
مادر با مهربانی گفت :
- اینکه گریه ندارد ، تو باید
میخندیدی .
بیتر با لحن گریه آسود گفت :
- منهم خندیدم ، ولی ...

هیجان

- از لطف شما تشکر . غذای
پر کیفی بودا ...

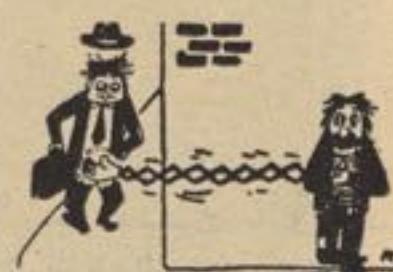


عادت

پدر - چه میکنی فریتس ؟ آبا
تو همیشه باید انگشت به بینی خود
و دیگران کنی ؟



گدای عصری



» بدون شرح

کتاب و شفاخانه

سوژی با سرعت سر سام آوری گذاشت و رعنوی را زیر گرفت .
وقتیکه پو لیس ترافیک اسم او را یاد داشت کرد و علت تصادم را
جویا شد . سوزی با تبصر گفت :
- خیلی برایم عجیب است که علت تصادم چه بوده ؟ من با آنچه
که راجع به دریوری میدانم ، میتوانم یک کتاب بزرگ را پر بسازم .
بو لیس ترافیک اظهار گردید :
- درست است ، ولی با آنچه که راجع به دریوری نمیدانید ،
میتوانید یک شفاخانه بزرگ را پر بسازید .

وقتیکه زنان شوق در دیوری میکنند!



انتظار

خانم پشوهر :
- اگر تصادفاً موتو را تصادم
کند ، اطمینان داری جورج که
شرکت بجهه برای مایل موتو نو مسترد کند !
میخرد ؟



همه خو نسوزد

به « اریش » اطلاع دادند که خانم در غیاب وی با یک تن از
سرایند گان جوان سروسری دارد . وی پر افروخته بمنزل آمد و خانم را
دید که روی کوچ لمیده ، با آرامش تمام مجله میخواند .

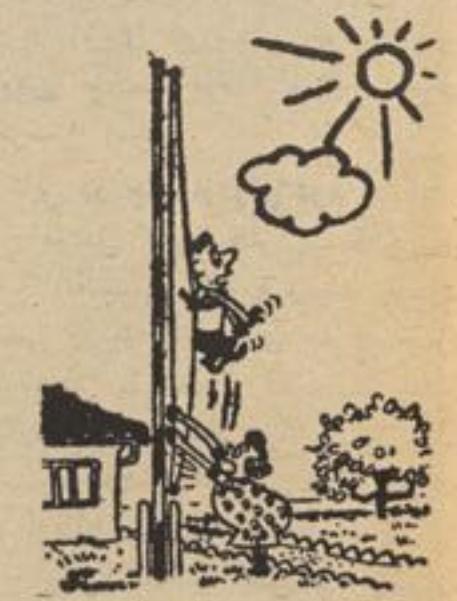
اریش فریاد گشید :
- بکو با کدام سک ارتباط عاشقانه داری ؟
خانم بدون آنکه از مطالعه دست بکشد ، گفت :
- با تو ...

اریش با صدای بلند تر گفت :
- من همه چیز را میدانم .

خانم سکرت خود را روی خاکستردانی گذاشت و گفت :
- اگر واقعاً همه چیز را میدانی پس بکو : اسم مکمل یکی از شاخه
های دریای راین چیست که با « آ » آغاز میشود و با « ان » ختم ؟

از روی نسخه

طبیب!



اطفال امروز

- نول بزن .. دلم یک گدی گلک
نو شده .
- وقتیکه تو نول زدی ، من گریه
میکنم و ما درم برای من یک گدی
جدید میخرد .



مادر - داکتر صاحب گفته بود که
بعد از استحمام ترا بزیر شعاع
آفتاب خشک کنم . دیگر بهتر اس
صدایته نکشی !

مترجم: هدی دعاقوی

ستار گان



کاندیس برگن ستاره که میخواهد
زور نالیت شود.

حاصل میشود که «برگن» برای حصول شغل خبر نکاری تلاش های فراوانی نموده بود و این مسلك رؤیا کهنه «برگن» محسوب می شود واز اینکه زمینه مساعدی پیش آمده که او رؤیای خواستنی خود را در آغوش میکشد فوق العاده مشعوف و خرسند است.

کاین در جال ازدواج دوم : «میشنل کاین» هنر پیشه چهل ساله انگلیسی که معروفیت بین-المللی را با بازی های هنری خود در سینما بدست آورده است بعداز چهارده سال زندگی با «پاتریسا-هانیس» بالاخره جدا شد و اورا رسما طلاق داد.

«پاتریسا» که خودش از ستاره های بنام زنده در سینمای انگلستان پیشمار میاید از کاین یک دختر سیزده ساله هم دارد در خصوص این جدائی کدام ابراز نظر بخصوص نداشت و گفته است اینکار را بخاطر خوشی «کاین» قبول نموده است.

روت ماریا

را نیز در فلم ها بازی کرده تصمیم گرفته هرچه زود تر حرفة خود را تغییر دهد و از جهان فلم و سینما بجواب یک سوال گفته است باظهور یک قلم خودش را کنار بکشد.

«کاندیس برگن» که آخرین مشعوقه «ستا تور بوب کنیدی» بود را بردۀ فلم گذشته از اینکه خودش میکند یکی از آرزو های دیرینه خود شغل آینده خود را که بدان منتهمک را نیز بر آورده میخواند و یقین خواهد شد خبر نکاری خوانده است دارد در هنر پیشکی هم بتو فقیت از اینرو فریدا در مورد توضیح داده گفته است «روزی که ماهیان میاید» های نایل خواهد آمد.

آخرین فلم او در جهان سینما خواهد

ستاره سینما و خبر نکاری بود.

کاندیس برگن ستاره مشهور و بود.

سر انجام این توجه عمیق نتیجه بار

بنا م رسیده هالیوود که تازه بیست

از خلال نشرات بزرگترین مجلات

آورد که «مارین» با چست دوم خود

وهفت بهار عمر را پشت سرگذاشته امریکائی که در این مورد سلسه از جهان مود بسوی سینما کشیده است و بزرگترین نقش های ارزشی بچاپ رسانیده است این حقیقت

مودل موفق هنر پیشه موفق شود چه «جان هستون» با اویک ساله انگلیسی که او را صاحب است که برویت آن «ما رین» مکلف زیبائی خیره کننده می گویند گذشته است در ۲۲ پارچه فلم تلویزیونی از اینکه یک مودل فوق العاده بخاطر علاوه اتا «مارین» دریک فلم بزرگ انگلیسی نیز شرکت میکند که این فلم بشمول فلم های تلویزیونی در هسپانیا و روم تولیه و فلمبر داری خواهد شد. این مودل خوشگل

از اینکه یک مودل فرم العاده بخاطر زیبائی و اندام کشیده و موزون خود

بحساب میرود. چون ارتباط نزدیک فا میلی به ملکه انگلستان دارد این

موضوع هم بمحبوبیت و شهرت او افزوده است.

این دو شیزه صاحب مو های نیمه

طلائی و چشمان میشی بوده و تبسیم

کیراثی دارد که هر بیننده را در تکاه اول تسخیر میکند، چنانچه وقتی

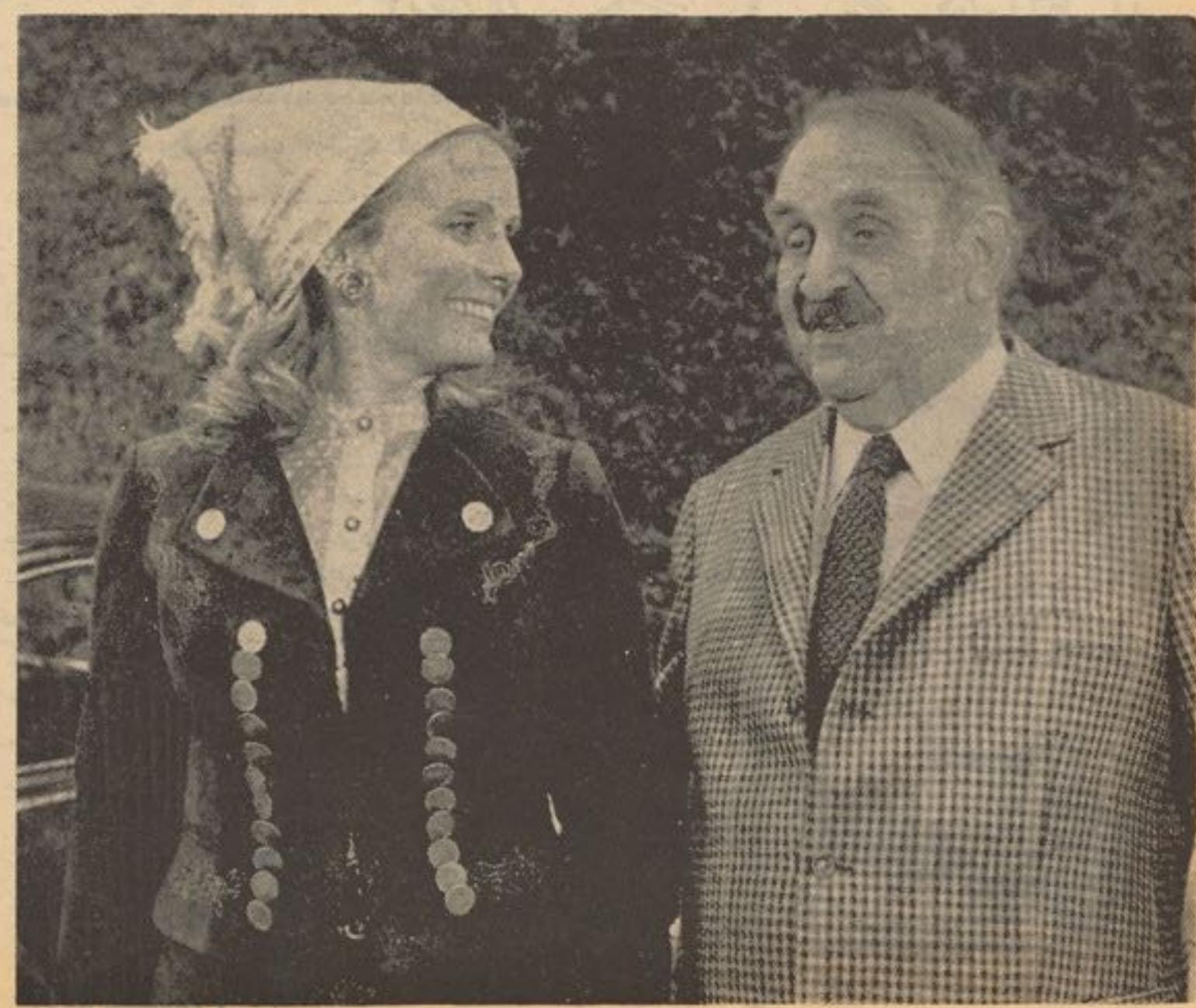
او در آخرین نمایش مود سال حصه

گرفته و مصروف نمایش بود که

برودیوسرو کارگردان معروف انگلیسی

«جان هستون» متوجه اش گردید.

کاندیس برگن ستاره مشهور و بود.



«روت ماریا» ستاره چهل ساله آلمانی که برای بازی در فلم های تلویزیونی اطربش جلب شده است



فیض نہاساز

شیخ همسر یک هنر پیشه :-

«عورست بو خهیل» هنر پیشه
جهل ساله آلمانی که در حال حاضر
هنر پیشه بین المللی شناخته شده
ست در این اوخر دریازیس زندگی
یکنند ولی در فرصت های مساعد
رای تفریح های سالم به سویس
میروند . اما در این باریکه او
صرفوف بازی دریک فلم آلمانی بود
با استفاده از فرصت میخواست
کوتاهی را در سویس سپری
کند ناگهانی بسوی پاریس پرداز

چه او از مدت‌ها قبیل میدانست که «کاین» ارتباطی با یک دو شیزه «گوایانی» داشت .

این دوشیزه «شاگرد شیلا بخش» نام دارد که در سال ۱۹۶۷ ملکه حسن هم شناخته شده بود که «کاین» بعد از جدائی از همسرشن «پاتریسیا» فوراً با «شیلا» ازدواج نمود .

«شیلا» در یک مصاحبه گفته است:— «کاین» مرد ایده آلی او بوده و میتواند بگوید که او ستاره بخت را ش خواهد بود .

فورست باهمسر واطفالش در شهر پاریس

« روت ماریا » در حال حاضر چند کوتاه تلویزیونی را بهمکاری یتس تهیه میکند تا دیده شود های هنری « ماریا » در تلویزیون اشتلت.

محمد رفیع بیهار است:—

محمد رفیع معرو فترین سراینده
علم های هندی از چندیست گرفتار
یا تکلیف شدید هزاجی گردیده که
حسب توصیه دوکتوران باید مدت
طولی را با سرتراحت بپردارد از
ینرو او در «گهنداله» با سرتراحت
برداخته و بهیچگونه قعالیت هنری
دست نمیزند نا ظران گفته اند که
غایبات محمد رفیع میدان را برای
فعالیت کشور گمار بیش از پیش
مساعد خواهد ساخت .

اید هنری باشد . آیا در اینکار او ممتاز هنر پیشگی را تراک میگوید :
ممتاز ستاره معروف فلم های
هنری ملاحظه میشود ؟

«هورست» به بیهو صلگی تما م هندی تصمیم دارد بعد از نیمه سال
نفت :- اینکار کوچکترین شمة از ۱۹۷۴ از سینما یکسره کنار برود.
هنر ندارد اما یک شوخی کا ملا
چه اوچندی قبل با یک تاجر هندی
که در لندن شغل تجارت دارد رسما
خسته کن و کسل گفته حتمی شمار
نامزد شد و حسب قرار قبلی که
نشود .

ستاره چهل ساله و بازی های شوخ: تا نیمه سال جاری تمام فلم های «روت ماریا» ستاره تلویزیون نیم کاره خود را تکمیل و بعد ازدواج رسینما که موفقیت های او در بازی نموده و رهسپار لندن شود.

های هنری چشم گیر و متبارز است نامزده ممتاز (میورمد هوانی) خیرا بسوی تلویز یون اطربیش جلب منتظر است کارهای هنری ممتاز شدیده که بزو دی نقوش زایل ناشدند بپایان بر سد تا مانعی برای ازدواج در تلویز یون اطربیش جاه خواهد شان و جود نداشته باشد و از جانب دیگر ممتاز هم بسرعت وتلاش کذاشت.

اطریش با هتمام «فریتس اکارد» های هنری دیده میشود.

صورت گرفته است چه این مرد گفته میشود یکانه فلمی که از خودش مدت طولی را در راه نگارش ممتاز نیمه کاره مانده همانا فلم درام ها ، تئاتر درام ها و زیستوری «عیمان» است که ممتاز رسما باطلایع صرف نموده و یکی از چهره های برو دیو سر آن رسانیده است که موفق در تئاتر شناخته میشود .



پیتا هارین هودل زیبای دیروز و
ستاره موفق امروز

میشل کاٹن

سبک و هنر نمایی بخصوصی دارند.
علاقه ام به همه آنها به خصوص
هنرمندان و رزیده و جوانها، آقای
مسحور جمال، احمد ظاهر و ظاهر
هویدا بیشتر است. در زمرة خانمها
به آواز «ناهید» علاقه مفرطی
دارم.

تاکنون از کسی پیروی نکرده ام،
میخواهم روش خاص خودرا داشته
باشم.

احمد ضیاء میگوید:

به ناخن آرمونیه، اکور دیون،
نی و تنبور آشنایی دارم. به سبب
اینکه شرایط نا مساعد بوده است،
بقیه در صفحه ۶۱

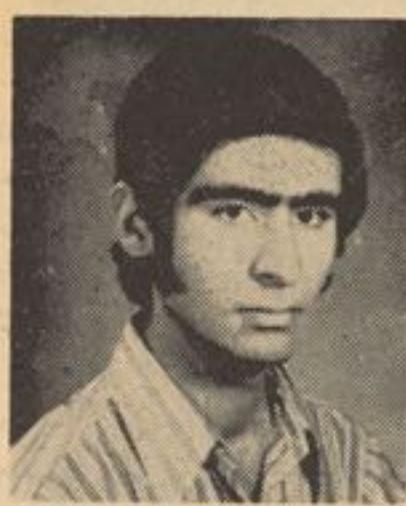
احمد ضیاء خواننده آواز فلکوریک «دلبر شیرین»

احمد ضیاء در مورد تحصیلش

تقریباً یکنیم سال قبل براد و میگوید: افغانستان مراجعت کردم و برای زادگاه شهر زیبا و خوش آب او لین بار آهنگ اصیل فلکوریک هواي چاريکار است. تعلیمات «دلبر شیرین» را که در مرکز محلات بروان و بعضی جاهای دیگر وطن (بروان) به پایان رسانیدم. پس از عزیز ما شهرت داشت در ستديوی رادیو افغانستان ثبت نمودم. که بازچه مذکور را بنگالی فقیر محمد ننگیالی با آرکستر بزرگ رادیو افغانستان عازمو نیزه کرد.

بعد از طریق دیبارتمنت موسیقی تحصیل در رشته هنر و ادبیات بود آهنگ های دیگر ثبت نمودم، او لین تا آنکه خوشبختانه در امتحان کانکور آهنگ که از طریق این موسسه ثبت یو هنتون کابل موفق شدم و فعلاً شد، بنام: (میروم باحسرت حرامها) در صنف سوم یو هنخی ادبیات و علوم بشری مصروف تحصیل که شعر و آهنگش از خودم است. میباشم.

بهر جا گریستم و بارچه سوم که احمد ضیاء از هنرمندان موسیقی درین او خر ثبت شد و مورد علاقه اش چنین میگوید: باشد گفت که هر یک از هنرمندان است، که مجموعاً تاکنون چار بارچه موسیقی رادیو افغانستان از خود احمد ضیاء خواننده دلبر شیرین



تدریس موسیقی به شیوه‌های جدید

مادامیکه تشخیص گردد که بعد معقول تعقیب موسیقی برای اطفال ممکن است و طفل استعداد آنرا دارد که به موسیقی رو آورد و یاد میکیرد معلمین و مسؤولین

موسیقی با درک این مسایل بتدریج در آموختش موسیقی و پذیرش آن از طرف اطفال زمینه آموختن موسیقی را به سیستم جدید برای شاگردان مهیا می‌سازد. البته باید در نظرداشت که ذوق و علاقه شاگرد به موسیقی او لتر از همه مد نظر باشدو تدریس موسیقی به شیوه هاییکه برای شاگردان کم سن و سال ثقل نباشد باید به تدریج صورت گیرد تا از یک طرف شاگرد آهسته آهسته به موسیقی علاقه گیرد و از جانبی هم تیجه که بدست می‌آید قناعت بخش باشد، و شاگرد بتواند در آینده موسیقی را به معنی واقعی آن بداند.

نده
س
اقای
لاهر
نمها
سی
ام،
شته
یون،
سبب
ست،
شیخین

جوافان و روابط خانوادگی

در این هفته از میان نامه های رسیده این یکی را انتخاب نمودیم امید است که مورد دلچسپی تان قرار گیرد.

موضوع نامه ازین قرار است که پسر جوان خانواده ازدواج نموده و صرف چند ماه از ازدواج آنها گذشته که باز هم جنگ زبانی و کنایه های همیشگی که در بعضی از فامیل ما متساقنه رواج دارد در میگیرد.

این جنگ و دعوای خانوادگی از جای شروع میشود که یکی از دختران

جوان فا میل باتازه عروس اختلاف نظر پیدا میکند مثلاً تازه عن و سر میخواهد که شو هرش را از خرج های بیجای که در گذشته داشت منع نماید و میخواهد که شو هرش کمتر سکرت بکشد اما یکی از اعضای خانه که در گذشته تقریباً همه کاره منزل است وقتیکه می بیند صلاحیت های او تا اندازه محدود میشود بنای مخالفت را باتازه عروس که خاتم برا در ش است میگذرد و میخواهد که برادرش مانند گذشته آزاد باشد هرچه زاکه دلش میخواهد بکند و باید آزادیش سلب گردد.

این اختلافات و ده ها اختلاف کوچک دیگر منجر به جنگ زیانی و بعد از مدتی این سلسله مسایل باعث میگردد که شیرازه خانواده از هم بپاشند.

حال بایک نظر اجمالی بر اعمال

درجستجوی دوستان قلم

بنده علاقمندم با هموطنان خویش در روابط و مرکز مکاتبه نمایم.
اسم منصور اعل .

در جه تحصیل : بکلوریا .
علاقمند : تک پوستی و دیدن فلم های هنری .

زبان : پیتو، دری، اردو، انگلیسی .
آدرس ترجمان سفارت هند در کابل . . .

بنده میخواهم در طالب ادبی ، مخصوصاً شعر و موضوعات اجتماعی با تمام خواهران و برادرانیکه مایل به مکاتبه اند نامه بتویم .

آدرس : لیسه نادریه ، فقیر حسین اندو هکین متعلم صنف یازدهم دال . . .

اینجانب عبدالنبي میخواهم درباره موضوعات مختلف اجتماعی مکاتبه نمایم .

آدرس : هرات - عبدالنبي متعلم صنف یازدهم لیسه جامی .

مایل درباره سینما و هنر فلم برداری معلوم مات جدید داشته باشم کسانیکه درین قسمت علاقه مند باشند لطفاً به این آدرس مکاتبه نمایند .

کابل - لیسه نادریه، محمد زبیر متعلم صنف نهم . . .

آرزوی مکاتبه را با خواهرانیکه درباره بافت ماشین معلوم مات دارند و میتوانند درین باره کمک نمایند

لطفاً به این آدرس مکاتبه نمایند .

لیسه عایشه درانی ، نجیبه متعلم صنف دهم . . .

اینجانب محمد طاهر میخواهم در قسمت جمع آوری و کلکسیون جیک قطعه با کسانیکه درین قسمت علاقمندی داشته باشند مکاتبه نمایم .

آدرس - لیسه استقلال ، محمد طاهر متعلم صنف نهم . . .

وسیله کم کردن وزن اضافی برای جوافان

در بسیاری از ممالک اروپائی جوانان ازین وسائل برای کم کردن وزن اضافی استفاده میکنند و نتیجه که از آن بدست آمده خیلی غفید و مثبت بوده است ، اما اگر جوانان ما به مشکلی چاقی گرفتار اند و میخواهند که وزن اضافی خود را تا اندازه از بین ببرند میتوانند باورزش های سالم از چاقی جلو گیری نمایند . .

باید توجه داشت که اندام متناسب آرزوی هر جوان است چه این جوان زن باشد یا مرد . بپرس حال آرزوی شان داشتن اندام متناسب و موزون میباشد .

وکردار این فامیل ها نظریه اندازیم شوند و بر جوانان ماست که با درک و میبینیم که آیا کدام یک از طرفین مسؤولیت های خانوادگی خوب یشن تا اندازه ازین کشیدگی ها جلوگیری حق بجانب است . آیا جوانان ما باز هم مانند گذشته نمایند . در اخیر میخواهم تذکر دهیم در آن زمانیکه متاح نبودند ولخرج که نباید هیچ یک از اعضای فامیل باشند یا معنی اقتصاد خود و خانواده در امور زندگی دیگران مداخله نمایند و نگذارند که شیرازه زندگی خانواده خود را بدانند ؟ آیا یک زن حق دارد که شو هرش با گفته های بی مورد و بیجا از هم را از بعضی مصرف های بی مورد بیا شد . و باید تمام خانواده های ما مخصوصاً جوانان ما که تازه و آیا مرد باید به گفته همسرش تشکیل خانواده را میدهند به این توجه کند یا دلایل خواهرش را نکته هنری باشند و در اقتصاد خود بشنود ؟ اگر به گفته همسرش کند ، خواهرش آزده نخواهد شد ؟ اینها زیرا یک زندگی آرام بدون در نظر مسایی است که باید جوانان ما به داشتن وضع اقتصاد سالم ممکن و آن توجه داشته باشند . ممکن است میسر نیست .

بعضی از این چنین مسایل رو برو

با بکار بردن وسائل ساده ورزشی بسازید و از آن استفاده نمایید . البته میتوانید به این آرزوی خود برسید نباید شما به شیک بودن و خارجی و اگر باز هم کمی مشکل پسند هستید بودن و سایل و رژیم فکر کنید میتوانید که ما نند این تنها فکر شما به ورزش و داشتن وسیله ورزشی که در عکس دیده میشود اندام زیبا و صحبت خوب باشد .



شگوفان سدن استعداد های فرهنگی در درون تکامل

تسوین اصغر دختر یست محظوظ و آرام
تیسم که ناشی از موفقیت و پیروزی تیمش در
بازی‌های خزانی آمده بسیار لیانش نقش
پسته است و او کاپیتانی تیم پاسکیبال را به
عبده داردازد همراه سه:

اگر در بازی پاسکیبال توفیقی نمی‌یافتد
بعداً چه رشته‌های ورزشی را بر می‌گذرید.

آمیگوید:

آنوقت به اسب سواری و شنا او می‌اوردم که
البته در اصورت پاسکیلات و مختلف های
فamilی وضع اقتصادی که نیتوالتست به
آرزویم جاهه عمل پیوشاند رو برو می‌شتم،
ملیحه کیتان والیبال که دختری آرام ولی نسبتاً
جدی به نظر من رسد در این قسم مختان
همکارش را تائید کنند می‌گوید:

و آنچه که می‌خطبرای هاست است
و آنچه که فامیل هارا بروش داده است به



پیغله تسوین اصغر

واکنون در پرتو شرایط جدید و بامکانات
تازه ایکه در تمام شیوه زندگی ما پیدا
کرده تمام دوران زندگی ازان معروم بودیم
و همیشه طبقه‌زن و فعالیتش از جار دیواری خانه
برون نبود تحرک عظیم و جذب کهنه راه
تلash و کوشش و داشته است و فردای روش
برشکوهی راهه آنان نوید میدهد بدون شک
در فعالیت های ورزشی طبقه‌زن نیز از خواهد
کرد سالیان آینده ماساحب چهره‌های درختانی
در طول دهه اخیر یکلی می‌خشکید کوچک و زیبین
میرفت، اکنون در این دوره پر انتشار جمیوری
یکبار دیگر موقع می‌باشد تأثیراتی و استعداد
بچه در صفحه ۶۲۴



پیغله ملیحه سرتیم والیبال

خدرا بروز دهدور زندگی اجتماعی امن ورز
همگام با مردان آنچه را که بدو سیرده شده
است بخوبی از عده انجام آن برآید و این
چیزیست که بامانوید میدهد کهورش پس از
از این به اجمن های ورزشی مخصوص مردان
محدود نخواهد ماند و در آینده ایکه زیاده
نخواهد بود چهره های ممتازی از میان زنان و
دختران علاقه‌مند به ورزش خواهند برداشت.

برای تشویق و معرفی استعداد های

ورزشی دختران جوان و ارج گذاشتن به تلاش
و کوشش گروهی شان مصاحبه‌ای داریم
بادو سرتیم ورزشی لیسه ملالي که در این
صفحه از نظر توان می‌گذرد.

این دواز آن جمله ورزشکارانی الدکمه‌ت
مدیدی است کاپیتانی گروههای ورزشی
پاسکیبال والیبال خودرا به عده دارند.



تبیه‌از: هریم محظوظ

دخترها به زیبائی اند امیان علاقه دارند

پس اگر می‌خواهید اندامتان برآز نده باشد این ستون را
مطالعه کنید.

صیغ قبل از ناشتا در هوای آزاد بروی فرشی آرام فرار بگیرید شرطش این است که لباس
آرام و راحت بدن کنید البته به خاطر داشته باشید که این سبورت برای خوردشدن شکم و کمر
بوده و همچنان برای زیبایی پاها می‌شود پاها را دراز کنید خودرا خم نهانید طوری که کمر
و شانه منحنی شود انکشان دست چپ راهه پای راست برسانید و انکشان دست راست راهه پای
چپ

نماینده نهاند که پاها به تناسب قدشها از هم فاصله داشته باشد این عمل راه روز صبح
بعد از جابر می‌خیزید دستها را بطور آزاد تکان میدهد و نفس عمیق می‌کند.



ورزش

چاپ انداز ما هر

یاقهر مان امسال بز کشی

بز کشی، در کابل، تخار و بعضی عایم، اهدا یای مانند تفک، اسپ، ولایات دیگر میپر دارم واکثر موفقیت سکه های طلایی از طرف تماشاچیان نصیب من و تیم بوده است، پیروزی و مردم برایم داده شده است.

امسال، که نخستین موفقیتم در مسابقات ایام خجسته جمیو ریست است، هرآ بی اندازه خوش ساخته است از هم باز هایش، و یا از چاپ است و برای من و رفقایم، افتخار اندازان دیگر مانند سید عمر از تخار بزرگیست که کپ قهرمانی را ذعیم و معصوم صفت کرد و بازی آنها را ملی مابناغلی رئیس دولت و صدراعظم ستود.

برای ما اهدا نمود. پهلوان حفیظ، بیشتر به خوبی بز کشی، که خیلی آرام و خوش طبع

او که ۳۷ سال عمر دارد، ولی وکیل علاقه دارد واز مهمن تو ازی مسن تر معلوم میشود، گو یا این های ریاست المیک به خوشی باد سبورت او را پخته تر و تنومند تر کرد و در اخیر از تشویق ریاست ساخته است گفت: در ولایت خود المیک در راه اکتشاف سبورت در

بیست سال است که به مسابقات و دیگر ولایات بعضی بخاطر مو فقیت کشور آرزو مندی خویش را ابراز داشت.

امسال، باز هم، چاپ اندازان اشخاص دیگر آنها برای تکار استفاده و اعماشه میشوند ولی قهرمان تیم تخار ماهر و اسپان قوی و تنومند، از آنسوی کو هیای های هندوکش، در مرکز کشور شان هیا هوی سردادند

پهلوان حفیظ قهرمان امسال پهلوان شیر را سه باران کردند. وجاده های شیر را شیر شیر یان کابل، شاهد مسابقات بزرگ بز کشی در چمن منطقه جشن مینماید ذر چکونگی های موفقیت و سبورتش با خبر نگار ورزشی ژوندون لحظه پس از موفقیت آنروزه بازی اعتراف کردند.

بر دباری، حوصله، حزم، متنانت، و خوش طبعی، خصایل ایست که نه تنها در چهره چاپ اندازان دیده میشود، بلکه فقط گویی اسپان تنوند و با همیت شان نیز این خصایل را بخود دارند.

در این مسابقات که تیم های ۹ ولایت کشور اشتراک دارند روز اول عقرب باشکوه ترین مسابقه در چمن منطقه جشن در حالیکه هزاران نفر در دندانه های غازی ستو دید گرد آمده بودند انجام دادند. در این روزبین تیم های ولایات مختلف کشور مسابقات آغاز یافت و درجه تیجه تیم ولایت تخار با اخذ سه نمبر، درجه اول شناخته شد، پیروز و کپ قهرمانی نصیبیش گردید.

کلید پیروزی تیم ولایت تخار، فقط بدست چاپ اندازی بود که نیرو و توانیش بیشتر و اسپان قوی و تنومند تر بود و اوتوانست پیروزی را نصیب تیم و رفقایش نماید.

اکنون چاپ اندازان به پهلوان مشهور اند، و آنها آدم های مستند که از خصایل، شمامت، جوا نمردی و بر دباری و قوی دل بودن بیشتر برخور دار اند و آنها بیشتر با سواری اسپ های اشخاص دیگر در این سبورت میپردازند و یا از جا نبایشیم.



پهلوان حفیظ چاپ انداز ما هرولایت تخار

مسابقات

تو ر فرمت خزانی فسوان دوباره آغاز شد

تورنمنت خزانی مکاتب نسوان که بتایر آمدن همه رفدان به تعویق افتاده بود دوباره آغاز یافت این مسابقات که به سیستم لیک آغاز یافته بود. باید هریک از تیم های شامل تورنمنت با تمام اشتراک گنتگان مسابقه را انجام میدادند که به این اساس در اخیر هر مسابقه غریب از تیم های که زیاد ترین نمبر را گرفته باشد قهرمان شناخته میشوند.

قبل از عید نتایج معلوم نگردید که همیتوانم منتظر نتایج نهایی مسابقات در هفته اینده باشیم.
(عکس مقابل صفحه جریان مسابقات نسوان رانشان میدهد.)

ژوندون

چشم‌های شما، سخنگویان عاطفه‌شما‌اند



روز فریب دا طلائی تبره استفاده کنید .
اگر جلد صورتتان سبزه تبره است از زنگ‌های روشن که برآزند لب استفاده کنید .

کوشش کنید که برس دابه نوک هژه‌هاتناس دهید تابه طول هژه‌ها بیافزايد باید کوشش کنید که به‌فرم هژه هاریمل التخاب نماید اگر بازتایید گه‌ترهیم دوباره آنوقت زبان را دربر می‌گیرید اگر هرقدر موهای تان به شکل ساده آرایش داده شود شاید به‌صورتتان زینتند تر باشد ظرافت وزیباتی طبیعی زن و ختر بالعوم درساده گئی و بی آرایش جلوه می‌کند اگر همکن است از آرایش غلیظ صورت چدابریزید چون درغیر آن لب‌ها و چشمها بارنک‌های غلیظ به همراهیک باشد دریوست های گندمی لب‌برین نظر مردم بسیار زنده جلوه می‌کند فرستنده : سیده شامل

همانطوریکه دیمل زدن درست ڈیبايسی چشم عارا دوجنده سازد عکس آنهم از زیباتی چشم به‌همان اندازه می‌گاهد .

کوشش کنید که برس دابه نوک هژه‌هاتناس دهید تابه طول هژه‌ها بیافزايد باید کوشش کنید که به‌فرم هژه هاریمل التخاب نماید اگر موهای نصواری دارید از هاریمل قبیه ای درنک استفاده کنید و اگر هژه عای تان سیاه است از هاریمل معقولی کاربکرید تا آرایش جعلی جلوه تکند .

فاطمه هژه‌هارا برجسته می‌سازد امام‌والطب باشید که همراه زود می‌ریزد .

چشم را باید از گوشه داخلی چشم ناگوشه خارجی آن کشید و خط چشم باید خیلی باریک و قطعی باشد .

سا یه را در دنگهای گو ناگون و انواع بودر بست آورده میتوانید اما بیش از استفاده باید دانست که سایه چشم همانطور که از نامش اطراف چشم هارا باکریم باروغن مخصوص

علوم است سایه است از بیک رنگ بیش باید از آن به مقدار کم و خیلی بادقت استفاده کرد . سایه چشم باید از حدود گوشه خارجی ابرو تجاوز نکند در زیر ابروها از سایه کهرتک که برآزند صورتتان باشد استفاده کنید قبل از این که متزل رانک رهیکنید تکاهی به صورت خود حسابت است اگر بعد از استفاده واستعمال آرایش چنها بستان خارش پیدا می‌کنید از آن استفاده نکنید اگر خط چشم می‌کشید باید راه کنید .

ایمیل :- درست و معقول آنرا بدانید خط

چشم ها حرف میزند شادی میکننداندوهگین میشوند بس اگر میخواهد چشم های شما به فشنگترین شکل قصه بگوید به شفافیت آنها به‌زیباتی آنها و به عواملیکه باعث خرابی آن مشود توجه کنید .

نگهداری چشم

اطراف چشم هارا باکریم باروغن مخصوص جسم چرب کنید . تا بتوست اطراف چشم بدانه خستگی بتوست چین و چمنلکی پیدا نکندزیرا بتوست اطراف چشم خیلی لطیف و حساس است خارش پلک‌های چشم به‌احتمال قوی در اثر حسابت است اگر بعد از استفاده واستعمال آرایش چنها بستان خارش پیدا می‌کنید از آن استفاده نکنید اگر خط چشم می‌کشید باید راه کنید .

باسخ‌ها به نامه‌ها

اگر میخواهید لکه‌های لباس را پاک کنید این ستون را بخوانید

لکه شمع

اول بانانخن و یا پشت چاقو شمع را از داغ زردشده باید لکه‌آنرا با آب اگسیزنه، معمولی پالا کنید اگر امکان آن نبود بابر اگس که تر را گذاشته اطیو داغ را روی آن قرار دهد اینکار در اغلب مو ارد لکه را بکلی از بین میرداها اگر مثا عده کردید گه‌هنوز اثری از آن مانده است بنه ای رایه‌اکسل استفاده کرده بآن بقیه لکه را پس از آن می‌کنید.

راذر بایم ویرای شما یاسخ بدهیم .
نامه براز لطف شمارا گرفتیم از احسان نیک الله بارستان
دان درمورد مطالب این صفحه سپاسگزاریم .
دوست عزیز بی‌غله فریده سعادت :
مضامین جالب تانرا راچاب می‌کنیم شما تاحد درباره مشکل تان باید گفته شود که اگر خودتان توان کوشش کنید مطالبی برای ما بفرستید که زحمت کشیده به‌اداره زوندون تشریف بیاورید شاید بتوانیم به‌گونه هم‌گروه مشورتی خود مطابق روحیه مجله بوده و عم آموزنده و مفید باشد البته مجله‌زوندون به همکاری شما دوستان گردد از بزرگ‌ترین گوشها انتظار موضع راکه اتفاق سخت نیاز دارد .
و دیگر این کشها انتظار موضع راکه اتفاق افتاد برای مانوشه نگرداید که‌ما اصل مطلب موفق باشید



درین روز مسابقه باسکتبال هیجانی تربود و گروهی زیادی از علاقمندان سپورت، در جمناز یو پوهنتون کابل گرد آمده بود.

بر تیم پوهنځی ادبیات تیم پوهنځی پوهنځی حقوق ۱۸ مقابله ۳۵ بر تیم انجینیری ۴۴ مقابله ۴۵ بر تیم پوهنځی و ترنی و تیم پوهنځی انجینیری علوم، پوهنځی اقتصاد ۶۰ مقابله ۶۰ بر تیم پوهنځی پولی تکنیک غالب ۴۹ بر تیم پوهنځی طب، پوهنځی شده اند که به این اساس تیم های پولی تکنیک ۵۳ مقابله ۲۳ بر پوهنځی پوهنځی حقوق و انجینیری با امتیاز زراعت، همچنان پوهنځی علوم ۶۴ بیشتر و نداشتند باخت موقف مقابله ۶۳ بر تیم پوهنځی انجینیری ۴۱ مقابله اقتصاد خوبتری را دارا هستند و تیم پوهنځی و تیم پوهنځی انجینیری ۴۱ مقابله اقتصاد نسبت دو باخت از جدول ۳۴ بر تیم پوهنځی طب و تیم مسابقات کشیده شد.

که امروز بیروز میشوند.

در خزان سال ۱۹۷۲ در میونیخ السکارا

زن جادوگر المپیک، میخوانندند ولی در حین بازی وقتیکه از لباس زیمناستک جدا شدند مهزوزن میگردند و حتی «گریه در میانه هنگامیکه علی ترین امتیازها را در یافت می کنند از خوشحالی می پرند و چهره اش برادرخواسته میشود، الکا اندام کوچکی درد فتش ۱۰۰ سانتیمتر است میتواند و دوست دارد برای خودش عذای طرفدار و دوست بدمست آورد، وهم بعنوان کسترده ترین و دسترس ترین وسیله بسیار مهیج در زمینه تائیر توپیتی برای تعاشگران وهم کسانیکه بزمیمناستک عقیده دارند، پیشنه الکا کوال چنان زیمناستی است که میتواند راه و رسم پر افتخار مکتب زیمناستک شوروی را در پاره مهیج ترین رشته ای که آگزون خیلی مورد علاقه جوانان میباشد یعنی در پاره حرکات آزاد زیمناستک اداء دهد، در عین حال این دخترک غریب که دارای روش ملاجم و گرم است و قطبین برای خود نه تنها روی تشک بلکه روی پارالل نیز احساس میکند. او در سال ۱۹۶۱ در شهرمان متولد شد. هادر ویدر الکا گه سبقاً زیمناست بودند ویرا وقتیکه شاگرد ولی پیش از اینکه سفر فردا را شروع صنف اول بود وارد درس زیمناستک کرد کنیم، تکاهی به سیاهی آن آدمیان میتماثلیم بودند.

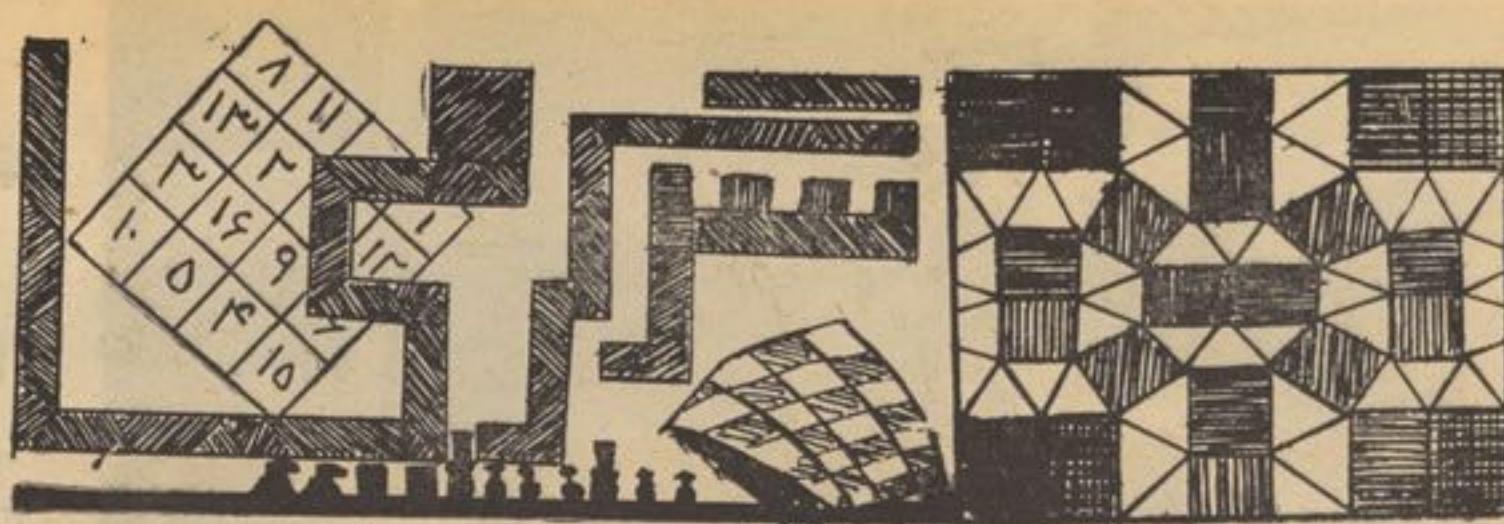
دور نماینده خزانی با سکتبال در جمناز یوم پوهنتون کابل

دور نماینده خزانی باسکتبال به اشتراک تیم های پوهنځی های مختلف پوهنتون کابل به سیستم دبل نک اوت آغاز یافته و تا هنوز دوام دارد این مسابقات تا اخیر طوری دوام دارد که بادو باخت بیک تیم از مسابقات خارج میگردد، این مسابقات در روز های شنبه دوشنبه و چهارشنبه صورت میگیرد.

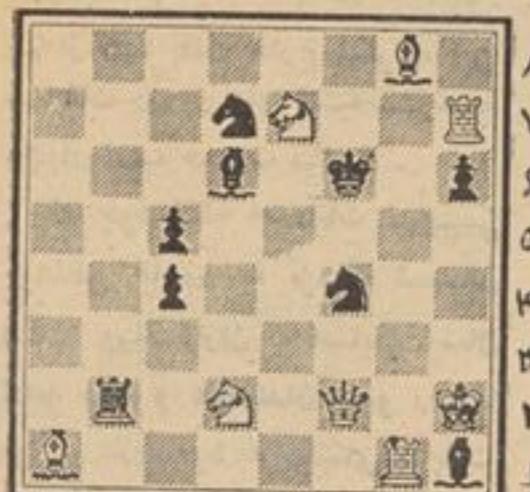
با وجود آنکه امتحانات نهایی پوهنځی ها رو به نزدیک شدن است ورزشکاران به مسابقات شان ادعا داده و علاقمندان سپو رت با ذوق و علاقه مفرط به تماشای مسابقات هی آیند.



گوشه ای از مسابقات باسکتبال در دور نماینده خزانی نسوان



مسئله شطرنج



۱- ب رخ د ه و ز رخ
نوبت حرکت با سفید است ،
حرکت میکند و در حرکت دوم سیاه
را مات می نماید .

اگر رخ سیاه (و-۸) آنرا بزند .
۲- رخ سفید (ز-۵) به خانه
(الف-۵) میرود، کش و مات .
اگر فیل سیاه (ب-۷) به خانه
(ب-۶) برود .

۲- پیاده (د-۲) به خانه (د-۴)
میرود کش و زیر و مات . فیل
(الف-۶) آج رخ است .
اگر پیاده (ب-۷) به خانه (ب-۶)
برود .

۲- پیاده (د-۲) به خانه (د-۴)
میرود کش و زیر و مات .
پیاد داشته پیشیده که در مساله
شطرنج همیشه سفید از طرف پایین
رو به بالا و سیاه از طرف بالا رو به
پایین حرکت میکند و باید تعداد
حرکت از همان اندازه ای که در طرح
مساله معین شده است تجاوز نکند .

صورة حل جدول اطلاعات عمومي
شماره قبل .

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
X	X	X	X	X	X	X	X	X
X	X	X	X	X	X	X	X	X
X	X	X	X	X	X	X	X	X
X	X	X	X	X	X	X	X	X
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶
۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴
۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳
۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱
۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰

حل جدول اطلاعات عمومي شماره قبل .

صورت حل مسئله شطرنج شماره ۵

گذشته

ازین معما که سراینده اش هولیناجامی است . اسم (نجم) استخراج میشود .
کمی دقت کنید ، راه حل آن پیدامیشود و اگر موفق نشدید باید تا هفتة آینده صبر کنید .
بنچ مدرسه آنهاه صرف خوان با من نهادگوش به نی دوش جام می بر کف برای نام چو کرد م سوالش ازني وجام بخنده گفت که نی ناقص است و جام اجوف

معما منظوم

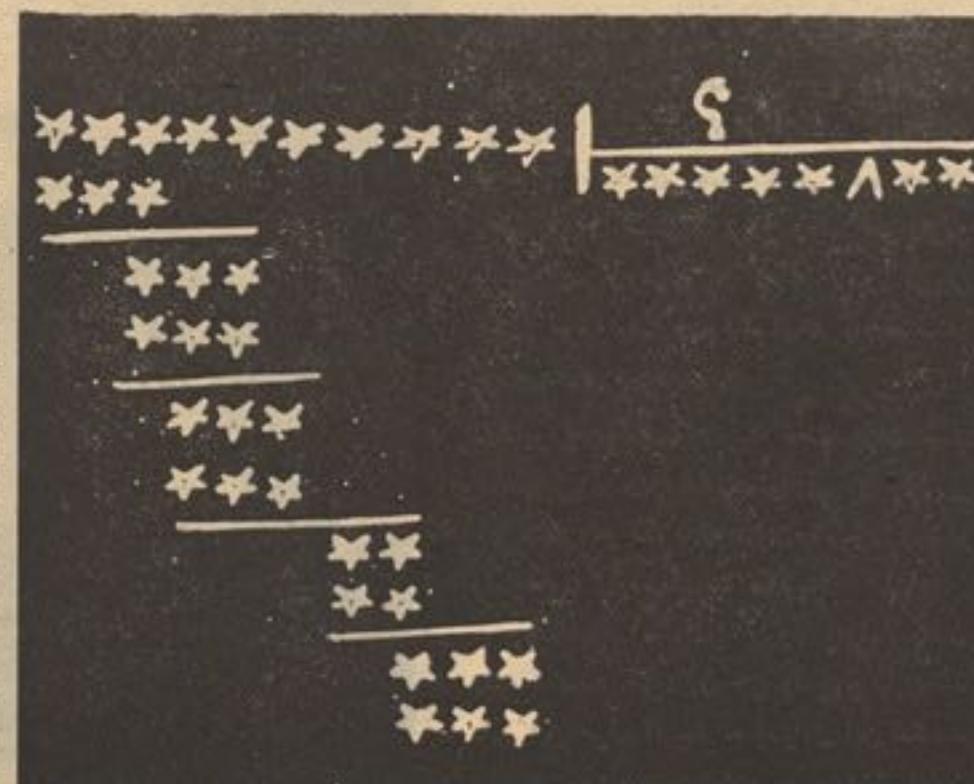
یك معماي جالب حسابي

یك عدد که از چهار رقمی کمتر نباشد (اگر بیشتر باشد برواندارد) انتخاب کنید ، همان عدد را بطوری بنویسید که اولین رقم سمت چپ آن ذیر چهار مین رقم واقع شود آنگاه هر دو را جمع کنید و این حاصل جمع را ابتدا بر عدد (۷) تقسیم کنید، خارج قسمت آنرا بر عدد (۱۱) تقسیم کنید و خارج قسمت ثانی را بر عدد (۱۳) تقسیم نمایید، همان عدد انتخابی اول بدست می آید . آیا میدانید چرا؟

اگر جواب این پرسشن را یافته بده ما اطلاع دهید و گزنه تا هفتة خانه (د-۵) به خانه (و-۷) میرود . آینده صبر کنید و در همین صفحه بخوانید .

ولی این معما مشکلترا است

به این تقسیم توجه کنید، بجای تمام اعداد آن بجز یکی که عدد (۸) است، ستاره گذاشته شده است مقصوم عليه هم معلوم نیست تصویر نشود که قیمت ستاره هایک سان است، یک ستاره ممکن است صفر باشد، دیگری یک باشد دیگری پنج باشد یعنی همه آنها یک چیز نیستند، آیا می توانید اعداد اصلی را پیدا کنید؟ شاید بتوانید ولی از شما میخواهیم که بنویسید چگونه آنها را پیدا کردید؟



اعداد گم شده را پیدا کنید



این هفت شکل، عر کدام نمایشگریکی از اقسام ورزش است، اگر شما علاقه مند به سپورت باشید بخوبی شکلها فوراً نوع ورزشی را که با ترسیم هر شکل اراده شده است، تشخیص خواهید داد و البته برای ما نیز خواهید نوشت. در هفته آینده برای اطلاع کسانی که نمی توانند نوع این سپورت هارا تعیین کنند، توضیح داده خواهد شد.

آیا این داشتمند وطن را می شناسید

۱- سال تولدش معلوم نیست ولی وفاتش در سال ۹۱۰ واقع شده است.

۲- زندگانیش در هرات میگذشت و قبورش نیز در آنجاست.

۳- سخنران زیر دستی بوده و آوازی خوش داشته است.

۴- مؤلف جیب السیر درباره‌ای گفته است: «در علم نجوم و انسانی مثل زمان خود بود و در سایر علوم نیز بامثال واقران دعوی برابری می نمود».

۵- از کتابهایی که نوشته است جواهر التفسیر، موهب عالیه، روضة الشبداء، انوار سهیلی، مخزن الانشاء، اخلاق المحسنين، ولب لباب متنوی بسیار شهرت دارد.

اگر او را شناختید اسم و شهرتش را برای ما بنویسید و گزنه تا هفته آینده صبر کنید.

۶- همانطور که در مقابل شهر کهنه شهرتو وجود دارد، این کلمه هم در مقابل آبا دیهای کهنه در محلات مختلف کابل مانند ده افغانان بریکوت، باغ بالا و غیره وضع شده و تازگی عمارت آنجا ها را میسر ساند.

۷- از مناطق مشهور درولايات مرکزی افغانستان است.

۸- یکی از بنادر مهم جاپان.

۹- یکی از شهرهای مهم ترکیه که قبل از انفراد مرکز آن کشور بشمار میزد.

۱۰- در ناحیه شمال غربی هند واقع شده و صحرای بزرگ تار هم در آن قرار دارد.

۱۱- این کشور در سال گذشته بزرگترین تحول نصیبیش گردید و نظام نوینی را اختیار نمود.

۱۲- از آشنازهای مهم و بزرگ جهان.

۱۳- از بحیره های بزرگ اروپایی که تریست و فیوم از بنادر مهم آن بشمار میزند.

۱۴- یکی از ایالات غربی امریکا که وادی و خلیجی نیز به آن اسم مسحی می باشد.

کسانی که درین هفته به ارسال جواب صحیح موفق شده اند، عبارتند از محمد ظاهر ناصر، زین الدین جمیلی، عزیز الحق کارگر مطبوعه دولتی، پیغله سیما از لیسه زرگونه، شریف الله و عبدالخلیل از لیسه نادریه، عبدالسبحان از لیسه تالقان، محمد قاسم، محمد نوروز و عبدالله از لیسه خان آزاد و احمد جاوید امینی از خیر خانه میته.

جدول حغار افیایی

مجله ز وندون برای سرگرمی خوانندگان عزیز، در این هفته جدول حدیدی را نشر میکند که با جدولهای دیگر فرق دارد، باین معنی که کلمات از عدد (۱) شروع و به عدد (۲) ختم میشود و حرفی که کلمه اول با آن ختم میشود، حرف اول کلمه دو م است و بهمین ترتیب تا آخر که روی هم رفته چهارده کلمه در جدول بطوریکه در فوق ذکر شد، بقسمی باید قرار بگیرند که دور یکدیگر چرخیده سرانجام به مرکز ختم شوند. بن جدول را بساغلیع، کمگدای فرستاده اند و از ایشان ممنو نیم.

				5	.	1
				9	10	
4					13	6
				12		
					14	
8						
3						2

S · Reza

این هم شرح تعریفی کلمات است تا بتوانید آنها را بیدا کنید:

۱- یکی از ایالت های صناعتی جنوب شرقی آسترالیا است.

۲- یک کشور جزیره‌ای دارای رژیم جمهوریت است که از هر طرف وسیله اقیا نوس آرام محدود می باشد.

۳- یکی از شهرهای مهم و صنعتی آلمان فدرال.

۴- کوهی است در غرب افریقا که ۱۵۰۰ متر ارتفاع دارد.

ازگل احمد زهاب نوری

نخستین جعبه اسرار آمیز

وغیر این دنیا، بر آن آصیبی جوان افغانی، برای تان قصه کنم:
نرسانده است... داکتر طرزی میگوید:
با با با
و و و
آهسته بدمت می گیرد، با احتیاط می نامیم، چون در عهد باستان
ک ک ک
س س س
ر آن را می گشاید و تازه جعبه چنین جعبه هایی را، به همین نام
کوچک و ظریف، از نقره درین آن یاد می کردند و شاید بنای عظیم
ت ت ت
دیده میشود...
دقايق اینبار تندرن می گذرد، جعبه کوچک که یکی درین دیگری
باستانشنا سان با شوق بیشتری بود و استخوان پوسیده بی
غ غ غ
تلاش میکنند. چشمان گنجگاه شان را در خود نهان داشت، گذاشته
د د د
دقیقانه به جعبه ها خیره شده، به شده باشد.
جعبه مسی، به جعبه کوچک نقره بی خمره سفالین ۲۴ سکه مسی نیز
که درین آن بوده و به جعبه ظریف وجود داشت ۲۴ سکه بی که بعد ها
طلایی، که از بین جعبه دومی بدمت وجود شد، ۲۳ دانه آن مربوط
آمده و درزیر نورآفتاب میدرخشد... معلوم شد، ۲۳ دانه آن مربوط
بیهتر است بقیه ماجرا را، از زبان «سو دیبای دوم» و یک دانه آن مربوط
خود آنها، از زبان باستانشنا سان «سو دیبای اول» است...



رواق دهلیز عمومی بودا بالا تخت هارها

ژوندون

این جعبه یک پوش هسی، یک
پوش نقره بی و یک پوش طلایی
داشت و درین آن یک استخوان
پوسیده قرن دوم قرار داشت

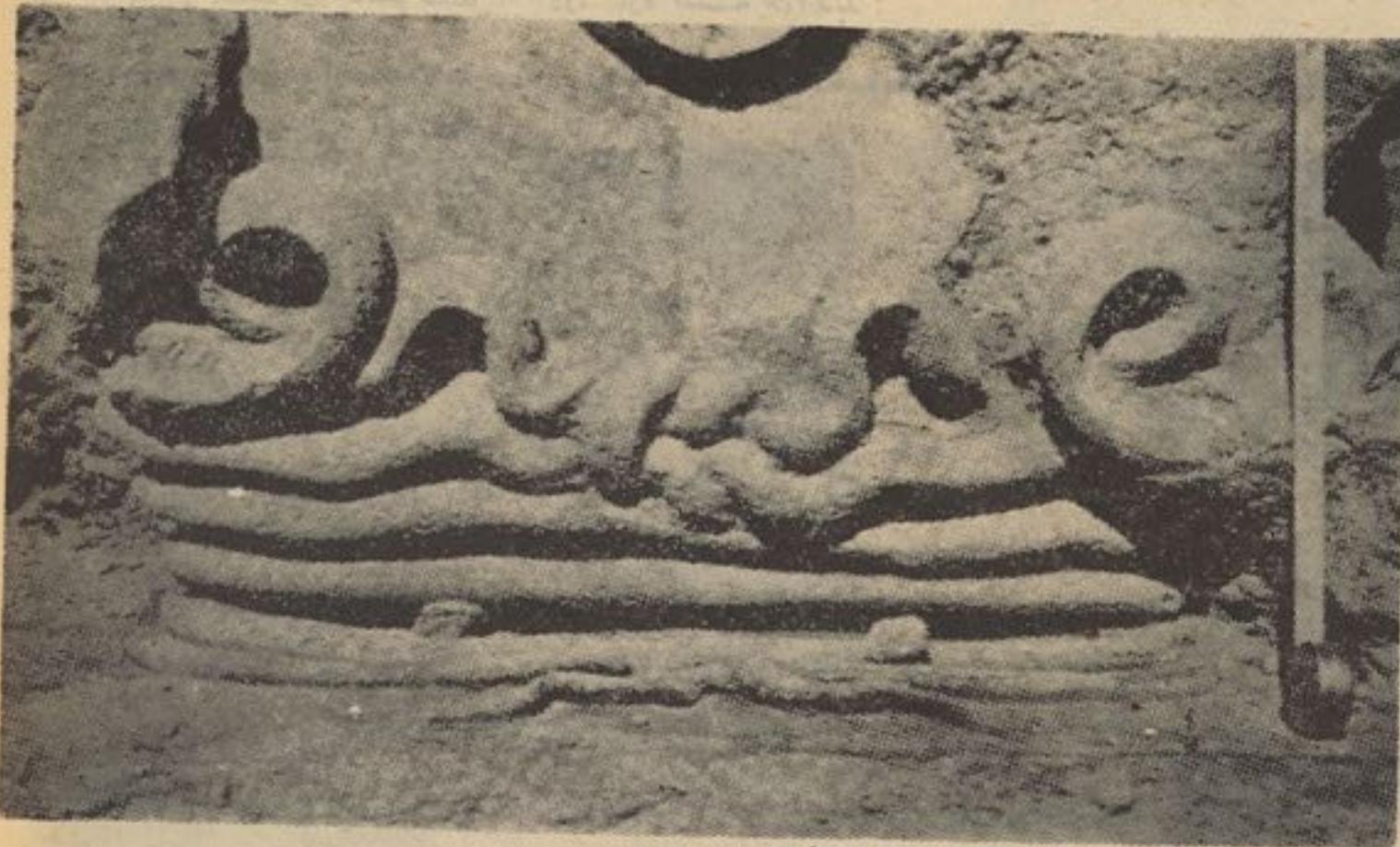
آثار هنری هده در آسیا
مرکزی بی نظیر است.

این محل تاریخی، از شهرهای
کهن سده‌های دوم قاریخ بشمار
می‌رود

آفتاب داغ تموز با گرمای سوزنده که می‌تواند، تاریخ هزار ها سال
اش می‌تابد، دشت و تپه‌های کوچک قبل را، روشن کند و راز قطعه زمینی
و بلند اطراف آن، درزیر شعاع را فاش بسازد، که امروز همه تمدن
آفتاب، چون کوره آتش کرده به نظر آن درزیر خاک مدفون است...
می‌رسد که پرنده‌ها همه از آن فرار کرده‌اند...
چهره‌های باستان شنا سان عرق کرده و دانه‌های درشت عرق، در
شیارهای بیشانی شان بل بل میکنند... آن‌ها همچنان تلاش
میکنند، کمتر حرفری بین شان رد و بدل میگردد... دقایق همچنان
از تمدن کننده میگذرد... زندگی و هنر باستانی منطقه بی را،
یکبار یکی فریاد میکشد:
روشن می‌سازد...
و دیگر شادمانه به آنجامی نگرند...

آری! گفتیم دو چیز...
به زیر بیل باستان شناس...
لحظه بی بعد دربرابر آن هاخمره جعبه بی که مرور سده‌ها، آن را،
سفالینی قرار دارد... سفالی رنگ چنان محفوظ داشته و بیداد، گرمه
پاخته که از زش علمی فراوانی دارد شده سر ما تو فانها و
گران بهاست و بس نایاب... خمره بی صندوها سال حسادت عجیب

از هده کشف گردید



تخت بودای با شکال دو مارد هلیز عمومی معبد

این محل در زمان کوشانی‌ها آرت یونانی با هنر محلی این منطقه در هم آمیخته و یک مکتب خاص گریکو بود یک را بوجود آورده است. از مدیر عمومی باستانشناسی درباره آغاز تحقیقات علمی درین منطقه می‌پرسم، وی می‌گوید: «ما دوره مطالعه و حفریات را در هده به سه بخش تقسیم می‌کنیم. بخش اول مریوط به زمانی است که سیاحین در قرن نوزدهم، آثار و سکه‌هایی ازین محل بدست می‌آورند. شارل مسون سیاح فرانسوی درین قرن سکه‌هایی از هده بدست آورد که مریوط دودمان‌های گریکو باختی. سیمینی و پارتی، کوشانی‌ها و امپراتور روم و روم شرقی بود.

بخش دوم آغاز حفریات قانونی درین منطقه است که در ۱۹۲۲ توسط هیئت باستان‌شناسی فرانسه صورت گرفت... آثاری که درین زمان از هده کشف شد در موزیم کابل و موزیم پاریس موجود است. بقیه در صفحه ۶۰



رواق معبد به شکل یک عقاب

وی می‌افزاید: - کشف این آثار، از نگاه باستان‌شناسی اهمیت به سزاگی دارد و شاید نظری این جعبه تا حال در آسیا، بدست نیامده باشد... . . .

در شماره گذشته و عده داده بودم، که کماکان طی گزارش‌هایی، درباره تعدادی از باستانی بعضی نقاط تاریخی افغانستان روشنی می‌اندازیم و شما رادر جریان مطالعات دانشمندان علم باستان‌شناسی قرار میدهیم به همین سلسله، در این شماره شما را با «هده» با محلی که قر نهاد قبیل از امروز، در آن شهر «نگاهارا» با عظمت و وسعت خود قرار داشت و در این منطقه آسیا شهرت بسزایی کسب کرده بود... .

دکتر ز مریالی طرزی مدیر عمومی باستان‌شناسی و زارت اطلاعات و کلتور می‌گوید:

- ساحة مخروبه‌های هده بسیار وسیع است و تحقیقات باستان‌شناسی صرف در چند نقطه محدود آن صورت گرفته است... در تپه‌های کلان، باغکی، و تپه شتر... تپه بی که امروز هیئت افغانی در آن به تحقیقات خود ادامه میدهدند.

تپه شتر در قسمت شمالی سطوح کم ارتفاعی که از کانگلو میرا - (رسوبات دوره سوم جیولو جیگی) ساخته شده قرار دارد و فعلاً فارم جدید هده ولایت ننگرهار نیز، در نزدیکی این تپه موقعیت دارد. تاریخچه هده ارتباط مستقیمی با تاریخ شهر «نگاهارا» دارد، که روز گاری در نزدیکی این منطقه وجود داشته است. این شهر درین بلخ به سمت «تکسیله» موقعیت داشته و نظر به بعضی اسناد باستانی در زمان لشکر کشی‌های اسکندر اهمیت خاصی پیدا کرده بود ساکنه‌ها، پارت‌ها و کوشانی‌ها، در طی قرن اول تا چهارم ازین سر زمین عبور کرده‌اند و در آنجا مستقر شده بودند.

نظر به مطالعه طرز ساختمان‌های شماره ۳۴ و ۳۳

آخرین نوازش

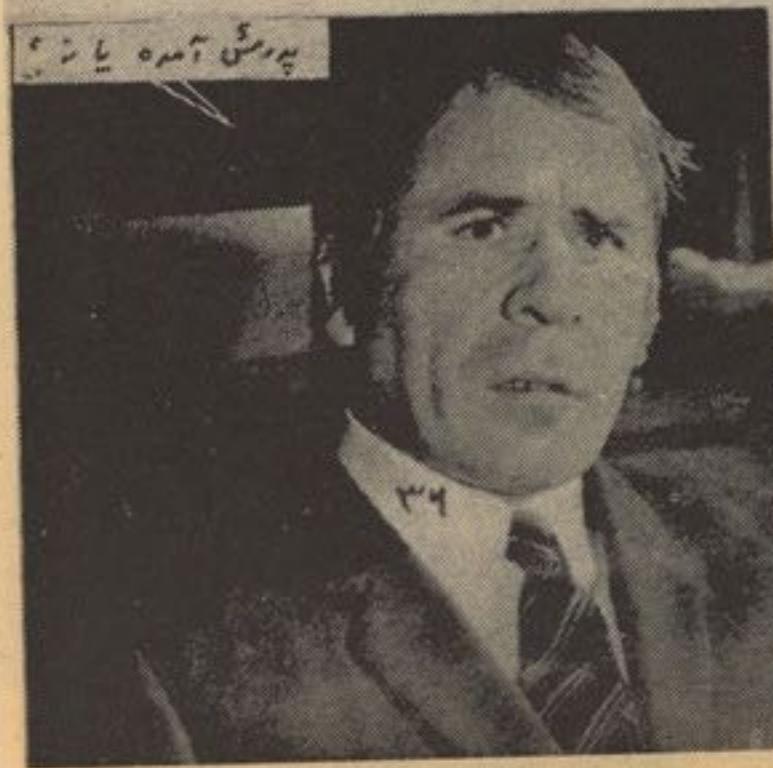
ترجمه و تنظیم از: قاسم صیقل درشهاره گذشته خواندید:

از چندی به اینسو، مادر «پال» میریض است و داکتر وضع صحی او را خیای خطر ناک خوانده است البته عاتیمه هریضی او بخاطر است که همسرش وی را ترک گفته و بازن دیگری زندگی میکند: «پال» درصد آنست که برود، پیش را مجبور سازد تا دو باره بخانه اش بر گردد. واينک بقیه داستان:

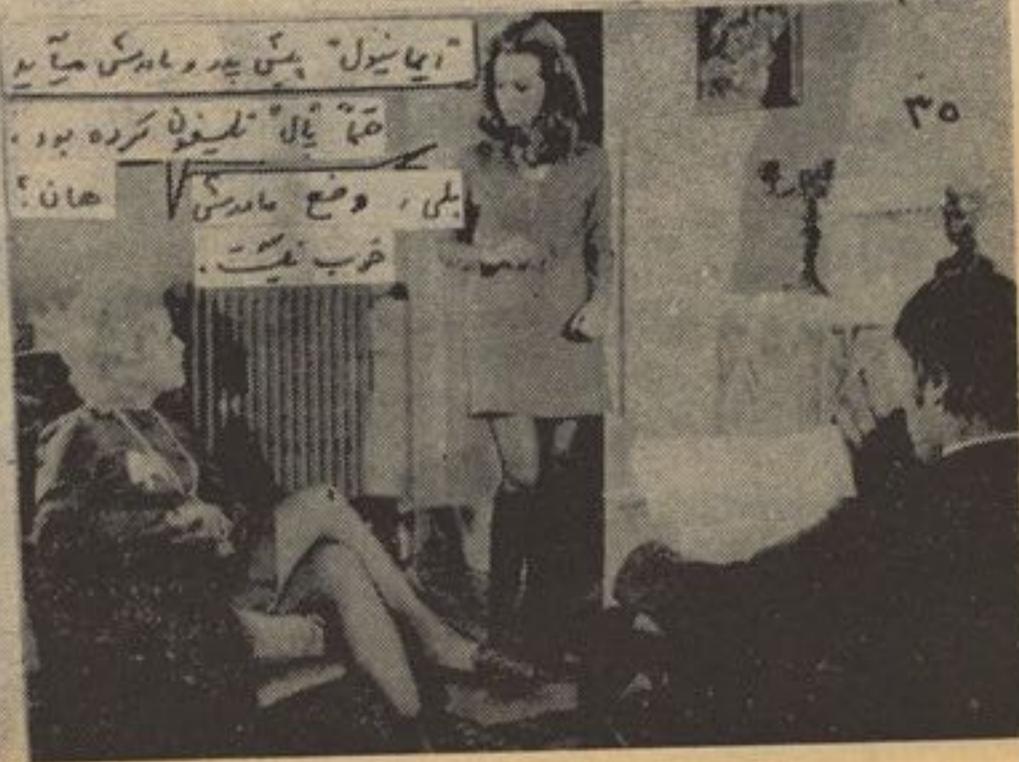


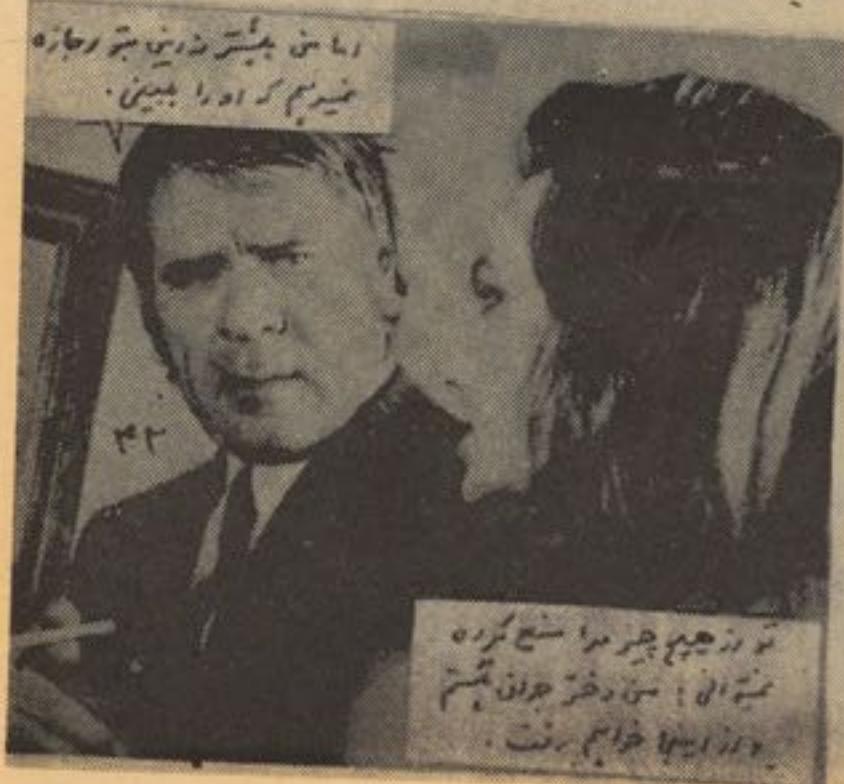
صفحه اول

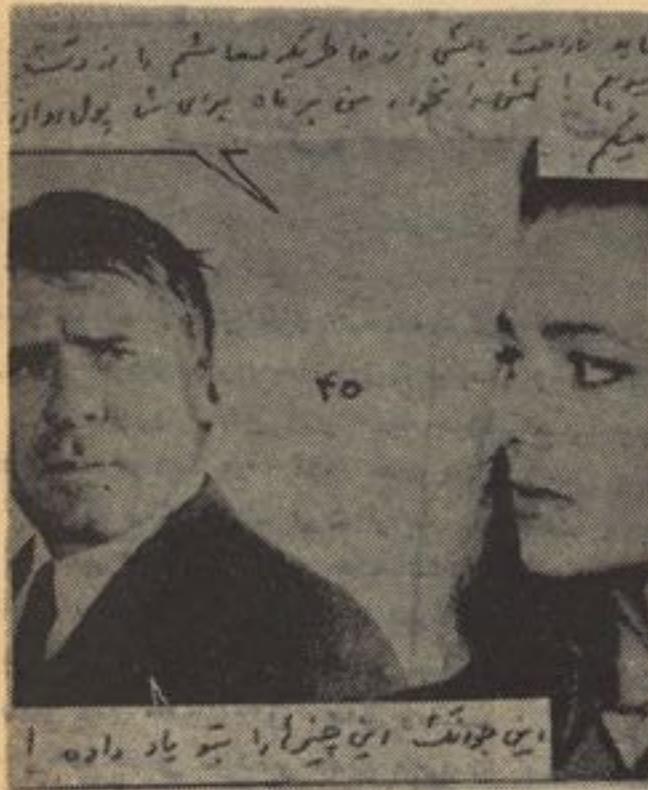
چرا داشتیں را میتوی، هه؟ با "ایمانوی"
لخت و مکنود مردمی.



صفحه دهم







بسااغلى دئىس دولت گفتەند:

عیر ملى ما ضیعن صحیح با آنها پرسید و فرمودند تا تمینا ت نیک شانایه مردم
ن آمدن نظام جمهوری در کشور روشی مناطق خود برگانند.

نامه فرمودند: مقالات جدیدتر از رساله، به های نوکر

فاید و آسایش همه جانبه مردم این سو
ازینکه بالغی رئیس دولت و صدراعظم آنها
را برای ملاقات پذیر فتنه اطهارسپا سگزاری
نموده هر نوع ایثار و از خود گذری داده
برآورده شدن اعمال دولت و انتظامی کشور در
ی دسته جمعی همه مردم این خالقی باز
برخواه نظام جمهوری و عده داشند.

پس از این دو آن را در اخیر روسای درین موقع فو ماندان قوا یعنی کر قوم ایدان
تیم های بزرگی را به حفظ اصالت ناز یعنی عمومی امتبه و رئیس اعلیک نیز حاضر
باشد و روش عملی و معنیان گستردن آن توصیه شودند.

٢٣٦ مذكرة

دوا لاغیہ مشتوک

موضو عات عمهه بين المللی بشمول اوقساع
منطقه اي که افغانستان به آن تعلق دارد به
اطلاع دکتور گینجر رسانيد .
بناللی گینجر مذاکرات خود را بازهمای
ساير گشود هاي منطقه به طرق افغانی اطلاع
داد . هردو جانب موافقه گردند که طريق بالفن
راه حل دائمي دوامدار و صلح آميز برآيد پر اينها
و اختلافات موجوده بين دولت ،ها مذاکرات عثبات
گرفته است ابراز خرسندی نمود .
و جامع بين عمهه جوانب ذي علاقه ميباشد .
وزير امور خارجه امر يكما آرزو منتهي به اميدا

هر دو جانب از روایط گرم و دوسته ایکه بین
جمهومات شان موجود است اثبات خرسندی گردند.
وزیر خارجه امریکا با برآز امتنان از بن
خومنی که برای بازدید از افغانستان یافته
ترقباتی را که حکومت عمردم جمهوریت
افغانستان حاصل گرده اند تقدیر گود.
وزیر امور خارجه امریکا همچنان تعنیات
گرم شخص رئیس جمهور فورد رایس
پائولی محمد داؤد تقدیم نمود.

شخص من مربوط بوده است از همچنان نوازی
که از عن بعل آمده خیلی متحسن شده ام
میخواهم یک بار دیگر تکرار کنم هم با افغانستان
روابط نیک دارم و این روز بروز بهتر میشود.
دکتور هنری گیستبرو وزیر خارجه امریکا
تقدیر خودرا نسبت به این بازی پاسخانسی
و حضور افغانستان ساخت ۲۰۵۳ دقیقه بعداز ظهر
آذغانی و شطوارت همای چاپ اندازان ابراز
۱۰ غرب از کابل عازم تهران گردید.
دانست و لامدند راهورد نهادند.

دکتور عبدالعزیز وزیر عالیہ بنغالی معملاً بنگالی عبدالواحد اعتمادی وحید عبداللہ عین سیاسی وزارت امور خارجہ الیک سبھول سپورٹس ویاستی بزرگش بنغالی عبدالغفران شوٹ مدیر عمومی سیاسی رائے دکتور گیتھر افلا نہود۔
دکتور رسی محبوب رفیق منصف ویاست دوکتور هنری گیتھر وزیر امور خارجہ تشریفات بنغالی فیرشمس الدین مدیر شعبہ ایلات متحده امریکا بناید گوت حکومت الفانستان سوم سیاسی و بنغالی محمد اور نوروز برائی بازدیدہ رسمي ساعت نہویت جاء دقیقہ صحیح معاون ویاست تشریفات بنغالی ایلیوت سفیر روڑ ۱۰ غرب واد کابل گردید۔

پیغمبر امریکا و بعض اعماقی آن سفارت کبرا
در گردان هواپیمای ملکی کابل بادگستور
دکتور عبدالجعید وزیر عالیه برگشته
و خدیجه الله معین سیاسی وزارت امور خارجه
کیم پیغمبر و داع گردند.

قبل آغازی هفت جانب تهران ابوم مناظر، بنغالی عبدالحسن خوت مدیر عمومی سپاهی مسافرت وزیر خارجه امریکا و خانش که دو گنبد رس معبوب رفیق عتصمی دیاست از طرف شبه عکاسی باخترا آزانس توبیه شده بود توسط رئیس آن مؤسسه به مشارکیه سوم سپاهی، بنغالی محمد اور نوروز معاون تشریفات بنغالی تقدوراً بیلوت سفر کبری و آندا شد.

خبر تکاران با اختراق طلاقع میدعنه که وزیر اخضای سفارت کبری امریکا مقیم کابل در خارجه ایالات متحده امریکا و مردم کسبیه میدان هوایی بین المللی از گنبد رس گستجو و سایر همراهانش ساعت ۲ بعداز شب را و مردم گستجو که درین مسافرت با او همراه مسابقه جالب و عجیب انگیز برگشی که بودند استقبال نهادند.

فہرست مکالمہ

بیش از شش ساعت در میان آتش

- علت حريق تابعه روشن شده است؟

- خیر . ولی یک هیات باصلاحیت پولیس
مطلوب گردیده تا درین زمینه تحقیقات جدی
عمل آورد . فعلاً تحقیق به شدت ادامه
دارد .

- ساخته سریع را تخصیص زده میتوانید؟

- حمدی عیند، اصل وقی برای اینکار
اشتبه ایم، ولی همانطوریکه مشاهده میکنید
سرای عطاری یا تماشی اموال آن و منازل قسمت

بررسی مبارک بیهقی معمای سرای و دین حضرت
ز سرای که جوار سرای عطایی قرار دارد
لهمه حربیک گردیده است. منزل و ایام توان

اد کالهای اطراف آن کاملا بهم جسته

نگاره کار نسیم گرفتند و مبارزه و سیع را با آتش
دست کردند که در نگاره اینجا نشان داده شده است.

سرای های اطیاف و عمارت و منازل متصل
سرای عماری سراست کند

- برای خاموش ساختن حریق چند نفر

ازدوسنار

میر قصد

دل عشق گرد عارضت میستانه میرقصد
بلی چون شمع روشن شند و صد پر و آنه میرقصد
مکر نقاش در بست خانه زد نقش جمال تو
که از شوق تو می بینم بت و بختانه میرقصد
مرا دیروز واعظ و عظ ترک عشق و می میگرد .
شکست امروز پیمان و سر پیمانه میرقصد
دلم چون دام زلف و دانه خال تو می بیند
ز تر س دام میلر زد ز شوق دانه میرقصد
مکر با دصبا از چین زلفس نگهتی دارد
که بلبل به گلستان جعد در ویرانه میرقصد
که باشد در پس برده نوایی دلبری دارد
ز آوازش بین « سوره » را دیوانه میرقصد
« فرستنده: یزدان.ن »

چند و بیتی

شب و صلسن کلو کیر شو ای مرغ سحر
پاسی از شب نگذشتست حه فرماد است این
• • •

امشب بوصل او خوشم ای صبح دم مزن
ای آسمان تو نیز شبم را سحر مکن
• • •

شب و صالح تو دانستم از چه کوتاه است
تو خودستاره روزی چویرده بکشانی
• • •

حرف شب و صالح که عمر ش دراز باد
کو ته تراست زانکه ز دل بر زبان رسید
• • •

ما را ز شب و صل چه حاصل که از ناز
تابندقا باز کنی صبح دمید است
• • •

بعد عمری شب و صلی شده حاصل هارا
مهلت ای چرخ ده آنقدر که ناصبح شو د
فرستنده سکندر « یوسفی »

از: عبدالوحید (فقیرزاده)

عید فطر

ای دوستان ببینید عید فطر رسیده
چرخ فلک ز عشرت قو س قزح کشیده
ساقی صیام بکنشت می ریزد در پیاله
عمریست چشم نرگس مل در قدح ندیده
عید است ای عزیزان صلح و صفائیايد
انسا نیت چه باشد جز خصلت حمیده
دست مرا بگیر ید بردر گه اش رسانید
عمریست کار زو یم بیجا ز من ر میده
ای عاشقان بد یدار حسرت ز دلربا بد
کان مظیر محبت نا ید دگربد یده
تو هم برآز خانه سیری بیوستان کن
بین از نوای بلبل گلشن بخون تپیده
امشب « وحید » ز حسرت داغی بدل نهفته
او را ز بزم جا نان بخت سیه کشیده

درمان

ای خدا خا موش بکن خا موش بکن
ایندل شوریده در سواهی من
آتشی زن خر من عمر مر
خفه بنما در گلو غوغای من
• • •

از تما شاه جهان سیر م دگر
کاش چشم بی فرو غم کوری بود
کاش یار ب حلقه های زندگی
از دو پای ناتوا نم دور بود
• • •

همجو رو دی بر خرو شی زندگی
نیست در من بعد ازین تابشتنا
تن بدینجا لاجرم می 1 فکنم
کن نصیبم زین شنایا ر ب فنا
• • •

گو هری مر کم میسر گرسود
میکنم در مان درد زندگی
(نا دری) با اشتیاق مفرطی
تا جهد بیرون ز قید بندگی
از نصرالله (پرتو، نادری) محصل پوهنتی ساینس .

معالجه امراض کوناگون

کلرژیاهای جوانی این بر آورده شده
باشد. روایا های که از خوا ند ن
رومانتیک چنایی برا یش خلق شده
بود. معهدا با وصف اینهمه شوق
و هیجان رو ما نتیک او یک ما مو ر
لایق و بولیس فعالی بار آمده بود
انگیزند. گاهی یک علاقه نهای نی
فاکنر ضمن صحبت به هو گخاطر
برای دنبال کردن و در یافتن محالات
نشان ساخت: هوگ! ماباید به این
مشترک آندو می باشد.

و مسایل غیر قابل قبول یک آدم
چون را براهی می کشاند تا از طریق
توسل جستن به علم و دانش در یچه
اسرار را بگشایند ولهمذا با داشتن
افکار و عقاید خرافی از علم استمداد
می جویند غیر عقلانی و عجیب
نیست؟ این چنین افراد از علم
انتظار کدام اثبات را برای عقايد
خرافاتی شان ندارند، بلکه لاشعوری
امیدوارند که کدام دلیل برای ۱ و
معتقدات شان پیدا نشود. بلی من
در الماری کتا بھائی پرو فیشد
چر میچل متوجه و جود یک سلسله
کتابها پیرا مون سenn نذر و خیرات
و دانش شناخت اسرار شدم. اما
نمی توائم حدس زد که کتا بھا
متعلق به پرو فیسر میباشد یا
همسرش شاید درینجا هم یک کجکاوی
در پشت این جریان پنهان باشد،
مشکل است این موضوع را حدس زد
هوگز زیرلب اظهار داشت: صحیح
فرمودید.

بعضی نیا یش ها و پر سش های عوگ بیشتر به مفکرة کشیش‌ها خرافی را به شتون هیگ مر تبط و به قربانی کردن او نذر شان در معبد بیندارند و این محل را شا یسته کشیش‌ها و به قربانی کردن نذر و نیاز‌های تلقی مینما یند و من و نذرشان در معبدشون هیگ تمايل کمیشه باشک و تردید در بازه داشت.

www.ijerph.org

باید قدری انتظار پکشند تا لینکه موثریت فزاینده در معالجه امراض
نشار به تدریج پایان بپاید یا نین قلبی سکته قلبی امراض شش ها
وردن فشار دفتغا برای اور گانیزم علم کفایه قلب وغیره دیده شده
مرر داشته مثل اینست که از است .

عمق بسیار زیاد به سرعت به سطح بلی پیشرفت زیادی نصیب جراحی
زمین خیز نماید. گردیده است.

یک محفظه فشار سنج تحقیقاتی یکی از جمله مشکلات اصلی در عملیات دیگری نیز موجود است که تحت عادی عبارت از انسنست که جسراخ شرار پسیار بلند فعالیت می نماید شرایین بزرگ راقطع میکند درین دریچه بدون اشتراك جراحی می توان صورت تهیه اکسیجن برای نقره دری را اعلاج کرد.

عضلات توقف می نماید آنها شاید عصر جلدید درجرایی: در محفظه ازین بروند در محفظه های فشاری مای فشار امید نجات از بیماری این اقدام آن قدر خطرناک نیست مراض موجود است. در شفاخانه بقیه در صفحه ۵۶

کلام گلنيك دидеه ميشود. محل کالا
کشيدين اجازه نامه مخصوص برای
انجام داده ميپاشد در آنجا يك ميز
برای گذاشتن سامان هاي جراحي
من يسان ساري بالاپوش هاي بعداز
عملياتي اتفاق داکتران و همشيره ها
گذاشته است.

لا برآتوار تحقیقاتي انسستیوت و شعبه
مخصوص برای نگهداری سا مان
و وسایط عملياتي از قاچير ميكروپها
گردد درینصورت گروپ داکترني که
در تشکيل آن هشت داکتر شا مل
است به محفظه عملياتي که در آن
و غيره .

دریک محفظه فشار سنج بسیار جا فشار هوا به ۱۲ الی ۳ اتمو سفیر بزرگ آزمایشات را در پسالای علاوه کی می رسد داخل می شود . حیوانات اجرا می نماید این دستگاه درینجا عرضیز به شکل عادی است هاو چند دستگاه دیگر که از سه فقط تماما وسایط الکترونی جهت محفظه فشار سنج فلزی بزرگ جلو کیری از مشتعل شدن حریق ساخته شده دریک اتاق بسیار بزرگ به خارج محفظه پرده شده است در طبقه دوم چایخانه است در طبقه داکتر بیهوش کننده از طریق یک دوم سالون عمومی (اصلی) شفاخانه ساختن کوچک می تواند درجه الات میباشد در مرکز سالون عقربک را بکوید غیر ازین در پیش روی پولت خارجی یک نفر داکتر سه پولت او پرا تور ها قرار گرفته است عقربک های آلات تشخیص کننده همیشه موجود است اندازه گیری درجه حرارت فشار در داکتر مذکور از حالت شخص مريض محفظه هاو وضع هریک از مريضمان را نشان میدهد درینجا مخابره تیلفوئی فشار فقط از طریق نل های مخصوص تیلو زیونی ولار و نکو فونی تامین گردیده است از طرف مقایل در ذیر شود مردمان بالباس های پنبه سقف يك ميدان ديلده ميشود كه ملبس هی باشند به نسبت اينگه ازان می توان سالون عمومی را در لباس های مصنوعی سینیکی برق مشاهده کرد منظره آن از کدام يك ستاتیکی ذخیره می گردد.

فلم علمی و فانتزی نمایندگی مینماید چراغ های عملیاتی در مقابله با اولین قدرتیه اول وقتیکه به طبقه اول انقلاق مقاومت داشته و انقلاق نمی داشت شوید به فکر آن می افتد که انقلاق مقاومت داشته و انقلاق نمی در بین یک جنگل انبوه راه را گم کنند دیوار های محفظه فشار سنج گردید. نل های فلزی هر طرفشما تماما از زنگبای مخصوص صن ملون را احاطه کرده است کامپرسورها شده است.

دستگاه‌های سرد پولت اتو ماتیکی ، به عین غلت است که قبل از سیستم های اشاروی و مخابرات را شروع عملیات پایه‌دهام لاشیا فلزی هر طرف را احاطه کرده است تمام‌این از جان خود بیرون کرده و در بیرون نخنیک معلق و عصری طوری تهییه محققته باید گذاشته شود به نسبت اینکه از ضربه فلزات وجو هرات گردیده است که برای هر یعنی بالکل شاید جرقه های برق بوجود بیاید مناسب و مستریح بوده و برای فعالیت داکتران بسیار با امنیت باشد. بلی اشخاصیکه در اثنا عملیات هابا مالون عمومی برمی گردیم حاضر بودند آنها می دانند که ناهر یک از محققته های فشار سنج سالمان و آلات الکترونی که میب

۱۱) مطالعه کنیم از همه اولتر ماین سالخوردان قبل از عملیات می‌رسیم یک تاق نه بسیار پرگردید با دیوارهای شیشه‌ای در آنجا داکتران جراح سستهای خود را شسته و بلبای سی خصوص خود را ملبوس کرده و بعد از آن به مجرانی که در آنجا فشار درانی بله تدریج بلند می‌شود دا خل می‌بوا

علمی‌شیر فوایی

علال الدین مشبیدی باجستان نیمه بازیم
مواری وارد شد سلطان مراد را دعوت کرد تا
باوری نزد توغان بیک برود سلطان مراد به بیان
اینکه مشغولیت زیاد دارد از وقتی باوری
مقدرت خواست.

درین شهر کسانی راهم دیده ام که از افراد
در مطالعه کار ثان به جون کشیده است.
علال الدین بانارضامندی ادامه داد آیا مصیبتی بدتر
ازین وجود دارد که انسان باید تقویه عقل از
خردگانه کردد؟ بامرا هزاره کن:

سلطان مراد با پنهانی گرفته جواب داد:
سخنی کتابها مایه تسلی من اند ورن فعلی از
مشاهده همانی که برگشتو آمده است دیوانه
میشدم.

سچانی برای شکوه و شکایت وجود ندارد این
چرخ کهن هر روز برگزیده فرموده داشت را
مقدمه بشمار و بگوش تا دقایق زندگی را به
شکنودی سیری کنی. بدن تردید، توغان بیک
زیک کدورت از تعالمایی مخواهد زیاده درین روز
هاطالع او گل کرده است.

چطور؟ سلطان مراد اظهار علاقه کرد:
علال الدین مشبیدی معرفه از جای داد
معکر اطلاع نداری؟ توغان بیک در زمزمه قهرمانان
دوره میرزا یادگار در آمده است!

پیشنهاد صفحه ۶۲

حجره کوچک نیمه تاریک شب و روز به مطالعه
استغای داشت. گاهی دوست او زین الدین
اعلامات توینی با خود می اورد داشتند جوان
با تأثیر آنها را می شنید و آشی پیکاری را گاه مایه
اندیشه اضطراب و نامنی کشیده بودند
میگفت و ب اختیار درباره عوایق و خیم خواست
که روی میداد میانه شنیده این وقایع در نظرش
نمایه امری مقدور نیروی غیر قابل تردید
شاید تیول (۱) نویسید شان.

جلوه میگرد و چون خویشتن را توجیه میسیز
آن درجه مطلب یافتوان میدید در آتش درد
و آندو خویش میگذاشت و باز هم در لای
کتابای گرد آلوه فرو میرفت.

شاملگاهان روز سوم درود پرشکو میرزا
خشندوی سیری کنی. بدن تردید، توغان بیک
زیک کدورت از تعالمایی مخواهد زیاده درین روز
هاطالع او گل کرده است.

علال الدین مشبیدی، بخاطر میگویند میکنند
و باعطفش در همه جا حکمروی داشت. جلال
بعزم تعاشی چشم پرشکو هن که باختصار
سلطان جوان برای گردیده بود از مدرسه بیرون
رفته بودند.

میرزا یادگار هیچگونه معلوماتی درباره
اداره امور مملکت نداشت و نیخواست درین
زیمه چیزی بیاموزد. شیخزاده فرودخه در خود
ازین کدوشمن او حسین بایقرضا در کجا مستوفی
میکنند و چه تصمیمی دارد که تین نشویشند در
نشست.

میرزا یادگار هیچگونه معلوماتی در خود
دستور دادن افرا آماده حرکت شوند.

تمام قشون شب و روز را بیموده در
موقعیت بنام (او لئک سرتاغ) توقف کرد.
درین انت اطلاع رسید که معاشر سلطان محمود
میرزا در قلعه خود بین دو آتش کبر

شده و محاذل عیش و نوش اوج کرفت
امور دولت را پایانده سلطان بیک انجام

میداد. طبعاً دلسوزی این خانم بخاطر برادر
زادش بآرزوی اذی را فرودن به حیثیت در

اعتبار خودش بیونه ناگفته داشت اوچین
می پندشت که حقیقتاً به آرمان خود رسیده است

دشمن در میدان کارزار میهراست (از تحقیق بریک)
چاچیت رسید و ناگزیر بود هاند مرغ آشیان کم

یافته بود. علال الدین مشبیدی و شعرای دیگری
پسیمه اوچکامه های درستایش او سرور نداشته
ای از سپاهیان خویش را از داده بس

سری های سر کرد کان توکین خانه دهد بر
عکس پاگزیر بود. با آنان راه سازش در

کبرد، زیرا تمام نیروی جنگی در اختیار آذن
تصرف خود نکهارد. اما خیلی زود ازین تصمیم
خود برگشت و حصار را قابل اعتماد ندانست

را به قدرت رسانیده و میباشیست طربن بر زبان
لین حمایش کنند اما این سر کرد کان به پرسو

استفاده از موقعیت و صلاحیت خود آغاز نمودند.

در هر دو دفعه از این خود سری و بیرونیاری
فرزونی یافت. مردم تحت فشار شدید قرار
گرفتند.

درین روزهای دشوار و پراز التهابی که بر
هرات آمد سلطان مراد تقریباً از مدرسه میرزا

لر فرستاد دیوارهای سنگی مدرسه بزرگ
که نظیر حصاری عظیم دامن کسترد و بود در کج

(۱) تیول زمینی بود که سایقاً از طرف سلطان
ویادولت به اشخاص بمنظور بود. برداری داده

خانان به جاهی که گندم آند خود فرو خواهد
افتد نباید شهامت را لذت داد. درست است
که وضع خیلی دشوار است، اما هر کار با اعتماد
توام باشهمت و ایمان دست بکار برده شود.
مکن است هر کوئه میانی را که میتوانم بین

به هدف است، از میان بوداشت حالاً باید به
میان توجه یجدی مبنول داشت یکوشیده تا
اسران موجود از دست نرونده باید پیوسته با
آفان بود. وای برحال حکمرانی که از میان
خود جدا نمیشود!

حسین بایقرضا یا نکاهی تفکر آفیز پرسیده:
پلان یعنی هارا چگونه نصور میکنید؟

نوایی بیون تردد پاسخ داد:

سحالاً باید ازین محل خود را گوشه کرد. در
پایاخت آدمی میادی زیاداند، مشاهیدن از

به کم آنان از تسامع اوضاع مطلع گردید.
همینکه فرموده مساعد دست داد میتوان باید

اقدام قاطع به این وضع فلاکتیه را تهیه داد.
حسین بایقرضا پیشمان خود را بسته، لحظه ای

خاموشاله غرق تفکر شد. پادستعمال عرق چیزی
خود را پاک کرد ساین عرق سرد خفیت تلخ و

دمعت آنکیز بود. سپس آمی کشیده از جما
پیشاست و پیشادی لرزان به بیک های خود
دستور دادن افرا آماده حرکت شوند.

تمام قشون شب و روز را بیموده در
موقعیت بنام (او لئک سرتاغ) توقف کرد.
دین انت اطلاع رسید که معاشر سلطان محمود

میرزا در قلعه خود بین دو آتش کبر

حسین بایقرضا در قلعه خود بین دو آتش کبر
ماله بود و دستور پسیو ناج و تخت خسروانه

اش در از شده بودند میباشیست هر دو دست را از
زد از شد. پادشاهی اذی را فرودن به حیثیت در

اعتبار خودش بیونه ناگفته داشت اوچین
و پیروزی خود نداشت. او از روپوشدن با

دشمن در میدان کارزار میهراست (از تحقیق بریک)
چاچیت رسید و ناگزیر بود هاند مرغ آشیان کم

یافته بود. علال الدین مشبیدی و شعرای دیگری
پسیمه اوچکامه های درستایش او سرور نداشته
ای از سپاهیان خویش را از داده بس

(نوه تاغ) آمد و چینی سنگید که حصار مستحکم
عکس پاگزیر بود. با آنان راه سازش در

کبرد، زیرا تمام نیروی جنگی در اختیار آذن
تصرف خود نکهارد. اما خیلی زود ازین تصمیم
خود برگشت و حصار را قابل اعتماد ندانست

را به قدرت رسانیده و میباشیست طربن بر زبان
لین حمایش کنند اما این سر کرد کان به پرسو

استفاده از موقعیت و صلاحیت خود آغاز نمودند.

در هر دو دفعه از این خود سری و بیرونیاری
فرزونی یافت. مردم تحت فشار شدید قرار

گرفتند.

درین روزهای دشوار و پراز التهابی که بر
هرات آمد سلطان مراد تقریباً از مدرسه میرزا

لر فرستاد دیوارهای سنگی مدرسه بزرگ
که نظیر حصاری عظیم دامن کسترد و بود در کج

(۱) تیول زمینی بود که سایقاً از طرف سلطان
ویادولت به اشخاص بمنظور بود. برداری داده

فصل ششم

حامیان میرزا یادگار با اینها مهارت و
استادی کار را بیش میبرند. پایانه سلطان

بیک. یکی از شاهدخت های معتبر، بر اساس
تشویش و رهنه ای اشخاصی چون امیر فرید

الدین بر لام از منزل خود را در خارج از شهر
هرات، به شور و از شد و باز خود ساختن

منطقه این پایاخت بیکها و عاملان خان، قرار
برادر زاده خود را بحیث سلطان خراسان اعلام

کرد. از قرآن دزهای پایاخت (شادیانه) توخته
شداد دستور داد تاخته نیز بنام میرزا یادگار

معالجه امراض گوناگون

بلی طوریکه قبل از یاد آور شدیم خواب راقطع کرده و از نرسیدن
(دریای حیاتی) درینجا عبارت از اکسیجن پمپ سر هیچ ترس ندارد
تمام این عملیات به کم محفظه
های فشاری در ظرف ۳۰ دقیقه صورت
میگیرد و در قلب باز شده از جرا
عملیات بسیار ساده می باشد. از
جراحان مخصوصاً از اینکه خود میگذارد
می تمازد که خونی را که پمپ ها
بوده و چندین ساعت را در این قریب
در مرحله اول یک کار بسیار طریق
صورت می گیرد در شاه رگ مذکور
یک ترتیبات کوچک رامی دوزند
بدین ترتیب خون یا یاد به عضلات
مغز از راه این ترتیبات علاوه کی جریان
بیدا کند و در اتفاقیه شرائین اصلی
راقطع می نمایند و ترسو سپ را در
یک ترتیبات کوچک رامی دوزند
بدین ترتیب خون یا یاد به عضلات

مغز از راه این ترتیبات علاوه کی جریان
بیدا کند و در اتفاقیه شرائین اصلی
راقطع می نمایند و ترسو سپ را در
یک ترتیبات کوچک رامی دوزند
در این روزهای دشوار و پراز التهابی که بر
هرات آمد سلطان مراد تقریباً از مدرسه میرزا

لر فرستاد دیوارهای سنگی مدرسه بزرگ
که نظیر حصاری عظیم دامن کسترد و بود در کج

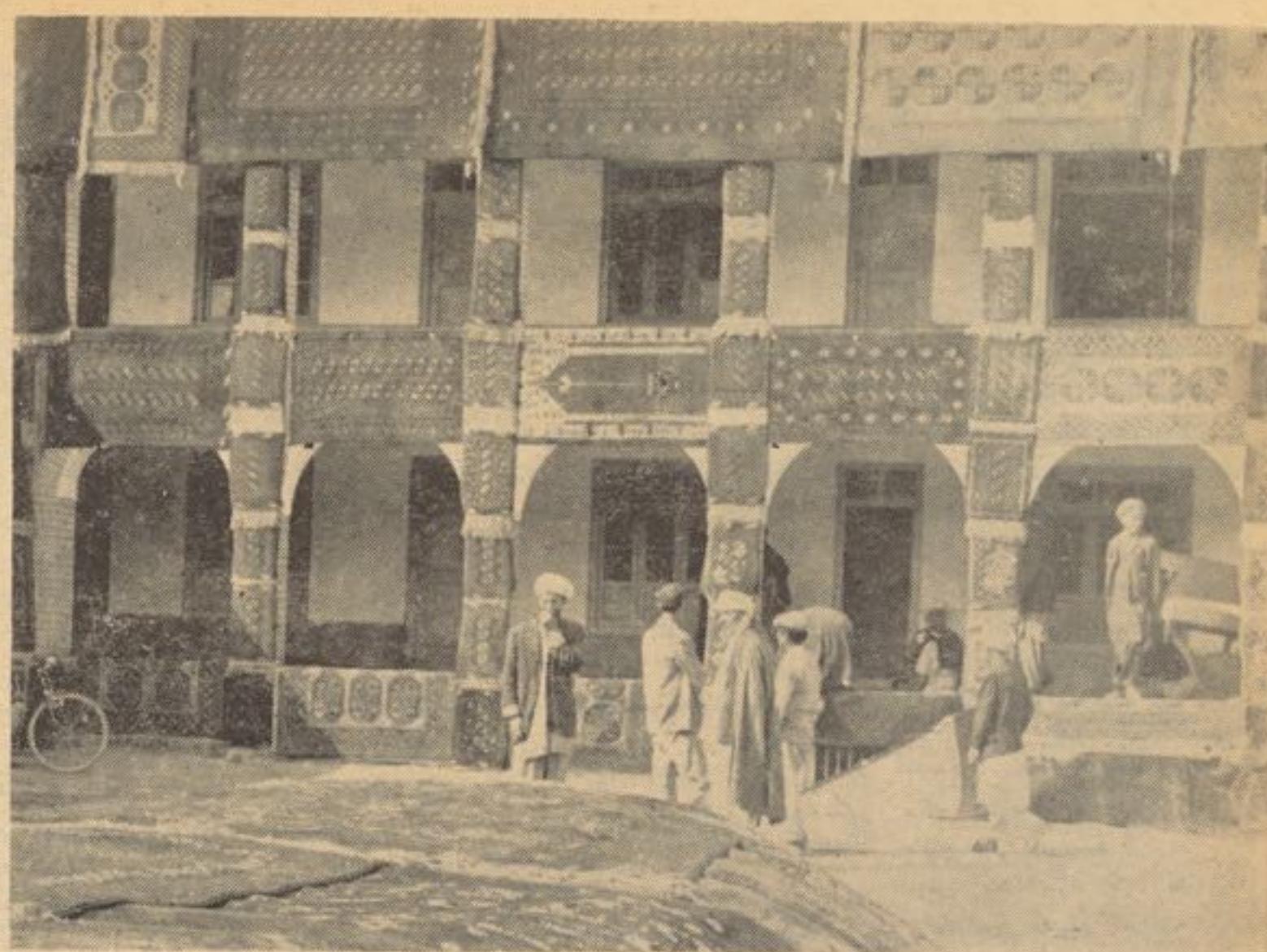
- قالین های کشور ما دارای خصوصیات و مزیت های خاصی می باشند که از همین سبب محبوبیت جهانی کسب کرده اند ، از جمله دست بافی استفاده از پشم خالص پختکی رنگ ، دوام زیاد قالینها ای افغانی نسبت قالین های بعضی ممکن است که در چشمگیر است و تو جه اکثر خارجیان را به خود جلب کرده است .

با وجود آن ، اتحادیه قالین برای بهبود کیفیت قالین و انتشار صادرات آن پروگرام های خاص را تنظیم کرده که از جمله سورت و عدل بندی ، کنترول قالین های صادراتی ، دایر ساختن نمایشگاه ها ، برگزاری جشن قالین و توزیع مدال ها و جواز برای مولدهاین را می توان نام برد .

وی افزود :

- هیجان تبلیغات جهانی ، نشر پامفیلیت های مصور به السنه خارجی و اشتراک در نمایشگاه های بین المللی ، از اقدامات دیگر ماست که باعث صعود قیم و تزیید صادرات آن شده است .

می پرسم :



گوشه بی از جشن قالین در کشور

در نه و لایت کشود... ۵۰۰۰۰۰۰۰

الصادرات قالین افغانی به خارج
بیالانه به چه بیانه می رسد ؟
رئیس اتحادیه قالین درین سورت
بلژیک ، اتریش ، سویڈن ، فنلاند
بیروت ، جده ، جاپان ، فرانسه
کانادا ، هند ، پاکستان ، ایران ،
نیوزیلاند ، ناروی ، بنگالو افریقا
هر سال در تغییر است ، مثلا در سال
۱۳۵۰ در حدود (۴۵۸۴۴۱) متر
مستقیماً صادر می گردد .
ظرافت قالین های هرات و
بادغیس ، استحکام قالین های
فاریاب و بلخ و مقدار تولید قالین
در ولایات جوزجان ، بلخ ، فاریاب
و کندز حائز اهمیت می باشد .

قالین های مری هرات و بادغیس
وقالین های آلتی بو لکی و آچجه می
در مارکیت های جهانی شهرت
مارکیت های جهان صادر و عرضه
شده است .
از رئیس اتحادیه قالین می
خواهیم تاکمی پیرامون نقش این
اتحادیه و اعضای آن روشنی انداد .
وی میگوید :

از گ سر آب
در ۲۳ مملکت آسیایی ، اروپایی امریکایی و افریقا مارکیت های
فروش قالین افغانی وجود دارد .
۲۶۳۲۵۶ هتر مربع قالین در نیمه اول امسال به خارج صادر
گردیده است .

مزیت قالین های کشور ما ، در مارکیت های بین المللی ، تو جه
مالک مختلف جهان را جلب کرده است .

برای انشنا ف صنعتقا قین بروگرام های وسیعی طرح گردیده
است .

کلکان هنر آفرین قالین بافان
همین اکنون در نه و لایت کشور
افغانی ، باعث گردیده تا شهرت
در حدود یونجصد هزار نفر بصورت
مستقیم و بدور مستقیم به
اتحادیه صادر کنندگان قالین در
دست ترین نقاط دنیا بر سر و این
صنعت قالین اشتغال باشند .
باشند .
خوبی کسب کرده است .
بنگالو خان محمد رئیس
اتحادیه صادر کنندگان قالین در
دست ترین نقاط دنیا بر سر و این
صنعت قالین اشتغال باشند .
خواهیم تاکمی پیرامون نقش این
صنعت ملی قلم درشت صادراتی
دارند و قالین های افغانی نسبت به سایر مالک
کشور را تشکیل بدند .
وی میگوید :



این چهره‌ها ظریفترین محصول افغانی را عرضه میکنند.

چنانچه نتیجه فعالیت‌های آن برای بهبود کیفیت و تزیید صادرات و توسعه مارکیت‌های تجاری و بالاخره صعود قیم قالین در خارج عمین حالا محسوس است.

آخرین برسیم را پیرا مون سابقه صادرات قالین، با رئیس اتحادیه صادر کننده قالین بیان آمده سه نفر نمایندگان وزارت تجارت، پیشنهاد تجاری بانک و بانک ملی و نوزده نفر تجار، هیات مدیره این موسسه را تشکیل می‌کنند.

بناغای خان محمد می‌افزاید: «به تأسی از اهداف اقتصادی دولت جمهوری افغانستان این اتحادیه توائی است، تا در ساحة اکتشاف صادرات و اصلاح جنسیت قالین‌های افغانی نقش بارزی بگیرد.»

الصنعت قالین اشتعال دارد

در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم، تجارت قالین افغانی در حلقه محدودی از کشورهای همسایه محدود بود.

اما در حال حاضر خوشبختانه قالین افغانستان به وسیع ترین مارکیت‌های اروپا، امریکا، آسترالیا، افریقا و آسیا راه یافته است و شهروت آن‌ها روز بروز در جهان بیشتر می‌گردد.



قالین افغانی ذیباتی خیره گنده‌ی دارد

– مطابق به اساسنامه این اتحادیه فعالیت در راه اصلاح و انکشاف صنعت اصیل قالین افغانی و توسعه بازار یابی آن در جهان، از وظایف اتحادیه صادر کننده قالین مسی باشد.

این اتحادیه که یک موسسه‌غیر انتفاعی بوده، از طرف تجار و موسسات صادر کننده قالین بیان آمده سه نفر نمایندگان وزارت تجارت، پیشنهاد تجاری بانک و بانک ملی و نوزده نفر تجار، هیات مدیره این موسسه را تشکیل می‌کنند.

بناغای خان محمد می‌افزاید: «به تأسی از اهداف اقتصادی دولت جمهوری افغانستان این اتحادیه توائی است، تا در ساحة اکتشاف صادرات و اصلاح جنسیت قالین‌های افغانی نقش بارزی بگیرد.»

خانواده‌ای در گیردودار توفان

به کمک دیگران نمود . من تا اکنون بوسیله نسیم ملایم نکان می خورد . از جر آت او فخر می کنم ولی تا اکنون اطفال بحالات عادی مشغول توب بازی حال نسبت به او متاثر شدم . بودند و زنها برای خرید بیرون کمی بعد تر موتورهای امبو لا نس رسید و زخمی ها را حمل نمودند .

در شفا خانه ، در اتاق عاجل مشعله ای بر پا بود ، دیگر جایی برای بستره نبود لذا اتاق کافتری را باز کردند و فرد و دیگر زخمی ها با سرعت مورد توجه قرار می گرفتند . سریع نفر دیگر میز ما نشسته بود ، چاق که نزدیک میز ما نشسته بود ، ویک نفر دیگر چند میل دور تر گروهی از دکتوران و نرس هابه هنکا میکه اتا قشن از شدت تو فان شدت روی فرد کار میکردند او پس در هم کو بیده شده بود ، جان سپرده از سه ساعت بهوش آمد . ز خمث بود ، هفت لاری و ۱۴ موتور بکلی از سصد کوک خورد .

در اتاق زنانه به آینه نگاه کردم . این توفان به درازای ۱۰۰۰ فوت باورم نمی شد که من هستم . لباس ساخته بود هزاران درخت از ریشه باخون و چرك آلوده شده بود . موی برآمده بود .

هایم بر از گل و روغن بود سللن بهتر معلوم نمی شد .

ولی بزودی دکتور ها و نرس ها بمارسید کی گردند و پاسمنان نمودند . بعدتر از اینکه طفلك کوچک نجات یافته بود بسیار خوش شدم . روز دیگر به بچه ها تلفون کردم و واقعه را گفتم موتور ما به شدت در هم کوبیده شده بود . فرد برای ده روز به شفاخانه ماند و بعد به کار باز گشت .

زندگی عادی بار دیگر آغاز یافت دور تر همه چیزی ای بوده آفتاب می درخشید . بر گهای سبز ولی من هرگز این لحظات را فراموش درخت ها زیر نور طلایی رنگ آن ، نمی کنم .

خواهی شان در داخل یک نظم و العمل خود را درباره آن تبارز داده ترتیب دنبال میشود و علاوه تا این وزیر اطلاعات اسرائیل گفته است که تصویب کنفرانس ریاض معنی تشکیل یک دولت فلسطین را در غرب رود اردن دارد و اسرائیل با این پلان مخالف میباشد .

ولی اسرائیل فرا موش کرده است که فلسطین یک واقعیت بوده و در آینده هم بعیث چنین واقعیت هست و دوام زندگی خود را بیش خواهد برد چه پایه های استعمار ، توسعه طلبی و صیهو نیزم هر روز ضعیف و ضعیف تر شده میروند و در نتیجه فلسطینی ها موقف و موقعیت خود را تثبیت خواهند کرد .

احمد ضیا خوانده

توانسته ام بصورت علمی و فنی مورد علاقه بوده اند و تعداد زیاد دی میخواهند با هنر مندان آشنا شوند احمد ضیاء در مورد هنر موسیقی در کشور گفت :

احمد ضیاء در پاسخ این سوال که آیا در آینده بعیث یک هنر مند شناخته خواهد شد گفت : سر زمین باستانی و هنر آفرین البته در مقایل عزم متین استعداد پیشتر کار بودن اشکالی نیست که انسان به آنجه میخواهد برسد . واين یکی از آرزو ها و آرمانهای دیرینه ام بود و میباشد . از پروگرام های رادیو یاد آور گردید :

بروگرام موسیقی رادیو افغانستان توانسته است خدمتی را درین اواخر برای مردم خود انجام دهد از جمله پروگرام موسیقی برای هر ذوق آهنگها و نغمه های مختلف را به سمع شنو ند گان خود میساند که اسباب خوشی را فراهم میسازد . در اخیر گفت :

قبل ازانه برادیو افغانستان آواز بخوانم در چندین کنسرت ها در لیسه نعمان ، جمنازیوم استیتوت پولیتکنیک و ادیتوریم پو هنتون کابل حصه گرفته ام . هم چنین در شرایط نا مساعد رو برو بودند . اکنون نظام جدید جمهوری جوان ماسعی میکند هاند سایر کارهای که صورت گرفته بود اشتراک ورزیده بودم ، در خلال آن شباهی خجسته بیهودی آرکستر آماتور آمریت موسیقی به کمپ حریق پو هنتون نیز کنسرت داده ام .

(باقیه صفحه ۸)

موسسه آزادی

این پیروزی موسسه آزادی فلسطین در حقیقت خیالی ها در خور از زش و اطمینان است . چه بدینوسیله نحس است از همه زمینه آن مساعد خواهد شد تا مطابق پلان قبلی یک حکومت جلای وطن آن موسسه تأسیس گردد . غالبا این حکومت در طرابلس منمر کز خواهد بود چه رهبر لیبیا قبله موافق خود را برای یاری فتن مرکز این حکومت در طرابلس اجلالیه مجتمع عمومی تأثیر عمیقی داشته است .

وقتی حکومت جلای وطن خود را ساختند آنگاه فعالیت های آزادی تعقیب فیصله کنفرانس ریاض عکس -

مو صوف در مورد اصالت هنر گفت :

در نظر من اصالت و نجابت یک هنرمند در اجتماع خیلی ضروریست زیرا هنر مندان تیاتر ، سینما ، موسیقی و غیره هر کدام کوشش میکند چیزی را از اجتماع بکیرند و بطور سچه واپس برای اجتماع تقديم کنند و هنر را برای مردم عرضه بدارند .

درین صورت لازم است که هنرمندان ما با اصالت هنری و افغانی که دارند نمونه اخلاق پستنده انسانی باشند بخارل آنکه هنرمندان بیشتر

علی‌شیر نوائی

به‌جیب فرد برد، قصده مطولی را کشید
مدح پایینه سلطان بیک سروده بود بسرون
کشیده خواند و آنرا به توغان بیک سپرده
تابه آن «نادره دوران» تقدیم نماید.

سلطان نعماد از توغان بیک بفرستد:

شما درباره ذکالت و درگ این زن جه
عقیده دارید؟

- همه اورا گنجنه خرد می‌کویند توغان بیک
با خندق ای زیر کایه‌افزوده عجب‌حسنه
دارد امامن تاکنون دروی هیچ‌کونه علامه‌ای
از خردمندی ندیده ام!

علاءالدین مشهدی باسوز تائیر و اعتراض

کرد اما توغان بیک بدون آنکه در پاسخ‌وی

جزیی نگوید روی مسائل دیگری حرف زد

سلطان مراد از او درباره وظیفه کشید

و ضمناً از وضعیت حسین بایقراء و پکونکی

تبره هایش سوال کرد. توغان بیک راجع

به وظیفه خود همینقدر گفت که «از همان

سلطان جوان می‌باشم» وحالی ساخت که

وضع حسین بایقراء دشوار است. جوانانش

دسته دسته می‌گیریزند، هی آیند و به میرزا

یادگار می‌پیوندید و در آخر صحبت بی‌صدای

موگد گفت:

(ناتمام)

چشمان خودرا بست و خاموش ماند بعد از
الکه‌نور بابا خوان گسترد و دروی آن انواع
میوه چیزه شاهزادگی شکفت. ا و طور
متصل بسته و بیام می شکست و درستایش
هوای طبیعت «بادغیس» سخن‌میگفت با برجهه
شدن خوان سلطان مراد تقاضای بازگشت
بیود درین آن صدای حرکت اسب‌ها یک‌گوش
رسیده. علاء‌الدین مشهدی از خرسندی
شکفت و سلطان مراد را به نیستن وادار
ساخت لحظه ای بعد توغان بیک با پس
موازنگی از درواردش چشمانتش از مستنس
می‌درخشدند از دیدن مهیا غان خوشحال
شد و به توربایا دستورداد تا فوراً طعام
و شراب بیاورد بیاله هارا بفرسخه بانها
تقديم داشت و خواهش کرد نایتوشند.

علاوه‌الدین مشهدی از همان قدر اول سرشار

گردید و تسلیل سخنان خودرا از گفت

می‌گردید و هیجان سلطان مراد افزود و ناگزیر

شد پهلو قطع زبان علاء‌الدین حرف بزند

او توالتست باسانی الیات نماید که نادهم

شاعران معاصر، قافیه پردازانی بیش نیستند

و گروهی از آنان فقط دنباله روان نا توان

شعرای بزرگ قدمی اند. علاء‌الدین برطبق

ساخت ماند و بعد از آن بدون توجه به اعتراض

سلطان مراد به برد دستور داد تا می‌مالخانه

عادت پس از اظهار چند کلمه ندوشخ

دادو پس از سر کشیدن قدر دوم دست

سلطان مراد علاقمند شد تا بوقایع روز از نزدیک
آشنایی پیدا کند مخصوصاً ازین رهگذر کادر
طرقداری نوایی از حسین، بایقراء کوچکترین
نردیدی نداشت لذت‌خانی مایل بود تا از وضعیت

و عوقف سلطان سابق مطلع شود، او با همه کسب

معلومات از جریان گفتگو با توغان بیک ناگهان

از جای خاست و علاء‌الدین مشهدی را در جار

تعجب ساخت پس برخیز تاگشته بزنس

و پر گردید:

کوجه های شیر تاریک خاموش و خلوت و نوعی

هر این اتفاق بود.

ناینکه هنوز اولان شب بود غابرین نکش

بنظر میرسیدند...

فقط سیاهیان سوار هر لحظه چون طوفان باد

خودابرو درهم کشید. علاء‌الدین مشهدی

بسربخت می‌کشست گرد و خاکی که از سمت‌وران

کوشید آندیشه های دایر به زیبا پس

وغنای زیان نوایی را رد کند. این وضع به

عصبایت و هیجان سلطان مراد افزود و ناگزیر

سلطان مراد با شاره علاء‌الدین مشهدی خیلی

آهسته گام بر میداشت.

آنها نزدیک دربرده بپرس. توربایا پیدا نیای

کرد و گفت که توغان بیک تاکنون نیامده است.

علاوه‌الدین آهن کشید و لحظه ای در تاریکی

ساخت ماند و بعد از آن بدون توجه به اعتراض

سلطان مراد به برد دستور داد تا می‌مالخانه

اگر می‌خواهید لکه‌های

استفاده از این بود را تجویز نمی‌کنند. مایع است سفید ولک شیوه‌به‌اگزینه‌نمایش

برطرف کردن لکه مشروبات: قویتر از آن.

لکه حاصله از مشروبات، اعم از مشروبات احتمالاً رایج‌ترین لکه مشروبات، لکه

الکلی و یا غیر الکلی رایج‌تران باکار بسردند حاصل از دینهن چای بعروی لباس است

بیربرات دوسودا ببرطرف ساخت پربرات این لکه را اگر فوراً با صابون بشو بسید

و یکلی بالاخواهد شد در غیر این صورث اگر دارید بزندید؟

یارچه نخی یا کتانی بود از آبایم و استفاده کرد همیتووا نید.

اگر بخواهید چا که باقیه شده خودرا خواب نکند هر گز درو فت شستن آنرا نای

ندهید اورا باید در روی پتوسی هموار در مقابل آفتاب قرار داد.

و چیزی نمی‌خواهیم به آن اضافه کم و اگر

بخواهیم حرفي بزندم حتی از حوصله صفحه شما خارج خواهد بود شما بدون شک به

خاطر محدود بودن صفحه زنان و دختران السرا

جنف خواهید کرد که من از این کار خوش نمایم.

نماید.

شگوفان شدن استعداد

پیشگاه

۴۲ صفحه چهارم

می‌برسم: می‌توانید بگوید علت بروز یک‌سلاسل‌عن

هیکاری همان‌یعنی مکاتب چیست؟

خوب از این استعداد درمیان گروه‌های ورزشی

پیگوئیه است آوروزشگار در رشته کابوگزیده

است چگونه یا موقعیت خواهد رسید؟

ملیح‌همکوید: «به بی‌روزی رسیدن از جزء‌درترین

مشهد و لی حالاکه رزیم مترقبی جمهوری دست

به جنبش همکانی در رهه رشته هازده است

بدون شکر قابت های هم به میان می‌اید که اگر

دیگری سراغ کرد.

وورزش‌کار وقتی هیئت‌وان درین مردمش

درین جامعه‌اش و درین گروهش تبارز کند

که از خود ابتکار عمل داشته باشد.

لسرین درین مورد می‌گوید:

«تشویق مقامات مستول، گفتن، هایله‌های

نایشاین خالی از تشویق خواهد بود اگر

صورت می‌گردانند از علاقمندی ورزشکار ران

طرف معلمین اثر تشویق نمی‌شود سلم است

که گارش رو به رکود من تهد چهاره اش را هم

خوب در بایان برای ورزشکاران چه حرفس

سلطان مراد علاقمند شد تا بوقایع روز از نزدیک

آشنایی پیدا کند مخصوصاً ازین رهگذر کادر

طرقداری نوایی از حسین، بایقراء کوچکترین

نردیدی نداشت لذت‌خانی مایل بود تا از وضعیت

و عوقف سلطان سابق مطلع شود، او با همه کسب

معلومات از جریان گفتگو با توغان بیک ناگهان

از جای خاست و علاء‌الدین مشهدی را در جار

تعجب ساخت پس برخیز تاگشته بزنس

و پر گردید:

کوجه های شیر تاریک خاموش و خلوت و نوعی

هر این اتفاق بود.

ناینکه هنوز اولان شب بود غابرین نکش

بنظر میرسیدند...

فقط سیاهیان سوار هر لحظه چون طوفان باد

خودابرو درهم کشید. علاء‌الدین مشهدی

در صحبت از شعر و شاعران باز گرد و

کوشید آندیشه های دایر به زیبا پس

وغنای زیان نوایی را رد کند. این وضع به

عصبایت و هیجان سلطان مراد افزود و ناگزیر

می‌گرد.

در بزرگترین نبرد

خود را از دست داده بود و نمی توانست خودرا حفظ کند.

در روند ششم فور من از گذشته به نظر میرسید و بالا خرمه در رو ند ششم باوارد نمودن چند ضربه کاری به نفع کلی خاتمه یافت.

در رو ندهفتمن فور من کاملا خسته تر و نا توان تربود او در این روند به تمام معنی وضع او لی خودرا پاخته بود او به مشکل میتوانست ضربات کلی را دفاع کند و لی احاطه کلی با حریف به حدی بود که فور من دیگر نمیتوانست قدرت مقابله با کلی را داشته باشد محلات و کاملا نا منظم و غیر اراده بود.

در روند هشتم سر انجام لحظه تاریخی فرا رسید، البته فور من چند ضربه به کلی وارد نمود و لی مشخص بود که توان و کشش کافی ندارد و کلی با وجود واردشدن ضربات فور من باز هم تسلطداشت. محمد علی کلی با پیروزی مجدد اش بعداز هفت سال دوری از این لقب باز قهر مان بو کس جهان گردید.



مسئول مدیر :
علی محمد «بر بالی»
مهتمم ع.م عثمان راده
دمسؤل مدیر دفتر تلفون: ۳۶۸۴۹۹
دمسؤل مدیر دکور تلفون: ۲۱۹۶۰
سوچبورد ۲۶۸۵۱

دفتر ارتباطی تیلفون ۱۰
دتوزیع او شکایات مدیریت ارتباطی
تیلفون ۵۹

پته: انصاری وات

داشتراک بیه
به باندیشو هیوادو کنی ۲۴ دالر
دیوی گنی بیه ۱۳ الفانی
به کابل کنی ۱۵۰۰ الفانی

دولتی مطبعه

بانکنوت ۵۰ افغانیگی به چلنده میافتد

بنز از هموطنان محترم تقاضا میشود تا به مقصود عوض نمودن یک نوع نوی بازیگران به بانکها، شهری خانگه های نمایندگی هامراجعه نموده از هر دونوع نوی های جدید و سابق منجیت پول قانونی برای معاشر ملات داده است.

استفاده نمایند، داغانستا ن بانک نو تهای

نظری را از طریق پرداخت های پول خوش

در جراید کشور نشر میشود.

(اینک مجله روندون فرتوی بانکنوت اقتصاد احسان میگردد بخش و تو زیع

متذکره راجاب گرد.)

میخواهد.

وزارت مالیه به تعقیب ابلاغیه قیلس خویش باطلایع عموم رسانیده شده است بجانبا بانکنو تهای طبع سابق در پهلوی رساندگه داغانستا ن بانک علاوه بر بانکنوت بانکنوت های طبع جدید دارای حکم واحد های هزار افغانیکی صد افغانیکی، بیست ایلی و عین قدر ت بماله میباشد. موضوع جبت آگاهی اطلاع گردید و فوتی بانکنوت مذکور جهت معلومات بیشتر فوتی بانکنوت مذکور جهت معلومات بیشتر در جراید کشور نشر میشود. (اینک مجله روندون فرتوی بانکنوت اقتصاد احسان میگردد بخش و تو زیع مذکور راجاب گرد.)

با به دوران گذاشتن این نوع بانکنوت



نوت پنجاه افغانیکی جدید دو لیر جمهوری گهار پهلوی سایر بانکنوت های اخیر اعتبار پولی میباشد.



نوت پنجاه افغانیکی دو لیر جمهوری در معرض چلنده قرار گیرد.

فستیوال فلم های اتحاد شوروی

فستیوال فلم های اتحاد شوروی روی آغاز عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه گردید

برخی از معاشر مصیبان ارشد اردوی جمهوری و مأمورین عالیه ته ملکی اعضاي انجمن

مسافرت بنگلری رئیس دو لیر و صدراعظم دوستی افغان و اتحاد شوروی بپرسی از

روسانی کورد پهلوی ما تیک مقیم کابل و اعضاي سفارت کبرای اتحاد شوروی اشتراکورزیده در کابل نتداری آغاز گردید.

در مراسم افتتاح این فستیوال که به بودن:

اساس پرو گرام هنکاری گلتوري بین قبیل از نمایش فلم بنا غلی عبدا لصمد

افغانستان و اتحاد شوروی از طرف آصفی رئیس افغان فلم و بنا غلی الکساندر

نوواک ایشنوف مستشار وزیر مختار سفارت اکسپورت فلم و افغان فلم برگزار میشود

کبرای شوروی بیانیه هایی تما طی نموده و بناید بعثت وزارت اطلاعات و گلتور و سفارت

برگزاری فستیوال فلم های اتحاد شوروی نوین وزیر اطلاعات و گلتور، بشاغلی وحد

بین درگذور خواندن.

معاقبا فلم مسافرت بنا غلی رئیس دولت و صدراعظم در اتحاد شوروی از طرف

مقامات آنکشور بصورت رنگ تهیه شده است نمایش داده شد.

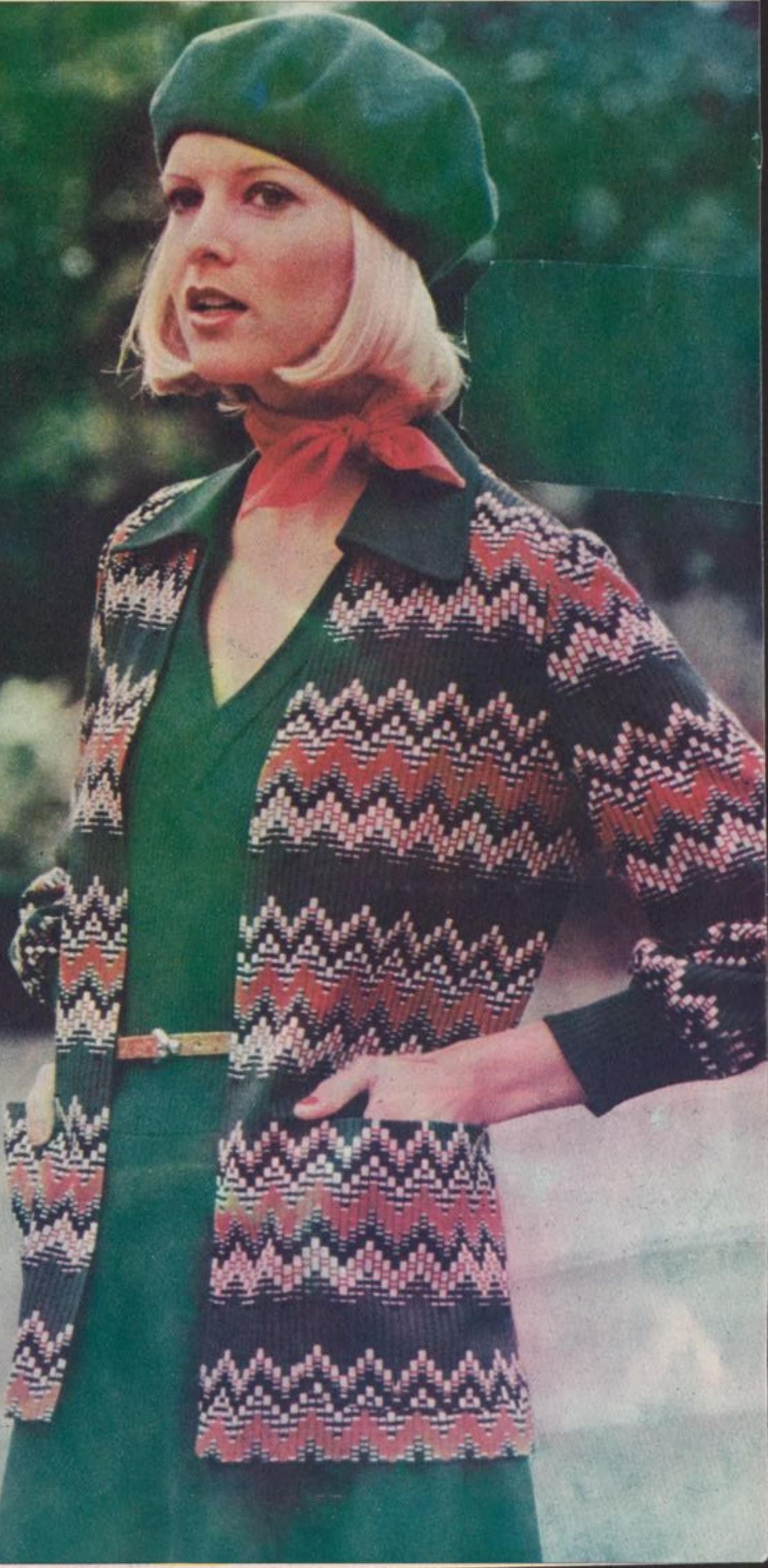
و همچنان فلم پیشرفت های اکتشافات کیمان نورده در شوروی نمایش داده شد.

ساير فلم های این فستیوال که بالترتیب درسینما آریانا نمایش داده خواهد شد عبارت از دوست دارم و بخا طریق آور لاله های سرخ

کنار دریاچه نوازنگان دوره گرد، دوازده چوکی، فرار عشق شادی بخش و بودن بود پیر

مردو پیر زنی بود میباشد.

مود و فشن



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library